

کوچک

سال پنجم، شماره ۲۲

پنجشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۴

برگزاری هنر آزادی

تندیس عین

جهانی

جذب

جهانی

سال پنجم، شماره ۲۲

پنجشنبه ۳۰ بهمن ماه ۱۳۸۴

برگزاری هنر آزادی

تندیس عین

جهانی

با ابابالفضل

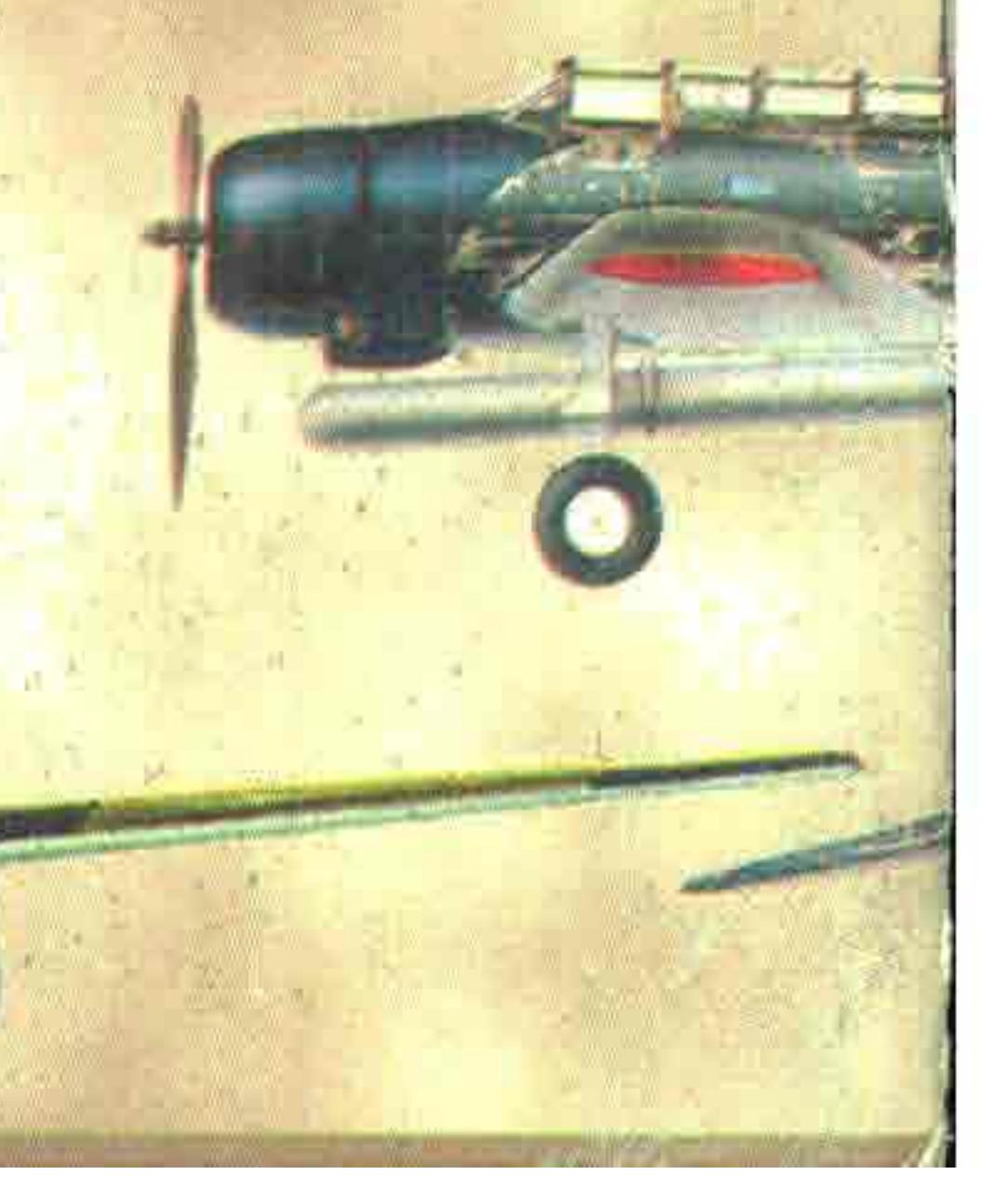
هواییماهای

جنگ

جنگ جهانی دوم

جلد دوم

کتاب در مجله





پویام فراز پر پنجه همراهان

دروست

هفته نامه کودکان ایران

صاحب امتیاز: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام «ره»

- مدیر مسؤول: مهدی ارجانی • سردبیران: افشین علاء - سیاوهک سرمدی
- مدیر هنری: احمد قائمی مهدوی • تصویرگر: محمد حسین صلواییان
- مدیر داخلی و طراح بازی جلد: نادیا علاء
- عکس: امیر محمد لاجورد • حروفچین: نیرالسادات والاتبار
- امور مشترکین: محمد رضا اصغری

لیتوگرافی و چاپ: مؤسسه چاپ و نشر عروج نشانی: خیابان انقلاب
چهار راه حافظ - پلاک ۹۶۲ تلفن: ۰۶۷۰۶۸۳۳ - ۰۶۷۱۲۲۱۱

روی جلد و پر زمینه

زنگیرهای عزاداری

پسر بچه روی جلد، به دنبال ۸ عدد زنگیر می‌گردد. دوستانش منتظرند تا او هر چه زودتر این زنگیرهای عزاداری را پیدا کند و آنها بتوانند در مراسم عزاداری سالار شهیدان حضرت ابا عبد الله الحسین (ع) زنگیر بزنند. دسته آماده حرکت است. به این پسر بچه کمک کنید تا زنگیرهای عزاداری را پیدا کند.



فهرست مطالب کتاب در مجله:

- آیچی D۳A
- کاواساکی توریو
- کاواساکی هاین
- ...
- مقدمه
- مسر اشمیت - کومت
- مسر اشمیت - ۲۶۲
- فیات - G ۵۵
- ساویا - مارچتی

کتاب در مجله

هوای پیماهای

جنگ

جنگ جهانی دوم

جلد دوم



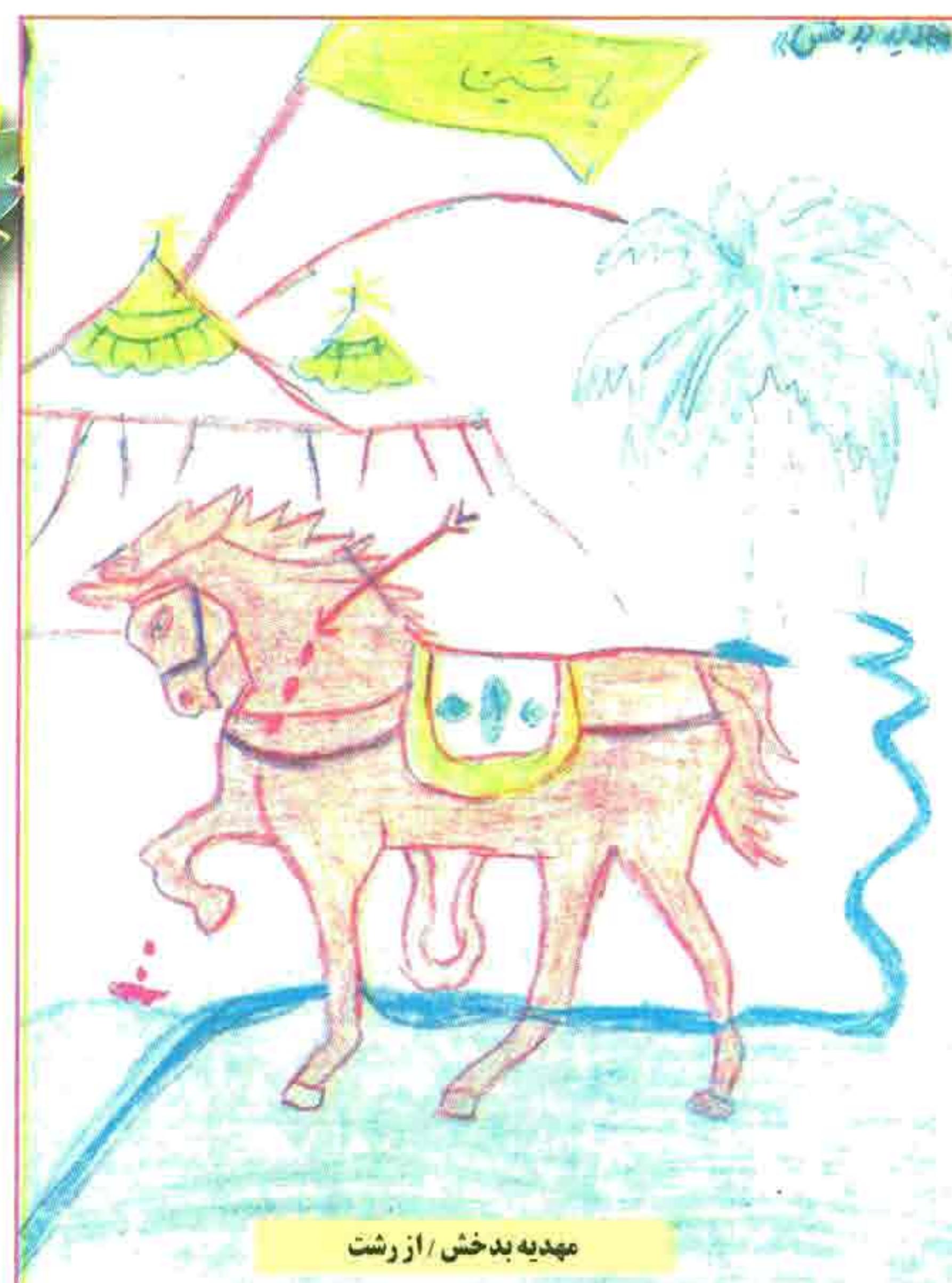
تقویم اسلامی

۱۹ دی ۱۳۵۶

- قیام مردم قم در اعتراض به انتشار مقاله‌های آهانت‌آمیز به امام و روحانیت، توسط پلیس شاه سرکوب شد و تعداد زیادی به شهادت رسیدند.

امام حسین(ع)

صبح شد و بلبل
شروع کرد به خواندن نوحه
قرآن رادرآورد از صدف
از رو دخانه‌ی غمگین فرات
می‌درخشید اسم حسین
رنگ خون و رنگ لاله
رنگ اشک عباس
رنگ فراق از یک ستاره
عزیم پارسا ۰ ساله از تهران



مهدهی بدخش / از رشت



محمد یعقوبی / ۱۰ ساله از



غزاله حاتمی / ۱۰ ساله از تهران

اردک خودخواه

یکی بود، یکی نبود، توی یک جنگل بزرگ حیواناتی قشنگ زندگی می‌کردند. یک آقا اردک بود که خیلی به نوک قرمذش می‌نازید و هر کس که به خانه‌اش می‌رفت، وقتی که می‌خواست برای یک لحظه به نوکش دست بزند، فوری یک فریاد بلند می‌زد. بچه‌ها! یک روز آقا اردک برای تولد، همه‌ی حیوانات جنگل را دعوت کرده بود که به خانه‌ی آقا اردک بروند و در آن جا جشن برپا کنند. همه‌ی حیوانات دعوت آقا اردک را پذیرفتند و شب به جشن تولد ۸ سالگی آقا اردک رفتند. در جشن تولد، آقا خرگوش خواست که به نوک قرمذ آقا اردک دست بزند. یکدفعه صدای فریاد بلند شد. همه‌ی حیوانات از دست او ناراحت و عصبانی بودند. شب که همه‌ر فتند به خانه‌ی هایشان، یک اتفاق عجیب افتاد! می‌دونید این اتفاق چی بود؟ از بس که آقا اردک به نوک قرمذش می‌نازید و همه از دست او ناراحت بودند، خدا همان شب نوک آقا اردک را زرد و زشت کرد. بچه‌ها، صبح که آقا ازدک از خواب پا شد. رفت که صورتش را بشوید، در آینه خود را نگاه کرد. دید که نوکش زرد شده. فریاد آقا اردک تمام خانه را به لرزیدن انداخت. همه‌ی حیوانات دور خانه‌ی آقا اردک جمع شدند. آقا اردک آمد بیرون، خیلی غمگین بود. وقتی که آقا لاک پشت او را دید گفت: وای، تو خودت باعث شدی که خدا تو را زشت کنند، می‌دانی چرا؟ برای این که هر کس به نوکت دست می‌زد، او را دعوا می‌کردی و بر سرش فریاد بلند می‌زدی.

ندا سلمانی فیض ۱۲ ساله از قم

باران، سلام!

هوا داشت ابری می‌شد. من داشتم ترانه می‌خوندم. اونقدر غرق ترانه خوندن شده بودم که دیگه حس می‌کردم تو آسمونم. همینطور داشتم از خونه قشنگ آسمون بالا می‌رفتم. اون آسمونی که دیوارش آبی بود و سقفش سفید بود و تو شب‌ها سیاه می‌شد. اون بالا دیدم که دو تا بچه داشتن بازی می‌کردند، که یکدفعه خوردن به هم و گریه‌شون گرفت و اشکشون بارید تا ته زمین. بعد از یک ساعت گریه‌ها تموم شد. اون طرفت یک دختر خیلی قشنگ یه تیکه اسفنج بزرگ رو با یه قیچی گرفته بود دستشو و خورد، خورد می‌کرد. رفتم بالا، تو یک صدای شنیدم، یک صدای بلند که می‌گفت: ماہی جادوی! ماہی جادوی باز هم با من حرف بزن تا از دهانت مروارید قد و نیم قد سرازیر بشه! ماہی هم شروع کرد به حرف زدن. یکدفعه دیدم از آسمون روی یه سرسره‌ی هفت رنگ پایین او مدم و تازه فهمیدم که اونها چی بودن. اون دو تا بچه‌ی حواس پرت بارون بودند، اون دختر قشنگ هم برف بود و اون مرواریدهایی هم که از دهان ماہی بیرون می‌ریخت. تگرگ بودند.

پروانه نظری عضو کانون پرورش فکری سیرم

هفته گذشته با تصاویر و مطالبی درباره هوایی‌ماهی جنگی که در جنگ دوم جهانی مورد استفاده قرار گرفت، آشنا شدید. ترتیب مطالب و تصاویر به گونه‌ای بود که شما ابتدا هوایی‌ماهی جنگی ساخت فرانسه را شناختید و پس از آن با تعدادی از هوایی‌ماهی‌های ساخت صنایع هوایی آلمان آشنا شدید. این هفته، بقیه هوایی‌ماهی‌های جنگی ساخت آلمان را که در جنگ دوم جهانی مورد استفاده قرار گرفت، خواهید شناخت و سپس با تعدادی از هوایی‌ماهی‌های جنگی ایتالیا و ژاپن آشنا می‌شوید.

اما اینها (۱) هم از این حقایق نهادهای معاصرند.

حکایت بنده‌ای صالح

فردای شبی که روح امام به جوار حق پیوست، مجلس خبرگان رهبری تشکیل جلسه داد. ابتدا وصیت‌نامه حضرت امام به وسیله حضرت آیت‌آی خامنه‌ای به مدت دو ساعت و نیم خوانده شد. پس از آن، خبرگان رهبری، به بحث و تبادل نظر برای تعیین جانشین امام و رهبر انقلاب پرداختند. پس از ساعت‌ها، سرانجام حضرت آیت‌آی خامنه‌ای که در آن زمان رئیس جمهور بودند، به اتفاق آرا برای این رسالت مهم برگزیده شدند. حضرت آیت‌آی خامنه‌ای از چهره‌های درخشنان انقلاب است که خود از شاگردان حضرت امام و از یاوران قیام ۱۵ خرداد به حساب می‌آید. او در همه فراز و نشیب‌های انقلاب، جانبازانه خدمت کرده است.

با این انتخاب، بار دیگر آرزوی غربی‌ها و حامیان آنها در داخل، نقش برآب شد. آنها سال‌ها به این امید بودند که با رحلت امام، کار نظام اسلامی و انقلاب نوپای آن یکسره خواهد شد. اما به یکباره، همه امیدهای پوچ ضد انقلاب برباد رفت و عصر پس از امام خمینی، در پنهانی وسیع‌تر از گذشته آغاز شد.

روز و شب ۱۵ خرداد ۱۳۶۸، سراسر ایران در ماتم و عزاء غرق اندوه بود. میلیون‌ها نفر از شهرها و روستاهای دور و نزدیک به تهران آمدند و در مصلای بزرگ تهران جمع شده بودند تا برای آخرین بار با پیکر پاک و مطهر مردی بزرگ، خدا حافظی کنند. همه چیز به صورت مردمی، بسیجی و عاشقانه بود. هیچ اثری از تشریفات سرد و بی‌روح رسمی در میان نبود...

(ادامه دارد)



نام هوایپیما: مسر اشمیت - کومت

کشور سازنده: آلمان

موتور: «والتر» برون سوز



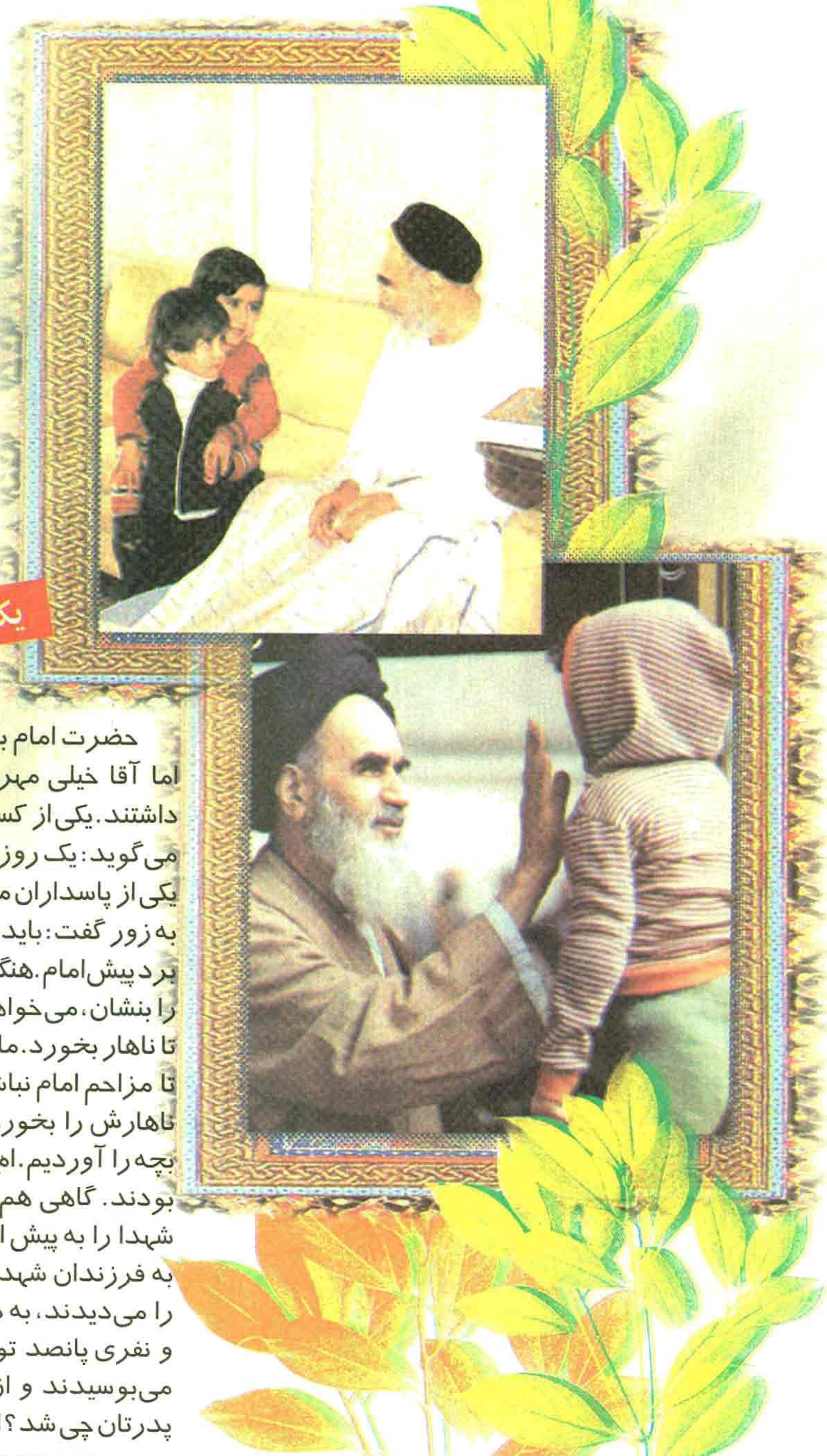
تقویم اسلامی

۱۳۵۶ بهمن ۲۹

قیام عمومی مردم تبریز
به مناسبت چهلم شهدای
۱۹ دی قمر، بیست و یک
روز بعد، در ۲۰ اسفند،
زندانیان زندان قصر نیز
در اعتراض به رژیم پهلوی
اعتصاب غذا کردند.

یک خاطره، هزار پند

حضرت امام به علی نوہی خود خیلی علاقه داشت. اما آقا خیلی مهربان بودند و همه بچه‌ها را دوست داشتند. یکی از کسانی که در منزل امام خدمت می‌کرد، می‌گوید: یک روز با علی نوہ امام به محلی رفته بودیم. یکی از پاسداران محافظ امام، دختر کوچکی داشت. علی به زور گفت: باید او را بیریمش پهلوی امام. سپس او را بردپیش امام. هنگام ناهار بود. امام به علی گفت: دوستت را بنشان، می‌خواهیم ناهار بخوریم. او هم بچه را نشاند تا ناهار بخورد. ما دو سه دفعه رفتیم که بچه را بیاوریم تا مزاحم امام نباشد، اما ایشان گفتند: نه، بگذارید بچه ناهارش را بخورد. بعد که ناهارش را خورد، رفتیم و بچه را آوردیم. امام پانصد تومان هم به بچه هدیه داده بودند. گاهی هم اتفاق می‌افتد که بعضی از فرزندان شهدا را به پیش ایشان می‌بردم. امام بلند می‌شدند و به فرزندان شهدا مهربانی می‌کردند. امام وقتی آنان را می‌دیدند، به دست و صورتشان دست می‌کشیدند و نفری پانصد تومان به آنان هدیه می‌دادند، آنان را می‌بوسیدند و از آنان می‌پرسیدند: اسمتان چیست؟ پدرتان چی شد؟ ایشان همه بچه‌ها را دوست داشتند.



حداکثر سرعت: ۹۵۵ کیلومتر در ساعت

وزن: ۱۹۰۰ کیلوگرم





در دل آتش و دود

بیوک ملکی

آب، ای آبِ آرام و آبی
پس چرا سرد و خاموش هستی؟!
نیستی چون همیشه خروشان
از چه این گونه بی جوش هستی؟



پشت نیزاری از نیزه و تیغ
آن طرف، دشمنان بی شمارند
این طرف، در دل آتش و دود
کودکان، تشنگ در انتظارند



۶

● طول بال: ۵ متر و ۸۵ سانتی متر
● اسلحه: دو مسلسل ۳۰ میلی متری کانن



انقلاب اسلامی

تقویم

۱۰ فروردین ۱۳۵۷
تظاهرات خونین دریزد، جهrom
واهواز به مناسبت چهلمین روز
شهادت مردم تبریز.

پای آن نخلهای پریشان
اینک افتاده غمگین علمدار
آی، ای آب خاموش! برخیز
مشکی از موج بر دوش بگذار



آب، ای آب، ای آبی پاک!
سوی لب تشنگان زود بشتاب
سوخت از تشنگی جان آنها
زود بشتاب ای مهربان آب

نام هواپیما: مسر اشمیت - ۲۶۲
کشور سازنده: آلمان
موتور: ژانکر (توربو جت)





ساعت بی صدا

نویده گوگانی

زینگ، زینگ، زینگ، این صدای ساعت شما طهداری است که هفت صبح زنگ می‌زند و همه را بیدار می‌کند. اما مریم با دلخوری لحاف را رویش می‌کشد و غرغر کنان می‌گوید: باز این ساعت لعنتی زنگزد و مرا از خواب شیرین بیدار کرد. کاش اصلاً عقربه نداشت و همینطور که دلش می‌خواست کمی دیگر هم بخوابد. فکری بخاطرش رسید. بلند شد و یکی یکی سراغ ساعت‌های خانه رفت و همه عقربه‌هایشان را برداشت و زیر بالش خود قایم کرد. حالا ساعت‌ها مثل صورت‌های بی‌دهان و دماغ فقط نگاه می‌کردند و جیکشان درنمی‌آمد. انگار دیگر صدایی در خانه نبود. مریم کمی چرت زد. اما هیچکس کاری به کارش نداشت. کمی بعد بیدار شد ولی باز هم کسی به او نگفت مدرسه‌اش دیر شده است.

سلانه سلانه به گلستان کنار پنجره که تازه غنچه داده بود، آب داد. چند دانه ارزن برای جوجه اردکش ریخت. کمی بعد بی‌هیچ عجله‌ای صبحانه اش را خورد و راهی مدرسه شد. اما دل تو دلش نبود. نکند خانم معلم او را برای دیر رسیدن سر کلاس تنبیه کند. اما خانم معلم اصلاً او را دعوا نکرد. لبخندی زد و گفت: مریم جان سر جایت بشین. حالا مریم توی دلش می‌گوید: وای چه خوب، دیگر صبحها تا هر وقت دلم بخواهد می‌توانم بخوابم و روزهای بعدی هم به همین صورت گذشت. مریم هر وقت دلش بخواهد مدرسه می‌رود. هر وقت دلش بخواهد می‌خوابد. می‌تواند برای صبحانه پیتزا بخورد و برای ناهار نان و پنیر.

۸

- حداکثر سرعت: ۸۷۰ کیلومتر در ساعت
- وزن: ۴۴۲۰ کیلوگرم



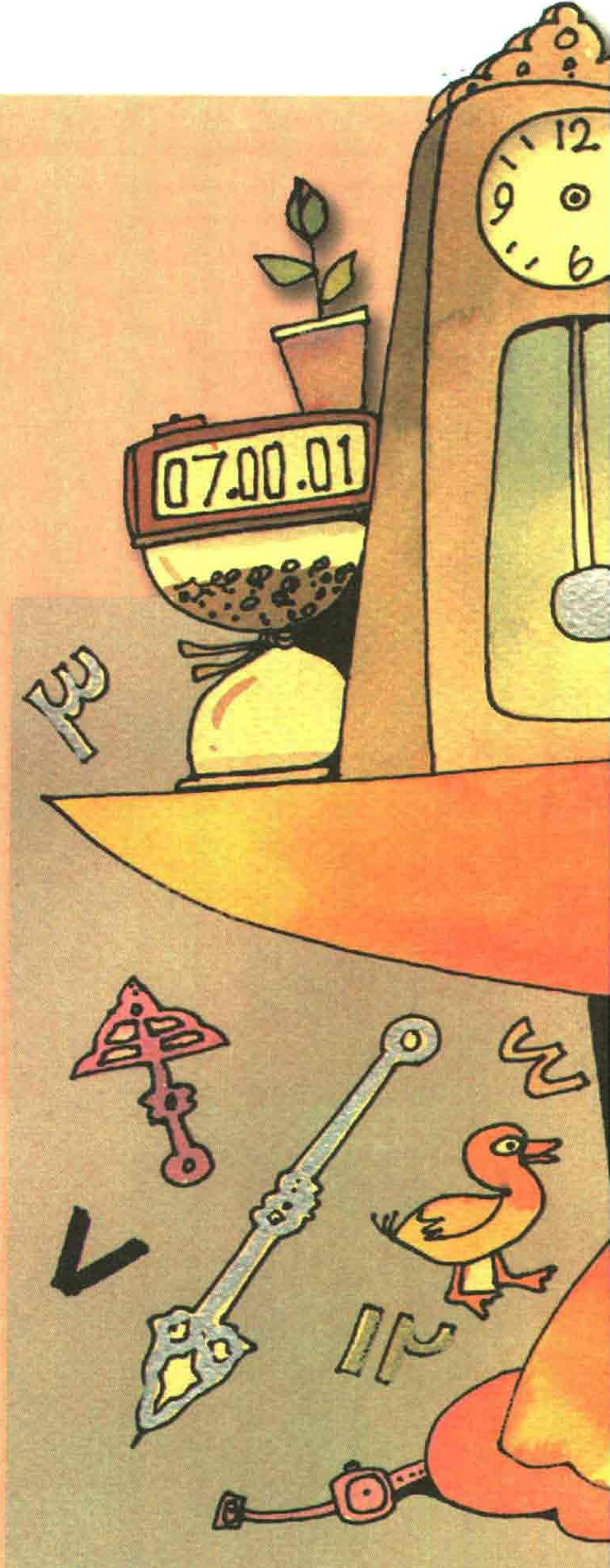
انقلاب اسلامی

تقویم

- ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۲:
- کشتار دانشجویان تبریز.
- روز بعد در سیام اردیبهشت، پلیس شاه دست به کشتار مردم قم زد و به منازل مراجع تقیید در این شهر حمله کرد.

همه چیز برای مریم به شکل دیگری در آمد است و زندگی چقدر بنظرش جالب‌تر می‌رسد. اما یک روز که مریم سرگرم بازی بود صحبت‌های پدر و مادرش را می‌شنود. پدر می‌گوید: نمی‌دانم چرا مدتی است اصلاً به موقع سر کار نمی‌رسم. اگر اینطوری ادامه پیدا کند، از کار بیکار می‌شوم. مریم کمی ته دلش خالی می‌شود. اما برای اینکه خودش را سرگرم کند سراغ جوجه‌اردکش می‌رود و برایش دانه می‌پاشد. اما هر چه دانه می‌پاشد فایده‌ای ندارد. چون جوجه‌اردکش اصلاً بزرگ نمی‌شود. در حالیکه جوجه‌اردک همسایه آنقدر بزرگ شده که خودش هم تخم می‌گذارد. مریم با حسرت به اردک همسایه نگاه می‌کند و دلش برای اردک خودش می‌سوزد. بعد با آپیاش سراغ گلدان گلش می‌رود. اما چه فایده‌ای هر چه آب می‌دهد، غنچه گلش باز نمی‌شود که نمی‌شود. تازه‌از همه اینها گذشته، امتحانات آخر سال نزدیک است و او در تمام درس‌هایی که دیر به کلاس رسیده، اشکال دارد. مریم با ناراحتی روی تختش دراز می‌کشد. احساس می‌کند امروز با همان روزی که عقربه‌های ساعت را برداشت و زیر بالش خود قایم کرد هیچ فرقی ندارد. انگار اصلاً زندگی نکرده. دستش را یواشکی زیر بالش می‌برد و عقربه‌های را بر می‌دارد و سراغ ساعت‌های خانه می‌رود و همه آنها را سر جایشان می‌گذارد.

ناگهان صدای همه بلند می‌شود. مادر بزرگ می‌گوید: مریم اذان است جانمازم را بیاور. مادر می‌گوید: مریم دستهایت را بشور وقت شام است. پدر می‌گوید: مریم زنگ ساعت را برای هفت صبح کوک کن. و مریم با خوشحالی می‌گوید: بله بابا - بله مامان، بله مادر بزرگ!



طول بال: ۱۰ متر و ۶ سانتی‌متر
اسلحة: ۴ مسلسل ۳ میلی‌متری کانن-۲۴ راکت‌هوا به هوا



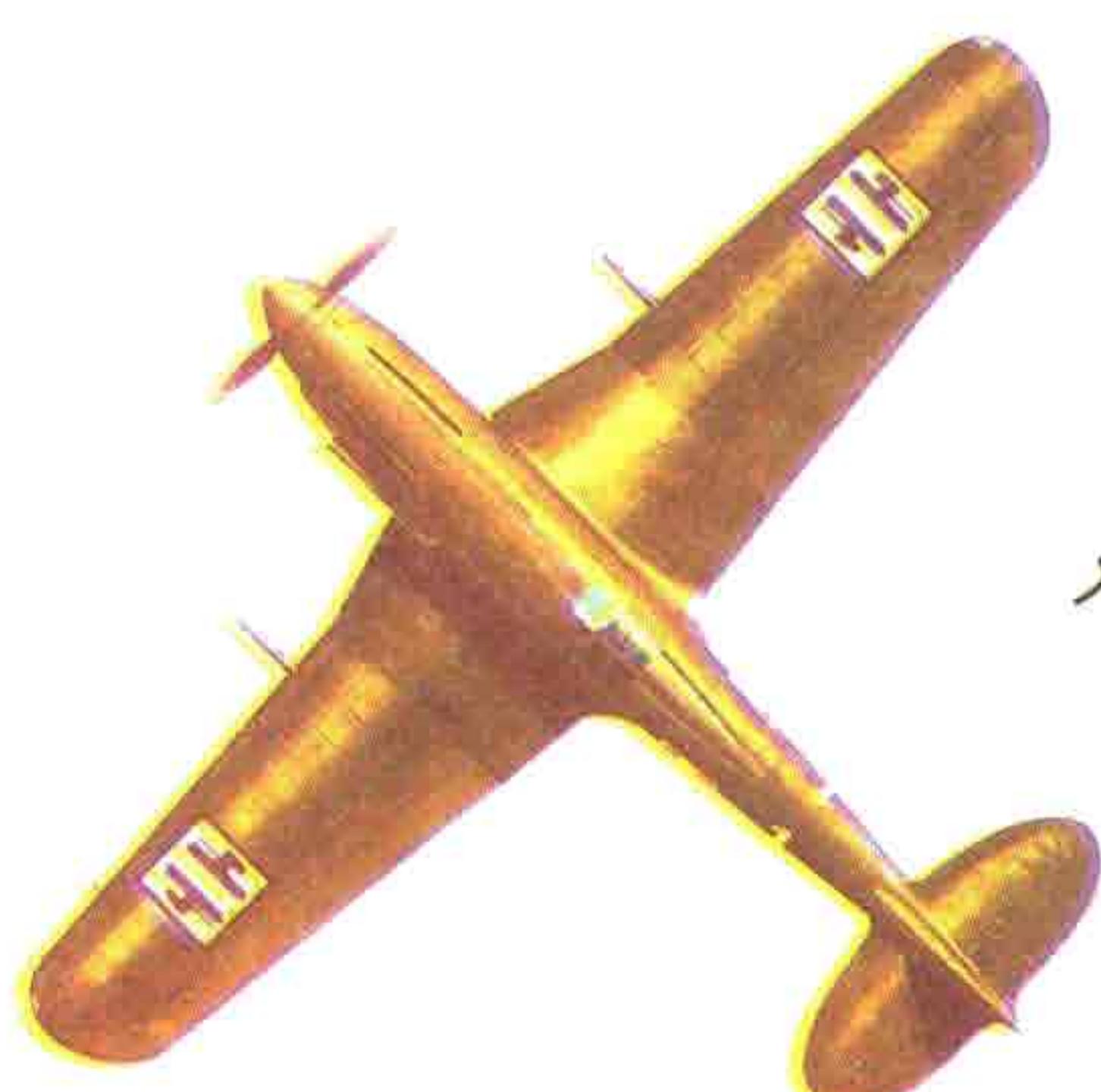


در بازار فرش، در کف هر حجره‌ای، قالی‌ها لایه لایه روی هم خواهد بودند. اگر مشتری باشد صاحب مغازه یکی یکی آنها را مانند صفحات یک کتاب برایتان ورق می‌زند. هر صفحه رنگی دارد و نقشی، یکی از یکی زیباتر. برای مشتریانی که اطلاعی از یک فرش ندارند انتخاب هر یکی از آنها، بستگی به سلیقه و میزان بودجه آنها دارد. برای صاحبان حجره‌ها، فرش تنها یک کالاست که باید آنرا با چند درصد سود به مشتری فروخت. آنها هر قالی را به سرعت از نظر محل بافت و نوع گره و نقشه و میزان ریزبافت بودن و... شناسایی می‌کنند و آنها را در طبقه بندی‌هایی مانند: قالی نو، قالی از خانه درآمده، افتاده، دوبر، کم جان، دُرتی، سایده، قالی سوت و... قرار می‌دهند. در بازار فرش که قدم بزنید واژه‌هایی مانند اسکنست، انگ، کمیسیون و حق دلالی و... کلماتی رایج هستند که بین آنها رد و بدل می‌شود. اما قالی، بیننده دیگری هم غیر از فروشنده‌ها و مشتری‌ها دارد: خود قالیباف. کسی که در تمام مدت بافته شدن فرش، برایش زحمت کشیده و هر روز شاهد بالا آمدن تدریجی اش بوده است. او از زمانی که بر دار قالی، فقط خطهای عمودی نخ چله بود تا زمانی که قیچی برمی‌دارد و قالی تمام شده را از دار پائین می‌آورد، نشسته است و گره پشت گره ورج بعد از رج. و در هر رج آن، مدتی از عمر خود و مقداری از نور چشم خود را صرف کرده است.

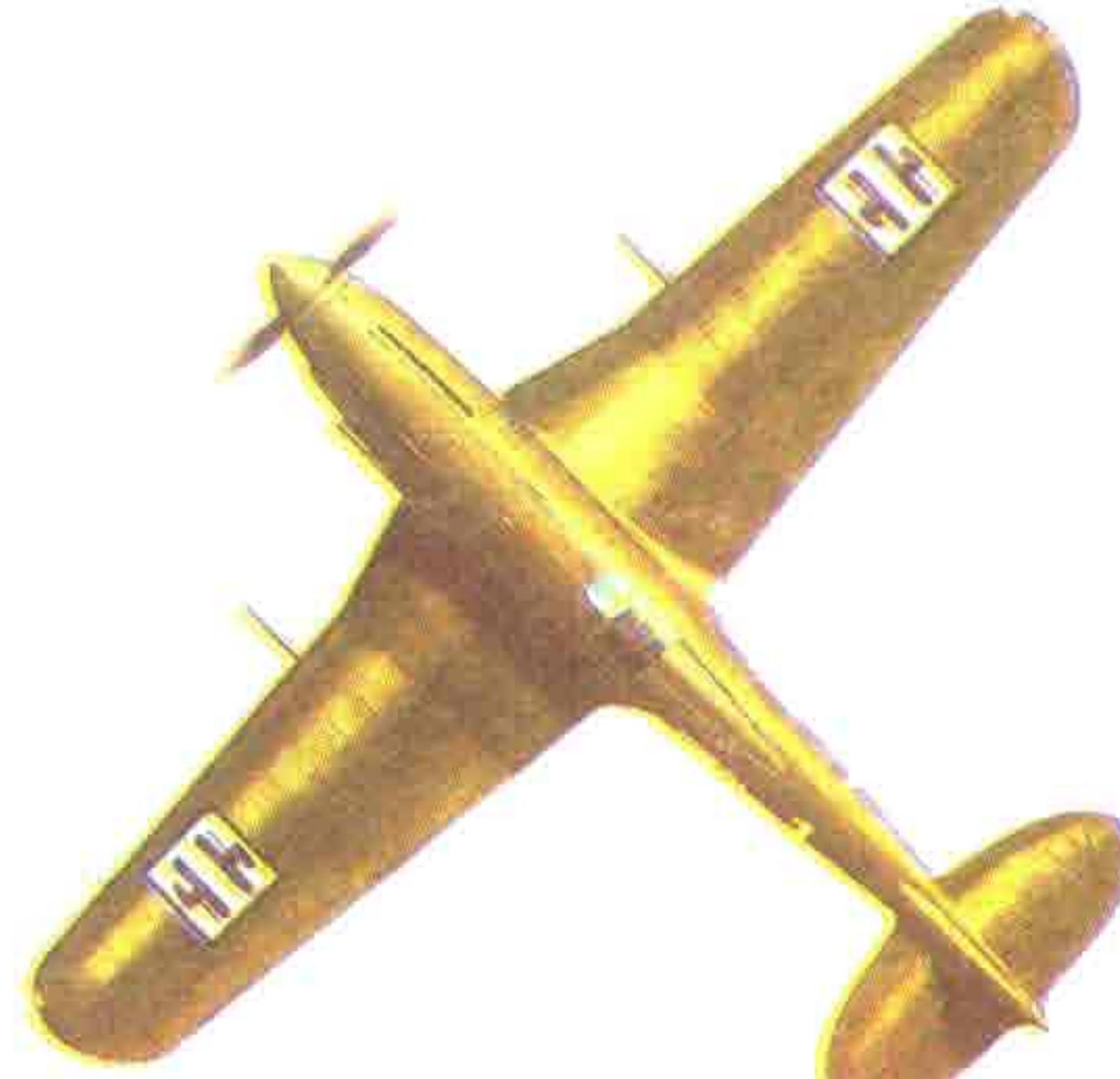
دیدار این هفت‌دوست در یک کارگاه قالیبافی است. جایی که تعدادی از خانم‌ها مشغول بافتن قالی‌اند. خانم «فاطمه کاظمی» استاد کار این کارگاه هستند. با او دیدار می‌کنیم.



امیر محمد لاجورد



نام هوایپما: G ۵۵
کشور سازنده: ایتالیا
موتور: دایملر-بنز ۱۲ سیلندر



نقویم اسلامی انقلاب

۲۰ مهرداد ۱۳۵۷: ظاهرات خونین در اصفهان. دو روز بعد در ۲۲ مهرداد، «سید علی اندرزگو» از چهره‌های مبارز، توسط نیروهای امنیتی شاه (ساواک) به شهادت رسید.



● کار شما در اینجا چیست؟

من بافنده قالی و استاد کار این کارگاهم. همچنین به عنوان مربی به کسانی که تازه برای کار به این کارگاه می‌آیند آموزش می‌دهم و به آنها قالیبافی یاد می‌دهم. در اینجا حدود ۲۵ دار قالی داریم که مسئولیت آنها با من است.

● چند سالtan است و چند سال است که قالیبافی می‌کنید؟

۴۷ ساله هستم. حدود ۴۰ سال است که قالی می‌بافم. از ۷ سالگی شروع به این کار کردم.

● تا به حال چند تا قالی بافته‌اید؟

اصلًا یادم نیست. حسابش را ندارم.

● چند ساعت در روز کار می‌کنید؟

در این کارگاه روزی ۸ ساعت کار می‌کنیم. اما در خانه هم دار قالی دارم و از اینجا که می‌روم مقداری هم در خانه قالی می‌بافم.

● در خانه خودتان، چند تا فرش دارید که خودتان آنرا بافته‌اید؟

هیچی. من در خانه فرش ماشینی دارم. فرش‌های دستباف گران هستند و سرمایه‌می خواهد. من همه فرش‌هایی را که تا آن بافته‌ام سفارش گرفته بوده‌ام و برای کسان دیگری بافته‌ام.

● بافتن هر فرش چقدر طول می‌کشد؟

بسنگی به اندازه فرش و مقدار ریز بافت بودن و نوع گره‌هایش دارد. فرش‌هایی که ما در اینجا می‌بافیم ۱۲ متری است و ریز بافت و گره‌اش دو پود است. اگر ۴ نفر بافنده روی آن کار کنند حدود یک‌سال طول می‌کشد تا تمام شود. فرش‌هایی هم وجود دارد که می‌توان ۲ ماهه آنرا تمام کرد.

● چند نوع گره وجود دارد؟

دو نوع. یک نوع که به آن گره یک پود می‌گوییم و زدن آن گره راحت‌تر است. نوع دیگر گره دو پود است که هم سخت‌تر است و هم قالی ضخیم‌تر می‌شود ویژگی دیگر آن این است که دوام قالی بیشتر می‌شود و قیمت قالی هم بیشتر می‌شود. گره یک پود را می‌توانیم با دست خالی بزنیم ولی برای زدن گره دو پود حتماً باید از قلاب استفاده کنیم. فرش‌هایی مانند بوخار و بوکان گره‌های دو پود دارند و فرش‌هایی مانند کاشان، اردکان، یزد و ... گره‌های یک پود دارند.



○ حداکثر سرعت: ۶۲۰ کیلومتر در ساعت

○ وزن: ۲۶۳۰ کیلوگرم





● قلاب چیست؟

وسیله‌ای که معمولاً در دستان قالبیاف دیده می‌شود. سر آن قلاب دارد که کاموا را می‌گیرد و از پشت چله بیرون می‌کشد و در قسمت پائینش هم مانند کارد است که برای بریدن کاموا بعد از زدن گره استفاده می‌شود. دو کاره است.

● دیگر از چه وسایلی استفاده می‌کنید؟

«دفه» که برای کوییدن گره‌ها بعد از باقتن هرج است. «شانه» که برای صاف کردن گره‌ها و قیچی که برای بریدن اضافه نخ‌های گره زده شده است. خود این هم یک دار است که هم می‌تواند چوبی باشد و هم می‌تواند آهنی باشد و نخ‌های چله به طور مرتب روی آن کشیده شده است. روی همین نخ‌های چله است که گره‌ها را می‌زنیم. نقشه هم که از واجبات است و همیشه باید جلوی چشمان باشد و قالی را از روی نقشه ببافیم. این نقشه‌ها را نقشه کش قالی کشیده است و رنگ هر دانه از گره‌ها را روی آن مشخص کرده است.

● جنس این کامواها از چیست؟

بعضی‌ها از کرک استفاده می‌کنند. بعضی‌ها هم از ابریشم. ما از پشم گوسفند استفاده می‌کنیم. رنگ‌های آن هم طبیعی هستند. در بعضی از کامواهای حالا، از رنگ‌های شیمیایی استفاده شده است.

● از میان این همه گلوله‌های رنگی، گدام رنگ را بیشتر دوست دارید؟

همه رنگ‌ها خوبند. اما سفید را خیلی دوست دارم. در کار قالبیافی، رنگ‌های خیلی تیره، چشم‌ها را اذیت می‌کنند.

● چقدر سواد دارید؟

پنج کلاس سواد دارم. خیلی دوست داشتم درس بخوانم ولی باید به خانواده‌ام کمک می‌کردم. همان پنج کلاسی هم که درس خواندم می‌باید کتابم را می‌گذاشتم روی دار قالی و هم قالی می‌باftم و هم درسم را می‌خواندم.

● اسم معلم کلاس اول تان یادتان است؟

نه، اما اسم معلم کلاس دومم یادم است. آقای احمد کاظمی.

● دوست داشتید چه کاره شوید؟

خیلی خیلی دوست داشتم که معلم شوم.

● حالا از شغل تان راضی نیستید؟

راضی‌ام. شکر خدا. البته قالبیافی کار خیلی سختی است. زانوها و کمر و چشم‌های من اذیت می‌شوند. راضی‌ام به رضای خدا.



● طول بال: ۹ متر و ۳۷ سانتی‌متر

● اسلحه: دو مسلسل ۱۲/۷ میلی‌متری - سه مسلسل ۲۰ میلی‌متری کانن





تقویم انقلاب اسلامی

۱۳۵۷ مرداد ۲۸

سینما رکس آبادان توسط عوامل رژیم شاه به آتش کشیده شد.

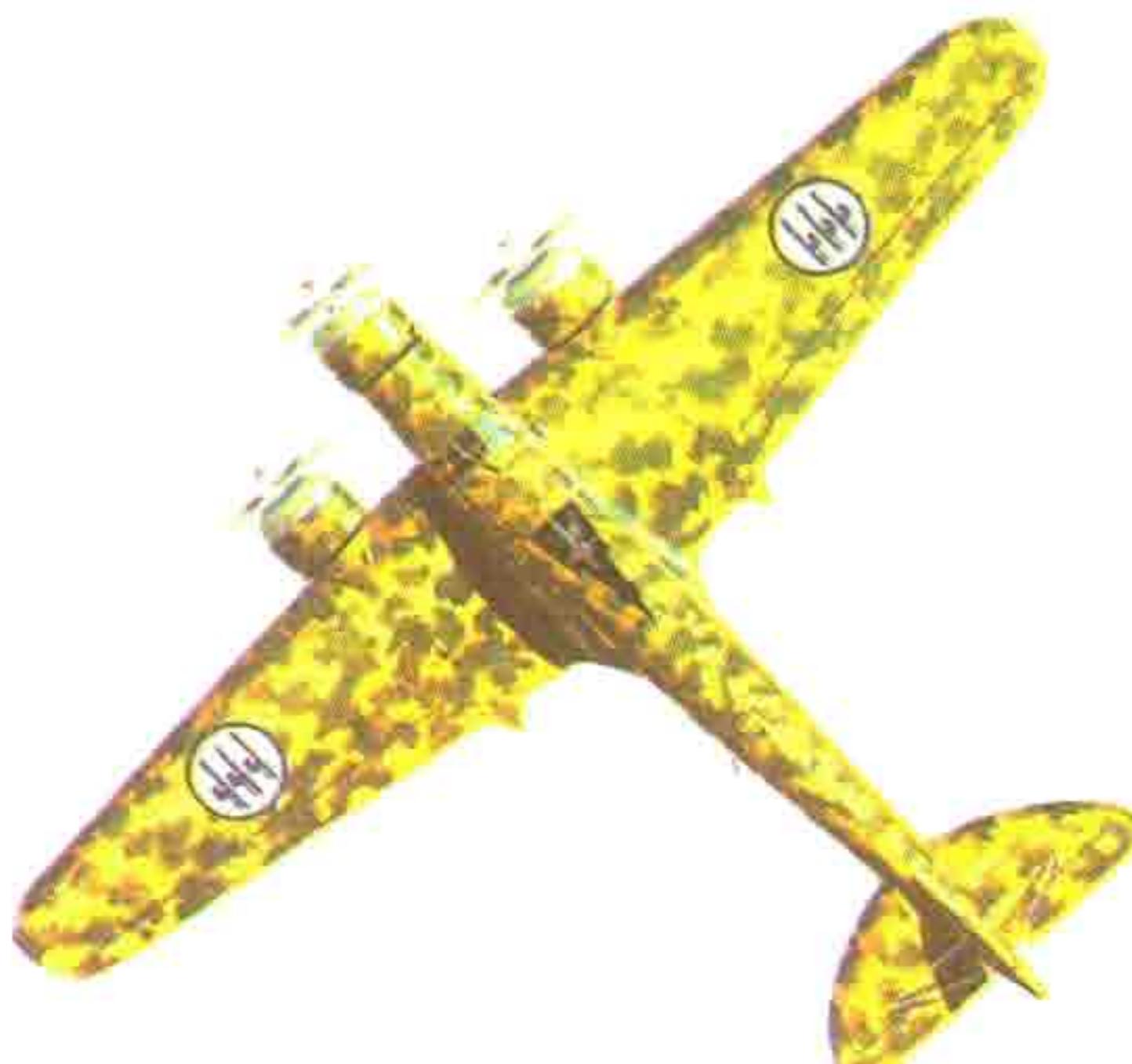
در دهه ۷۰ میلادی، جنگ داخلی در کشور آرژانتین درگرفت که اصطلاحاً به آن «جنگ کثیف» گفته می‌شود. در این جنگ تعداد زیادی کودک ناپدید شدند و هیچ گاه اثری از آنها به دست نیامد. مدتها پس از پایان این جنگ داخلی، تظاهرات‌گسترده‌ای توسط مادران و مادربرزگ‌های کودکانی که ناپدید شده بودند در خیابان‌های بوینس آیرس، پایتخت آرژانتین؛ صورت گرفت. «دی بایا» عکاس آژانس خبری آرژانتین، با ارسال این عکس در روزهای پایانی سال ۱۹۷۹ میلادی و در آغاز سال جدید میلادی، موج احساسی شدیدی در سراسر جهان برانگیخت و بار دیگر، حفظ حقوق کودکان در هر شرایطی، حتی جنگ؛ مورد توجه سازمان‌های جهانی قرار گرفت.

عکس‌هایی که جهان را تکان داد

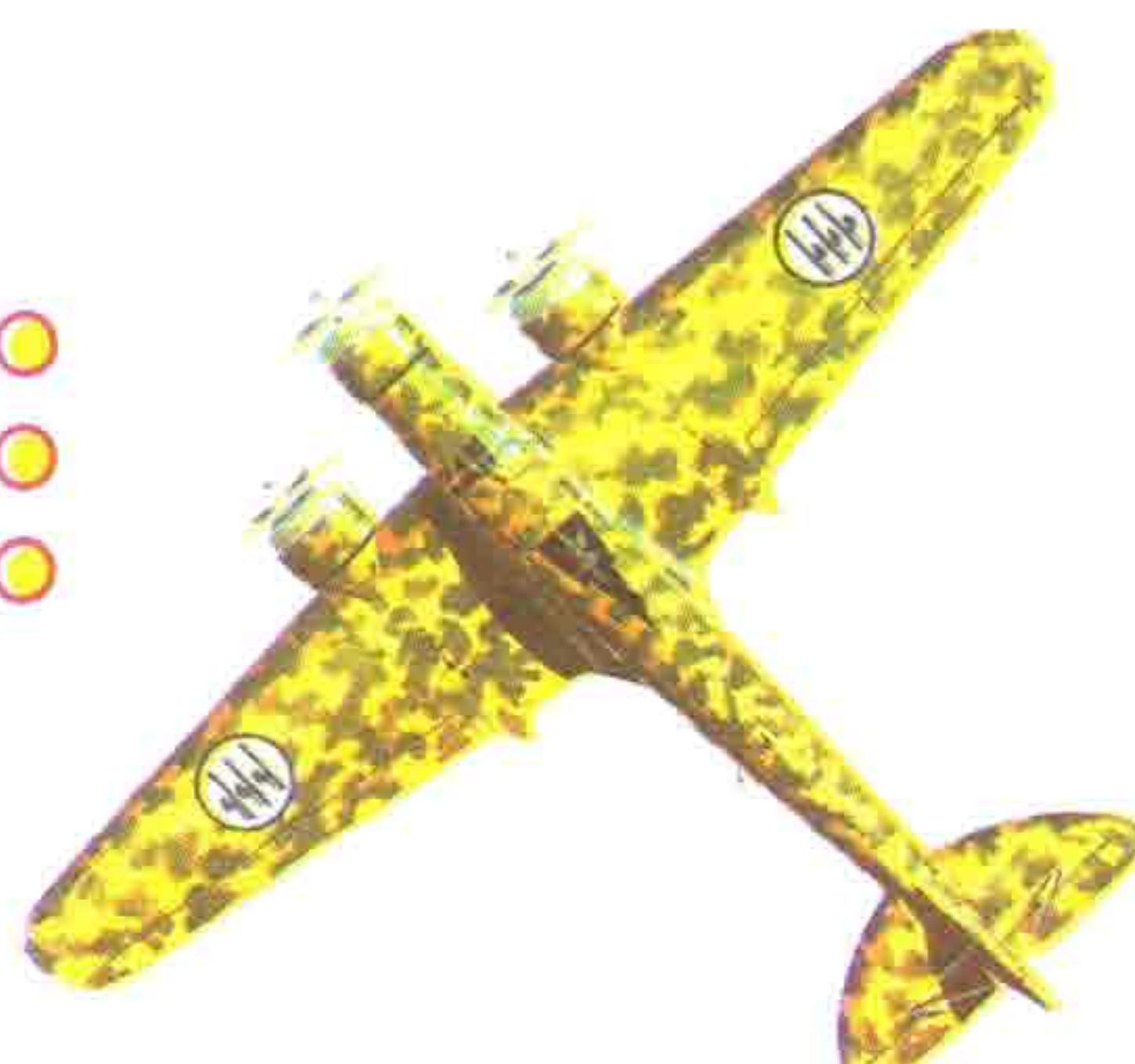
- عکاس: ادواردو دی بایا
- مکان: بوینس آیرس، آرژانتین
- تاریخ عکسبرداری: آذر ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی (دسامبر ۱۹۷۹ میلادی)

فداکار

ناپدید شد



- نام هوایپما: ساویا - مارچتی
- کشور سازنده: ایتالیا
- موتور: سه موتور «پیاجیو»





مذهب ارتدکس

گروهی از مسیحیان، پیرو مذهب ارتدکس هستند. پیروان این مذهب مسیحی بیشتر در شرق اروپا و غرب آسیا سکونت دارند. این مذهب، در فاصله قرن‌های نهم تا یازدهم میلادی به وجود آمد. ارتدکس‌ها مانند کاتولیک‌ها به عیسی مسیح (ع) و حضرت مریم (ع) معتقدند اما اعتقادی به «پاپ» ندارند.



کلیساي «سن سیل» در مسکو، یکی از معروف‌ترین و مهم‌ترین کلیساهاي ارتدکس روسیه و در شرق اروپا است.

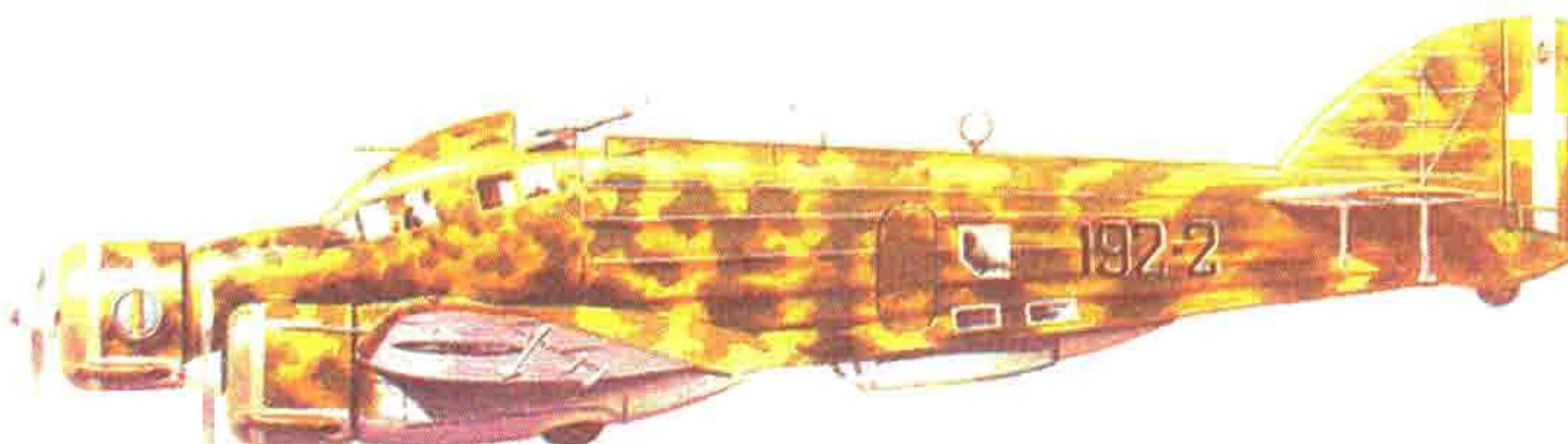


وقتی کودکی متولد می‌شود، کشیشان ارتدکس او را غسل تعیید می‌دهند. سپس او را سه مرتبه در روغن مخصوص فرو می‌برند که به آن «روغن شاد بختی» گفته می‌شود. کشیش ارتدکس از این روغن بر پیشانی، پشت چشم‌ها، بینی، گوش‌ها و لبان نوزاد نیز می‌مالد. با این کار، نوزاد به مذهب ارتدکس وارد می‌شود.



کشیشان مذهب ارتدکس باید بیش از ۳۰ سال سن داشته باشند تا به مقام کشیشی دست یابند. آنها بر خلاف کشیشان کاتولیک، اجازه ازدواج دارند. لباس و ریشه‌بلند از ویژگی‌های ظاهری این کشیشان است.

حداکثر سرعت: ۴۳۵ کیلومتر در ساعت
وزن: ۶۸۰ کیلوگرم (بدون بمب)



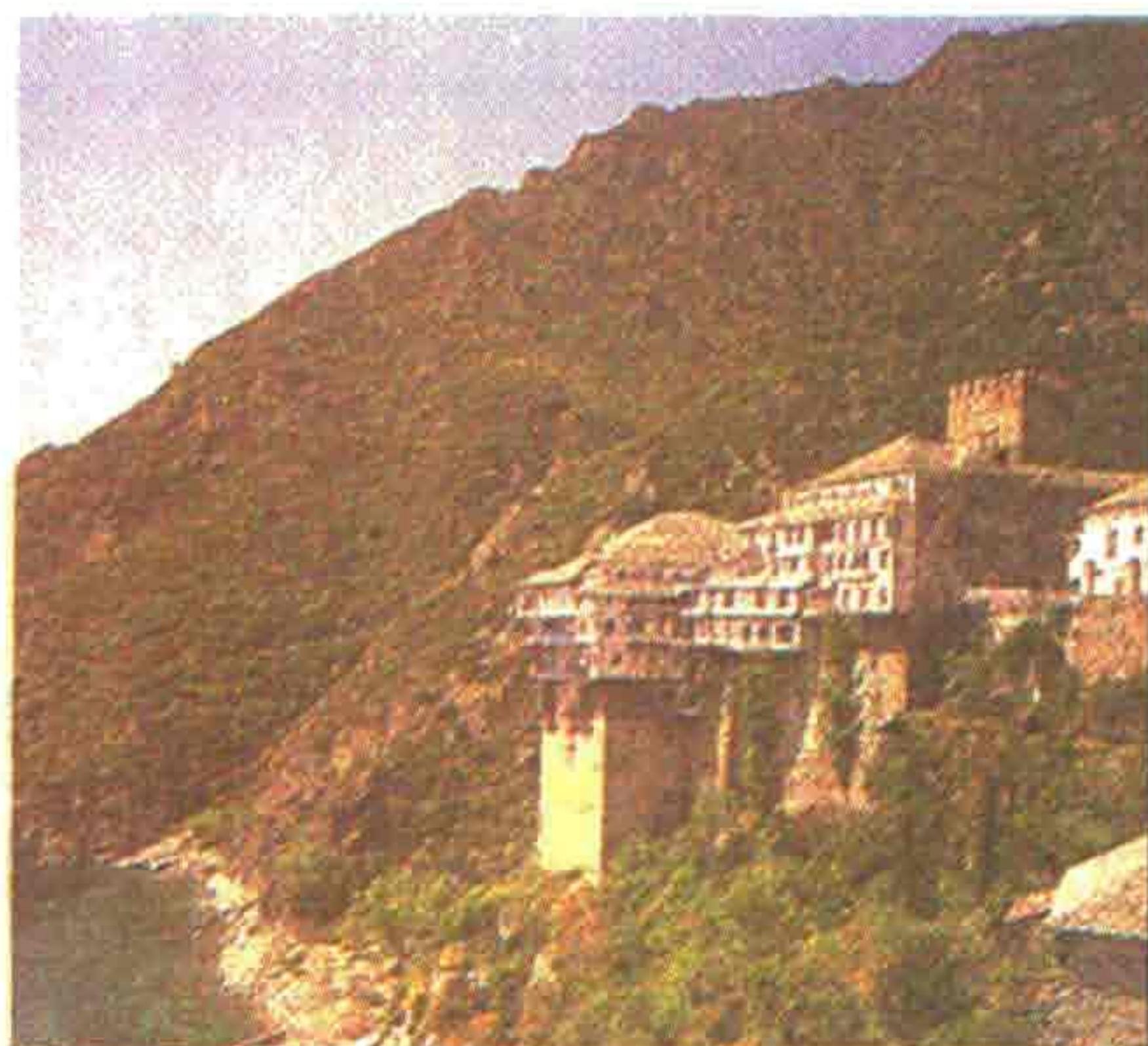
تقویم انتقالات اسلامی

۵ شهریور ۱۳۵۷:

جمشید آموزگار از نخست وزیری استعفا کرد و به جای او جعفر شریف امامی، نخست وزیر شد. رژیم مجبور شد، مبدأ تاریخ را از شاهنشاهی به هجری شمسی برگرداند.



● ● ● بالاترین مقام در کلیسای ارتدکس، «اسقف» نام دارد. اسقف‌ها چنین لباسی بر تن می‌کنند. از ویژگی‌های لباس اسقف‌ها، عصای مخصوص، دست‌بند و شال مخصوص اسقفی است. شال، نشانه مسئولیتی است که بر گردن اسقف نهاده شده است. دست‌بند بر دست راست، نشانه قدرت دست پروردگار است که به اسقف هدیه شده است. عصای مخصوص، نشانه محوری است که مومنان مسیحی پیرامون آن گرد هم می‌آیند.



● ● ● ترک دنیا یا «رهبانیت» در مذهب ارتدکس رواج دارد. راهبان ارتدکس عقیده دارند که با ترک دنیا و مواهب آن، روح مقدس (روح القدس) در آنها حلول می‌کند. مشهورترین مکانی که آیین رهبانیت در آن انجام می‌شود، محلی در کوهستان «آتوس» واقع در یونان است که از قرن دهم میلادی پابرجا است و راهبان ارتدکس در آنجا گرد هم می‌آیند.

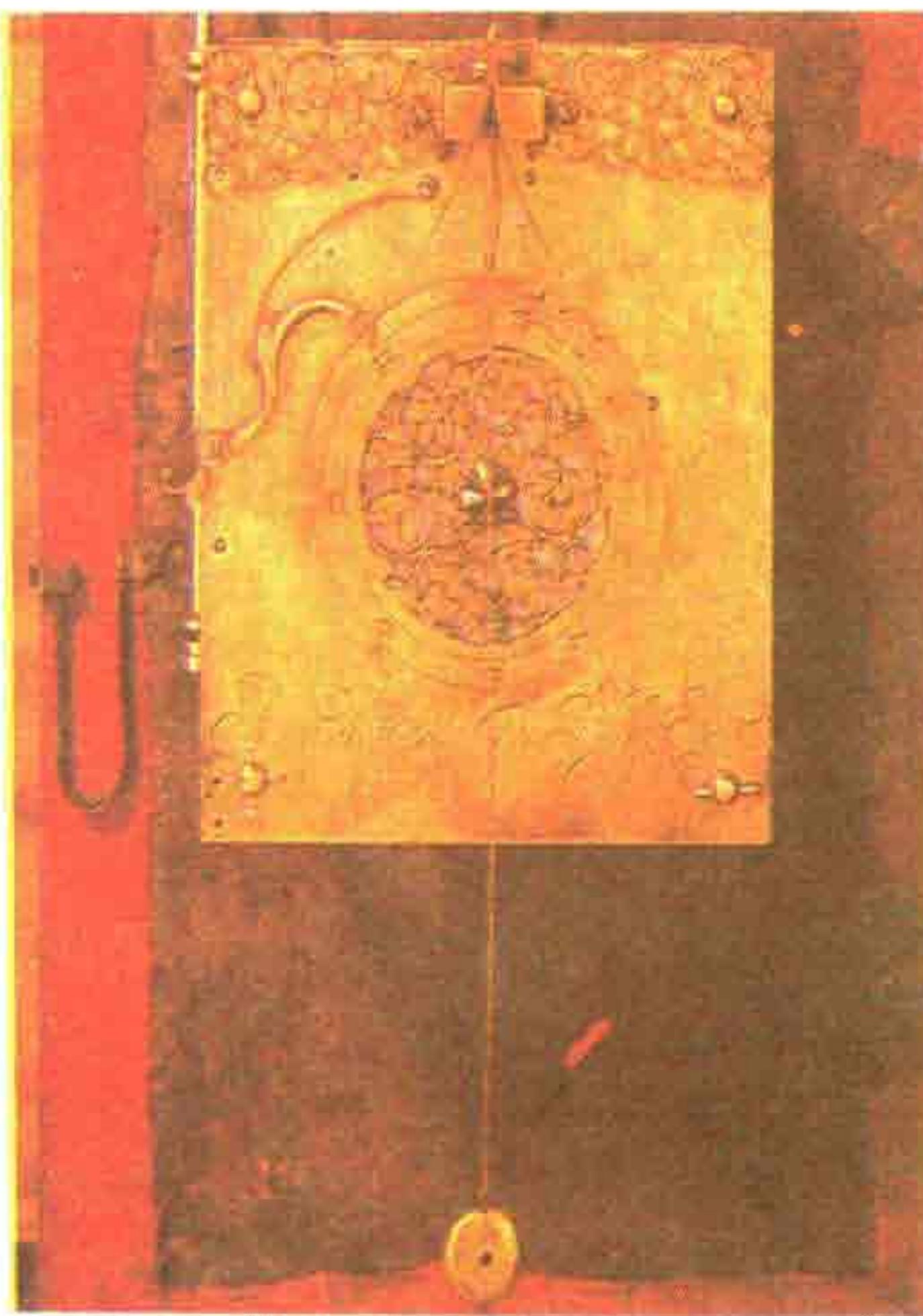
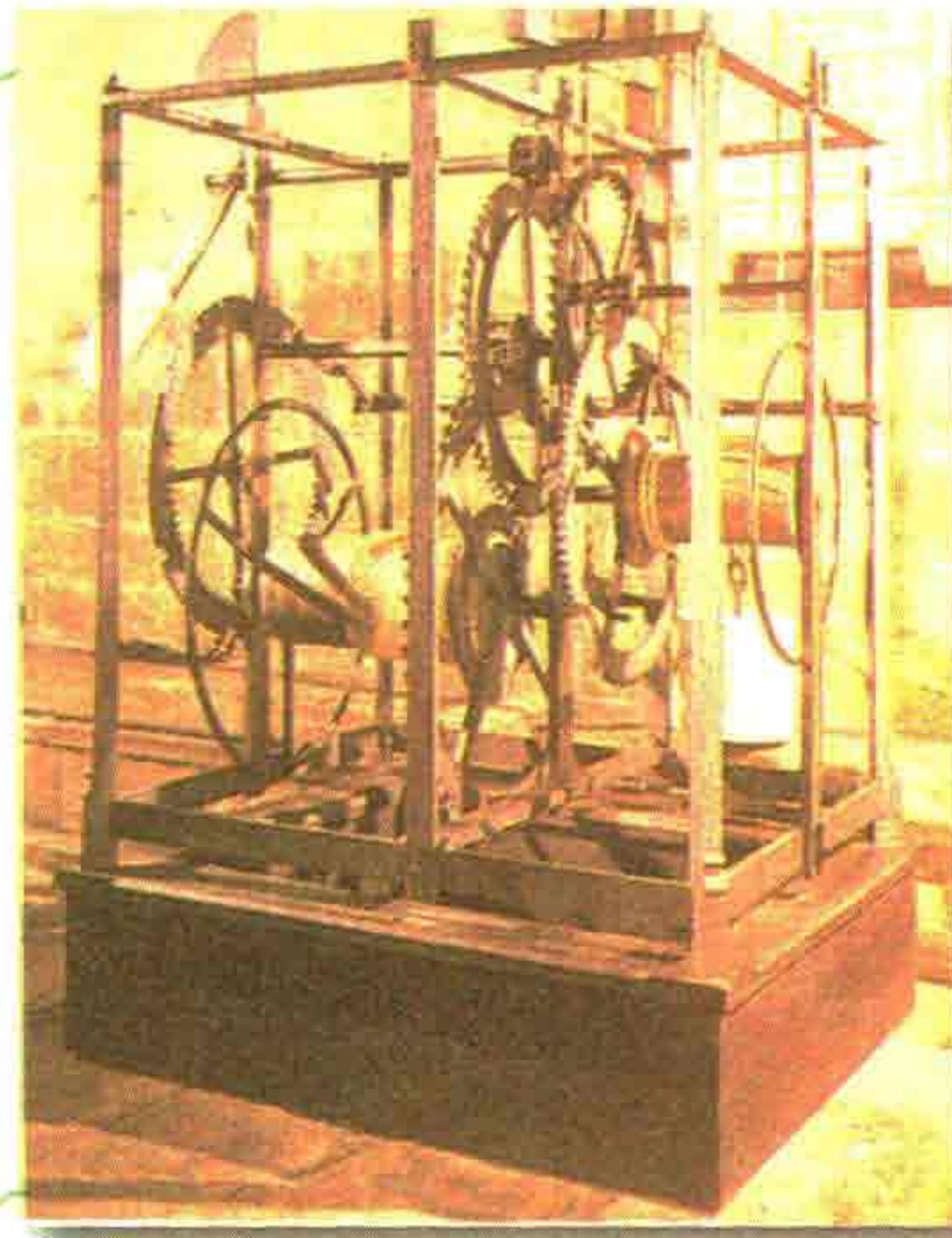
- طول بال: ۱۵ متر و ۶۲ سانتی‌متر
- اسلحه: سه مسلسل ۱۲/۷ میلی‌متری-یک مسلسل ۷/۷ میلی‌متری
- -حداکثر ظرفیت حمل بمب: ۱۲۵ کیلوگرم



ساعت قدیم



امروزه زندگی بدون نگهداری وقت و زمان و بدون استفاده از ساعت امکان پذیر نیست. در واقع، از زمانی که شهرها گسترش پیدا کردند و کارخانه‌ها و صنایع مختلف به وجود آمدند، نیاز به ساعت نیز روز به روز بیشتر شد. اولین ساعت در اروپا ساخته شد. در اوایل قرن ۱۳ میلادی اولین ساعت با چرخ و دندانه‌های مربوط به آن برای استفاده کشیشان کلیسا ساخته شد. روحانیون مسیحی، اولین استفاده کنندگان ساعت بودند. ساعت اولیه، صفحه و عقربه نداشت. این ساعت سر هر ساعت زنگ می‌زد و وقت را به صاحب خود اطلاع می‌داد. ساعت اولیه در کلیسای «سالیسبوری» واقع در انگلستان قرار دارد.

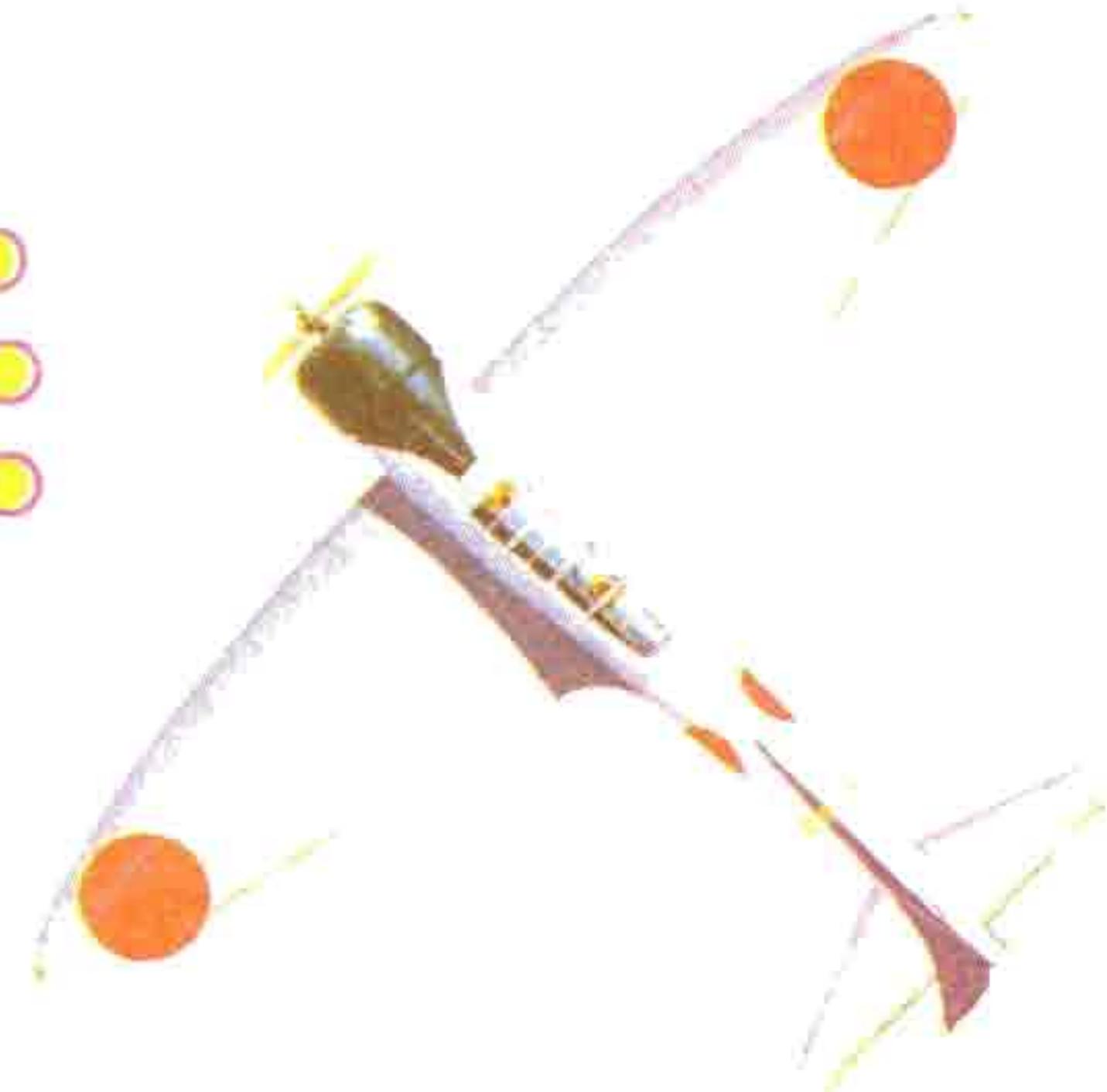


حدود سیصد سال بعد از ساخت اولین ساعت، ساعت پاندول دار توسط «کریستین هویگنس»، دانشمند آلمانی ساخته شد. با حرکت پاندول هم نیروی لازم برای ادامه کار ساعت فراهم می‌شد و هم ثانیه‌ها قابل اندازه‌گیری بود.



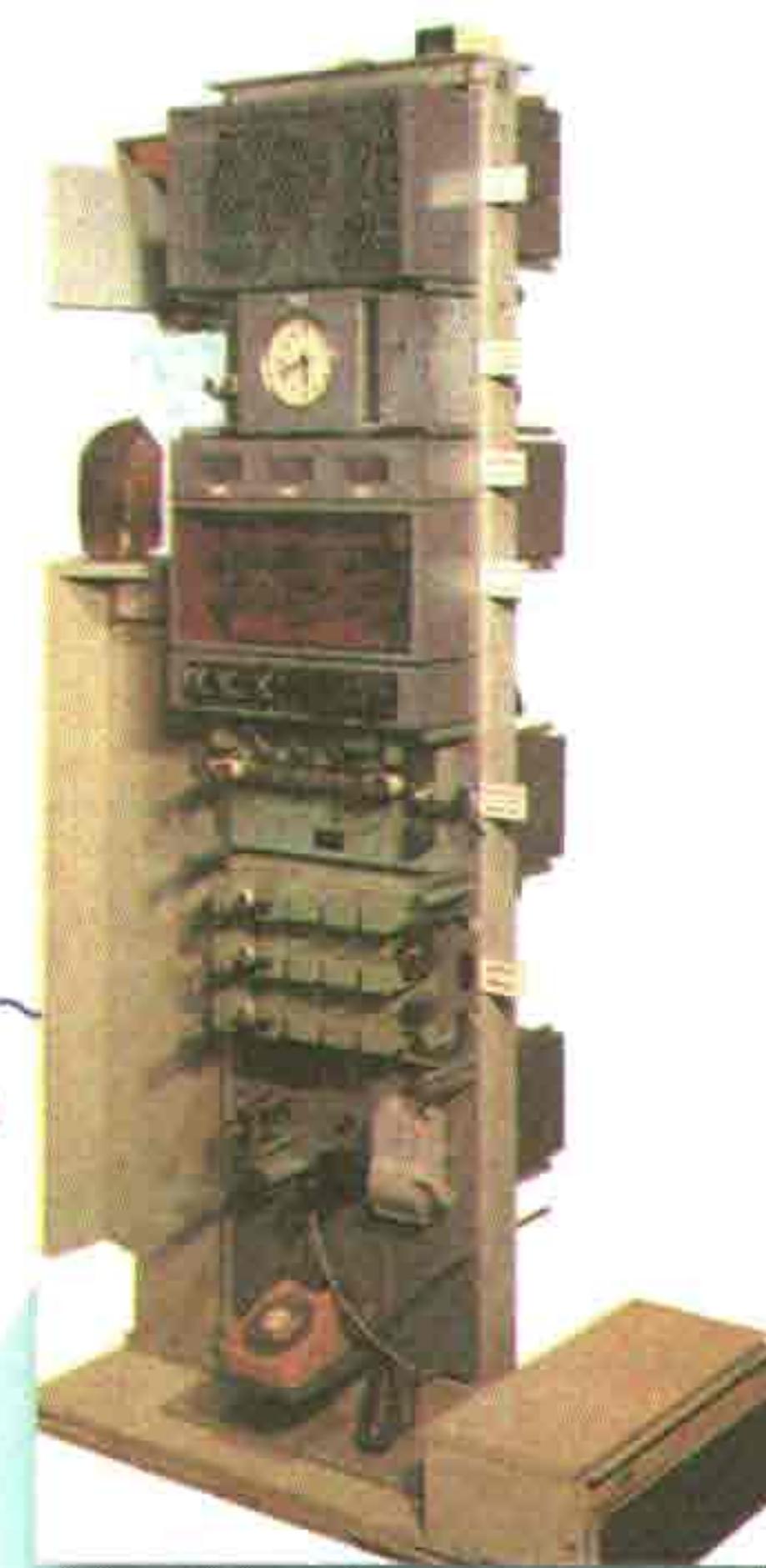
اما تا مدت‌ها، انسان نمی‌توانست ساعت را با خود حمل کند، زیرا اندازه و وزن ساعت‌ها زیادتر از آن بود که در جیب جای گیرند. اولین ساعت‌های قابل حمل و نقل در سال ۱۷۹۰ میلادی ساخته شدند. البته این نوع ساعت‌ها در جیب جای می‌گرفتند و بشر هنوز نمی‌توانست ساعتی را برمچ دست بیندد.

- نام هوایپما: آیچی D3A
- کشور سازنده: ژاپن
- موتور: میتسوبیشی ۱ سیلندر



تقویم اسلامی

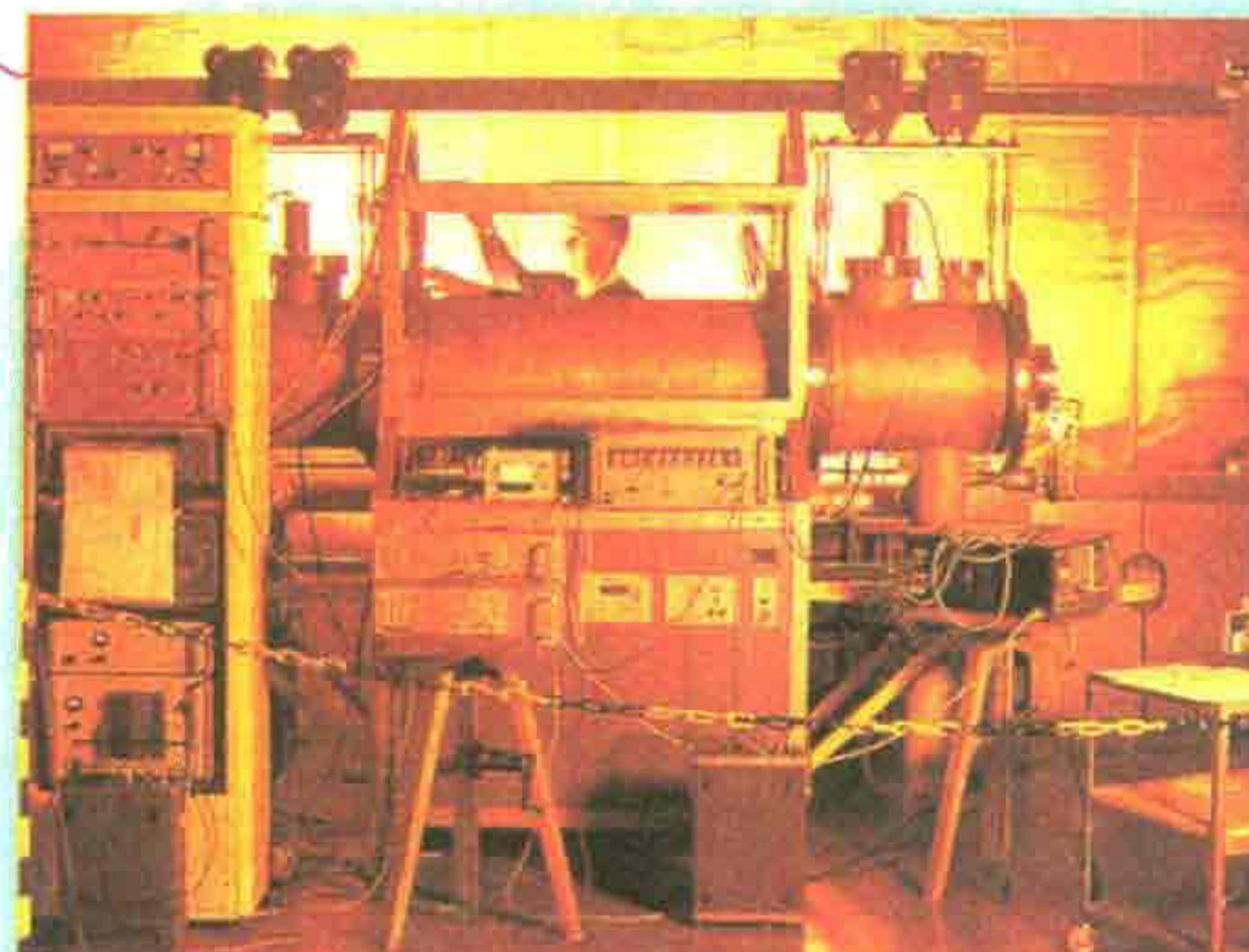
- ۱۶ شهریور ۱۳۵۷: در تهران و ۱۲ شهر دیگر اعلام حکومت نظامی شد. فردای این روز در هفدهم شهریور، کشtar بی‌رحمانه مردم تهران در میدان ژاله (شهدا) روی داد و فاجعه «جمعه سیاه» به وجود آمد.



به دنبال استفاده از باتری، انسان توانست در سال ۱۹۲۹ میلادی اولین ساعت کوارتز را بسازد. کوارتز، کریستالی نازک است که اگر توسط الکتریسیته (باتری ساعت) شارژ شود، شروع به ارتعاش و لرزش می‌کند (مانند پاندول). این ارتعاش منظم، موتور ساعت را به حرکت وادار می‌کند و براساس آن عقربه‌ها به حرکت درمی‌آیند. امروزه دانشمندان ساعت‌های کوارتز پیشرفته‌ای ساخته‌اند که فقط یک هزارم ثانیه در هر روز، عقب یا جلو می‌روند.

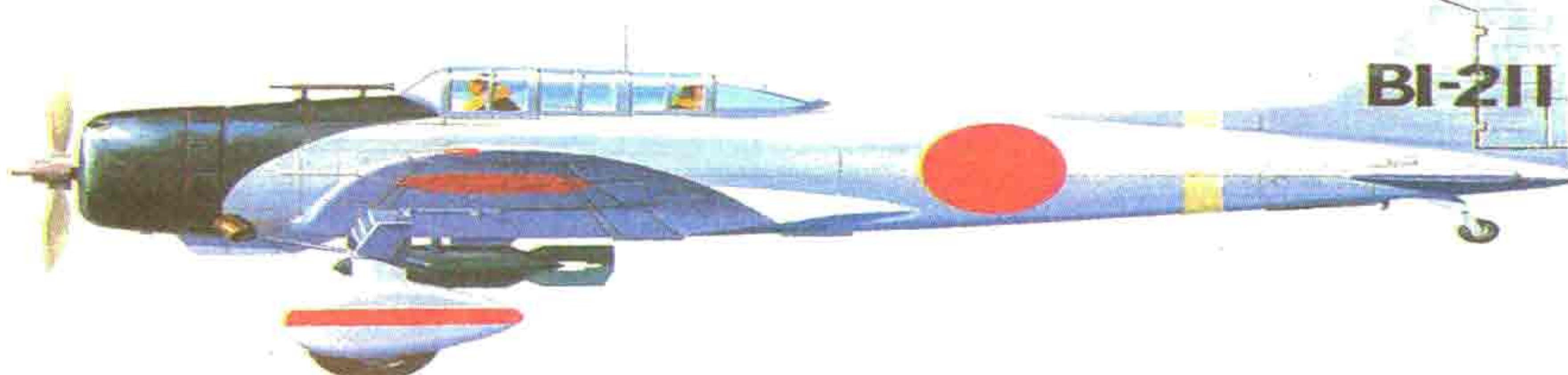
ساعت جدید

پدر ساعت‌های امروزی ساعت‌ساز اسکاتلندي است که «الکساندر بین» نام دارد. او در سال ۱۸۴۰ میلادی از نوعی باتری برای حرکت عقربه‌های ساعت استفاده کرد.



با پیشرفت دانش بشر درباره اتم‌ها، انسان توانست به جای استفاده از ارتعاش بلور کوارتز از ارتعاش اتم‌ها برای ساختن ساعت استفاده کند. به این ترتیب ساعت‌های اتمی با دقت بسیار زیاد به وجود آمدند. جدیدترین نوع ساعت اتمی براساس ارتعاشات اتم «سزیم» ساخته شده است. چنین ساعت‌هایی دقت فوق العاده‌ای دارند. آنها هر یک و نیم میلیون سال، فقط یک ثانیه جلو یا عقب می‌روند!

حداکثر سرعت: ۳۸۹ کیلومتر در ساعت
وزن: ۲۵۷ کیلوگرم (بدون بمب)





قصه‌ها قهرمانی

قسمت آخر

کاوه آهنگر

محمد علی دهقانی

افرادی که در قصر ضحاک بودند، وقتی فریدون و خشم تند و گرز سنگین او و افراد دلاور سپاهش را دیدند، بدون کمترین مقاومتی تسليم شدند و سلاح خود را به زمین انداختند. فریدون به دنبال ضحاک بود و برای پیدا کردن او، همه جای قصر را زیر و رو کرد، اما هیچ اثر و نشانی از ضحاک دیده نمی‌شد. فریدون از زنهای قصر سراغ ضحاک را گرفت و آنها در پاسخ گفتند که او به سوی هندوستان فرار کرده است. فریدون قصر را به طور کامل تصرف کرد و بر تخت سلطنت نشست و تاج پادشاهی را بر سر خود گذاشت. در قصر ضحاک، مردی باهوش و زیرک کار می‌کرد، که نام او «کندر» بود. این مرد رئیس تشریفات دربار ازدها بود و از همه اسرار ازدها خبر داشت. کندر به خوبی

فریدون، با شنیدن این حرف، سخت عصبانی شد و بدون این که از تندی و سرعت آب بترسد، کمرش را محکم کرد و سوار اسبش شد و به آب زد. تمام یارانش هم از او پیروی کردند و به داخل آبراندند. در حالی که اسب‌ها تا زین در آب رودخانه فرو رفته بودند، شناکنان از رودخانه گذشتند و خود را به ساحل مقابل رساندند. ساعتی بعد، سپاه فریدون کنار دروازه‌های شهر بود. فریدون از دور نگاه کرد و کاخ پادشاهی ضحاک را دید. برج و باروی قصر سر به فلک کشیده بود و شکوه خیره‌کننده‌ای داشت. فریدون در حالی که به شکوه و زیبایی افسانه‌ای کاخ ازدها نگاه می‌کرد، رو به دوستاش کرد و گفت: «می‌ترسم آن کسی که از خاک سیاه، چنین جای بلندی را درست کرده، یک طلسم داشته باشد! پس همان بهتر که پیش از آن که فرصت استفاده از سحر و افسون خود را داشته باشد، بدون درنگ و با شتاب به او حمله کنیم.»

سپس دست به گرز سنگین خود برد و آن را برداشت و بالای سر خود چرخاند و به طرف افراد سپه ضحاک، که دور تادور قصر را گرفته بودند، حمله کرد. فریدون نعره‌می‌کشید و گرز را می‌چرخاند و به هر کسی که در مقابلش ظاهر می‌شد، می‌زد و می‌کویید و تار و مار می‌کرد و پیش می‌رفت. طولی نکشید که دیگر هیچ کس سر راه فریدون و افرادش باقی نماند. فریدون، سواره وارد قصر ضحاک شد!



طول بال: ۱۰ متر و ۲۰ سانتی متر

اسلجه: سه مسلسل ۷/۷ میلی متری - حداکثر ظرفیت حمل بمب: ۳۷ کیلو گرم



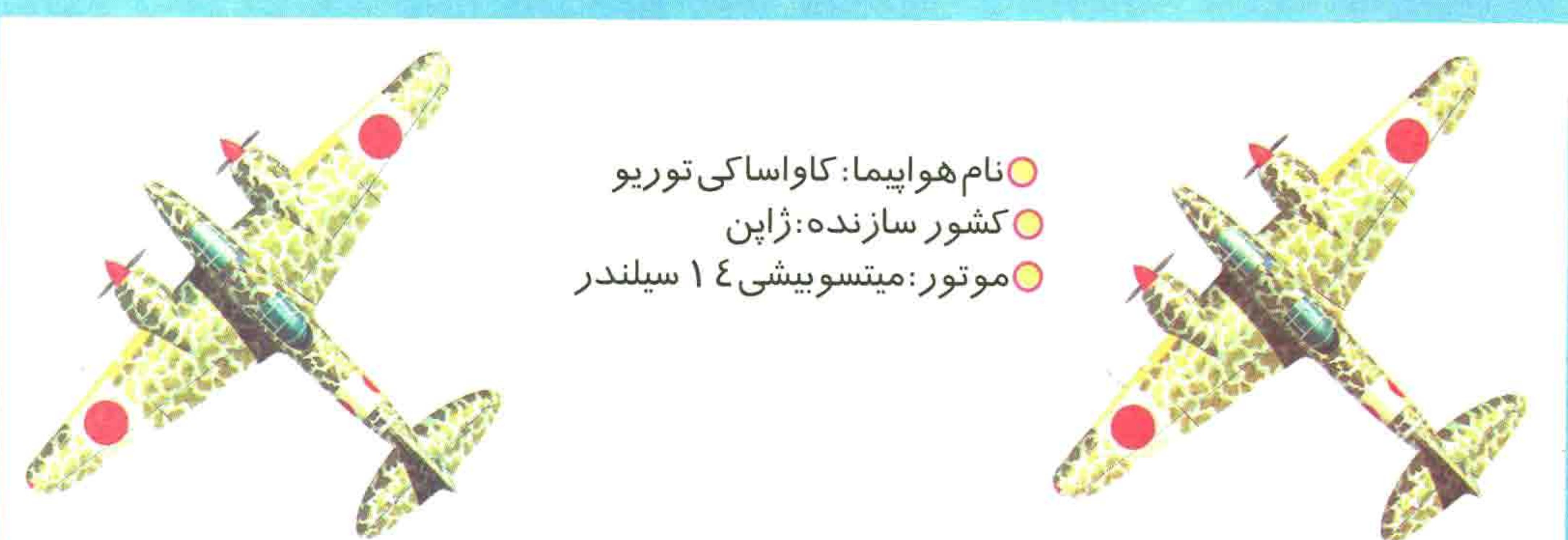


۲ مهر ۱۳۵۷:

- منزل حضرت امام در نجف به
- محاصره نیروهای امنیتی رژیم
- بعنی عراق درآمد.

می دانست که ضحاک در کجا پنهان شده و چه کار می کند. روزی که فریدون، قصر ضحاک را به تصرف در آورد، کنдрه در قصر نبود. یک روز کندره به قصر آمد و دید به جای ضحاک، مردی دیگر روی تخت سلطنت نشسته و لباس پادشاهی پوشیده و تاج کیانی روی سر گذاشته است. با این که از این منظره خیلی تعجب کرد، ولی به روی خودش نیاورد و با ادب و احترام تمام جلو رفت و تعظیم کرد و به فریدون گفت: «آفرین بر توای شهریار! همیشه تاروزگار باقی است، زنده و پاینده باشی. تنها تو سزاوار پادشاهی این سرزمین هستی و امیدوارم پادشاهی تو مبارک و فرخنده باشد!»

فریدون، از کار کندره خوشش آمد و او را به گرمی پذیرفت و به او دستور رداد بساط یک میهمانی و جشن مفصل و باشکوه را در قصر هر پرپا کند. کندره اطاعت کرد و در این کار هر چه می توانست از ذوق و مهارت و هنر خودش مایه گذاشت. او به افتخار فریدون، سفره بسیار رنگارنگ و شاهانه ای ترتیب داد و خوشمزه ترین و گواراترین خوردنی ها و نوشیدنی ها را در آن گرد آورد. به قول امروزی ها، در پذیرایی سنگ تمام گذاشت. نیمه های شب، وقتی فریدون و سردارانش، سرشار به خوردن و نوشیدن و ساز و آواز گرم بود، کندره پنهانی از قصر بیرون رفت و بر زین اسب خود پرید و آن را چهار نعل به سوی ضحاک تاخت.



ضحاک از همه جا بی خبر بود و وقتی حرفهای کندر و را شنید، چنان گیج و مبهوت شد که نمی‌توانست آن را باور کند. کندر و داستان فریدون را موبهای ضحاک تعریف کرد. ضحاک سری تکان داد و گفت: «شاید او میهمان است! جای غم و اندوه نیست و باید نگران بود!» کندر و لبخند تمخر آمیزی زد و گفت: «این چه میهمانی است که گُرز گاو سر به دست گرفته و همه افراد تو را یا کُشته و یا خلع سلاح کرده، با شکوه و قدرت روی تخت سلطنت تو نشسته، تاج پادشاهی به سر گذاشته و اسم تو را از روی تخت و تاج و لباس سلطنت پاک کرده و اسم خودش را به جای آن نوشته است؟ من در هیچ جای دنیا چنین میهمانی را نه دیده و نه شنیده‌ام. چنین شخصی را اگر تو میهمان می‌شناسی، بشناس!» ضحاک، دوباره زمزمه کرد: «این قدر ناله نکن مردک! او به احتمال قوی یک میهمان گستاخ است!» ازدها، این حرفها را به زبان گفت، اما در دلش توفانی به پاشده بود. احساس می‌کرد روز و روزگارش به پایان رسیده و خون در رگ‌هایش دارد به آرامی سرد می‌شود...

پایان



قبس، به معنای شعله‌ای از آتش است که از روی آتش برداشته می‌شود. به عبارت دیگر؛ شعله‌ای از آتش است که بر سر چوب یا نی باشد و آن را از جایی به جای دیگر ببرند. در آیه ۱۰ سوره «طه» از قول حضرت موسی علیه السلام می‌خوانیم که به افراد قومش گفت: «من آتشی به نظرم می‌رسد. شاید از آن شعله‌ای بردارم و برای شما بیاورم، یا از نور آن راه را پیدا کنم». این آیه مربوط به زمانی است که حضرت موسی (ع) و قومش شب هنگام در صحرای «سینا» مانده و راه را گم کرده بودند.

این کلمه در آیه ۱۳ سوره «حدید» به شکلی دیگر آمده و معنای «استفاده کردن» از نور و روشنایی را می‌دهد: «روزی که مردان و زنان مُنافق به اهل ایمان گویند: «مُهْلِّت دهید تا از نورِ شما استفاده کنیم.»

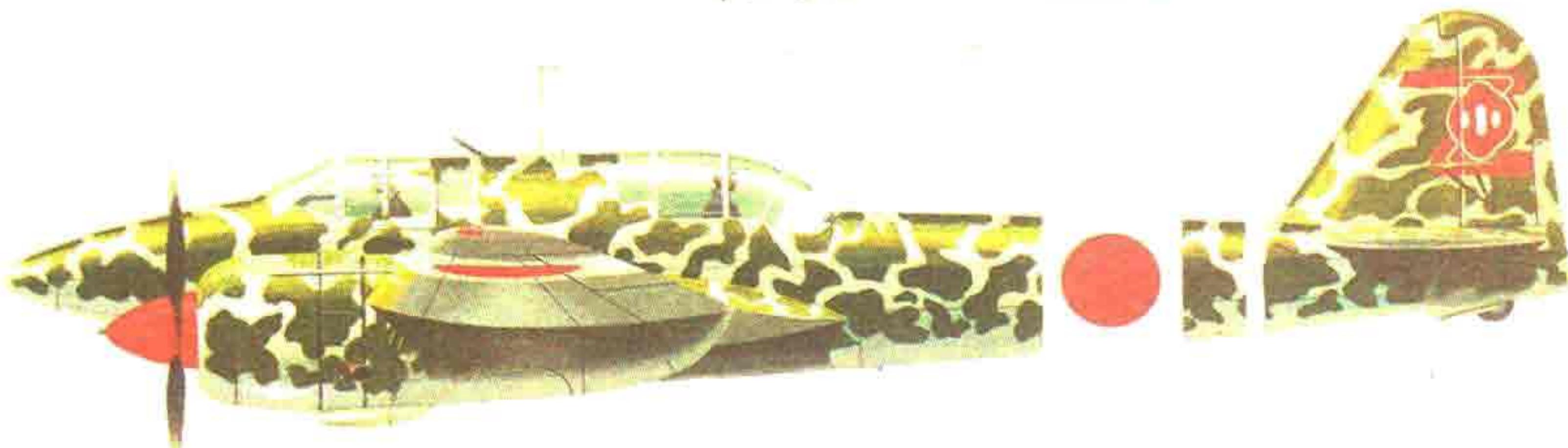
کلمه «اقتباس» که ما در زبان فارسی هم از آن استفاده می‌کنیم، از همین «قبس» گرفته شده است. معنای آن هم «گرفتن یا برداشتن مطلب علمی یا نوشته‌ای از جایی» است.

لغت نامه قرآنی

حروف: «ق»

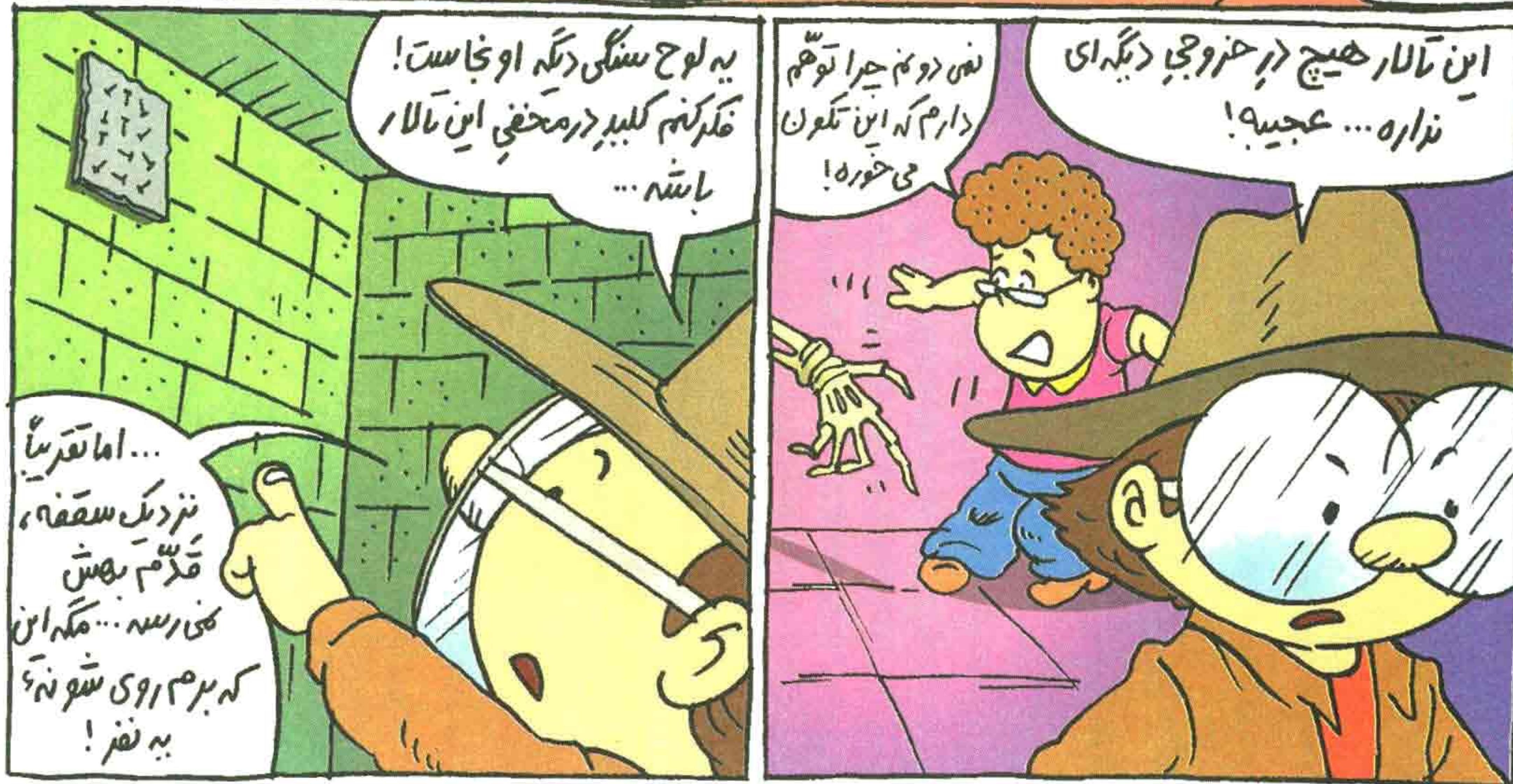
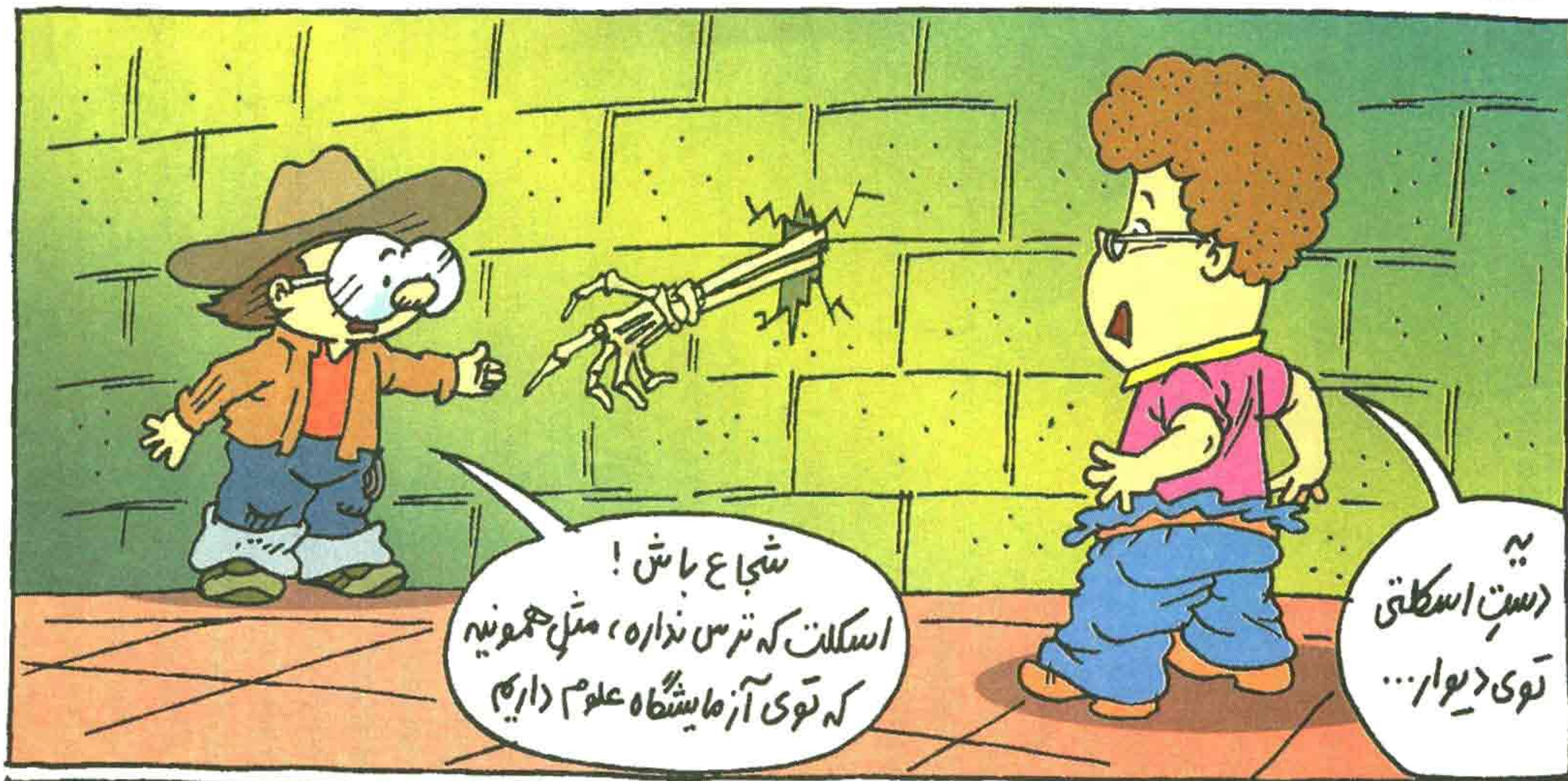
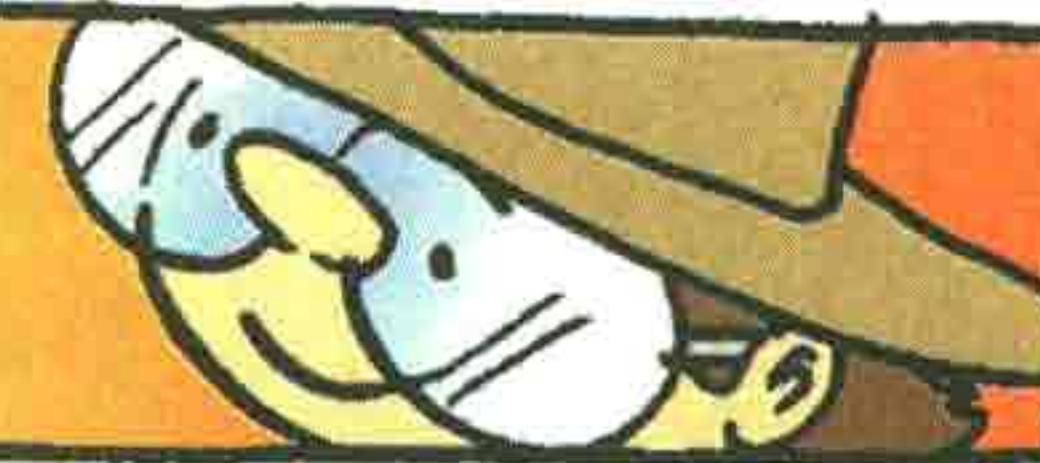
«قبس»

حداکثر سرعت: ۵۴۰ کیلومتر در ساعت
وزن: ۴۰۰ کیلوگرم



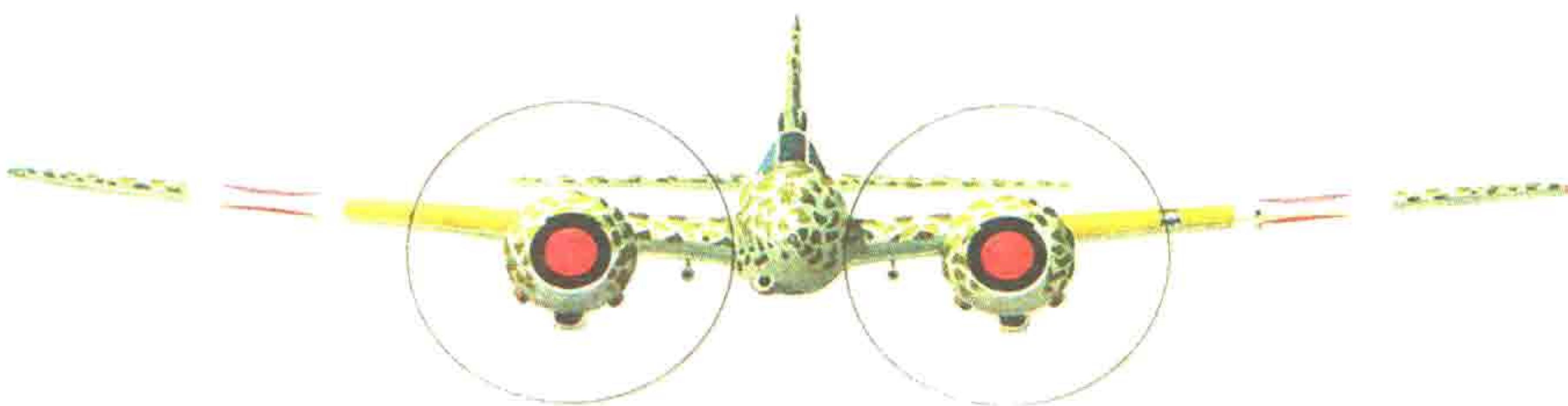
جویندگان جام جهانی (۱۰)

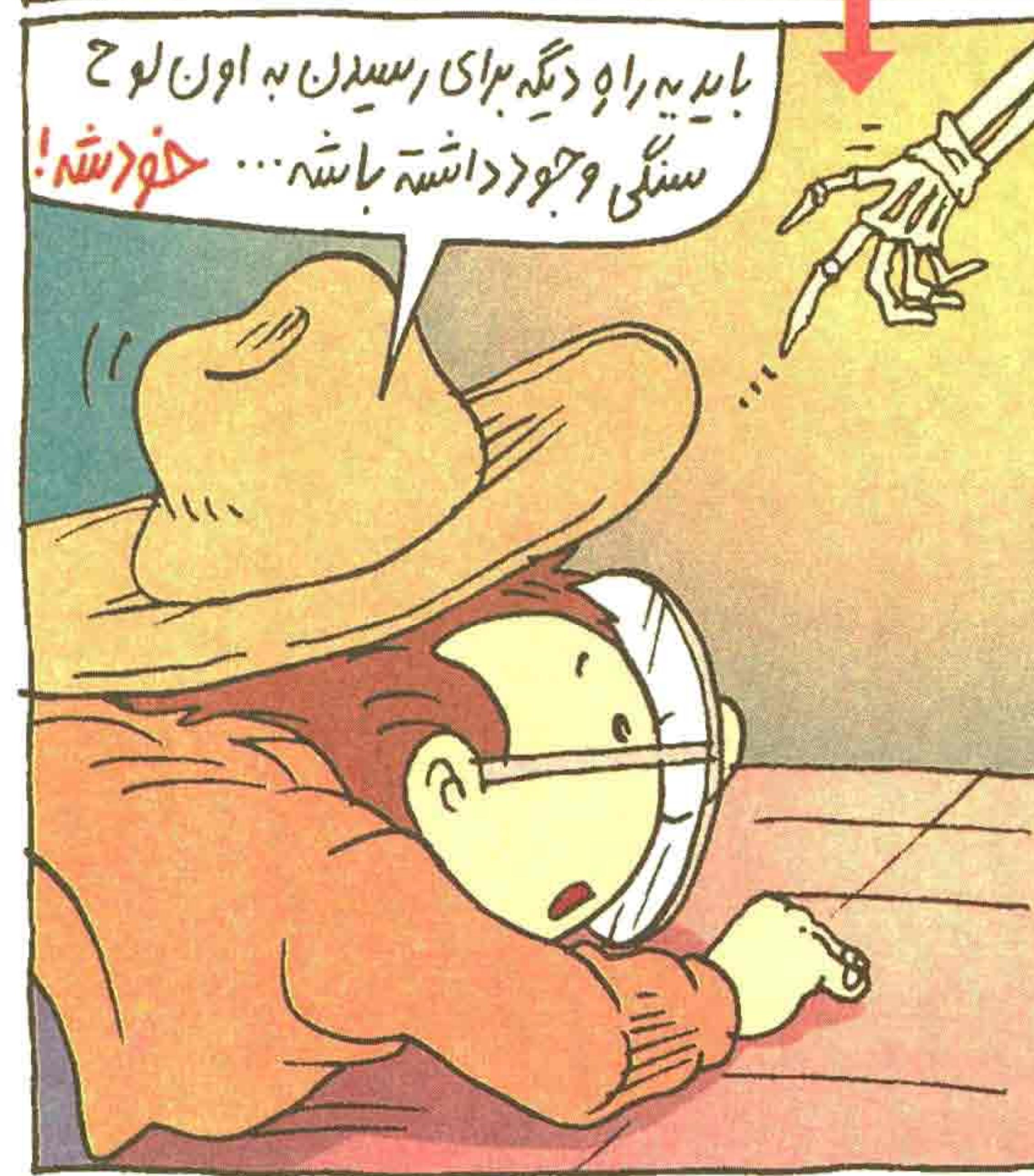
مانا نیستادنی



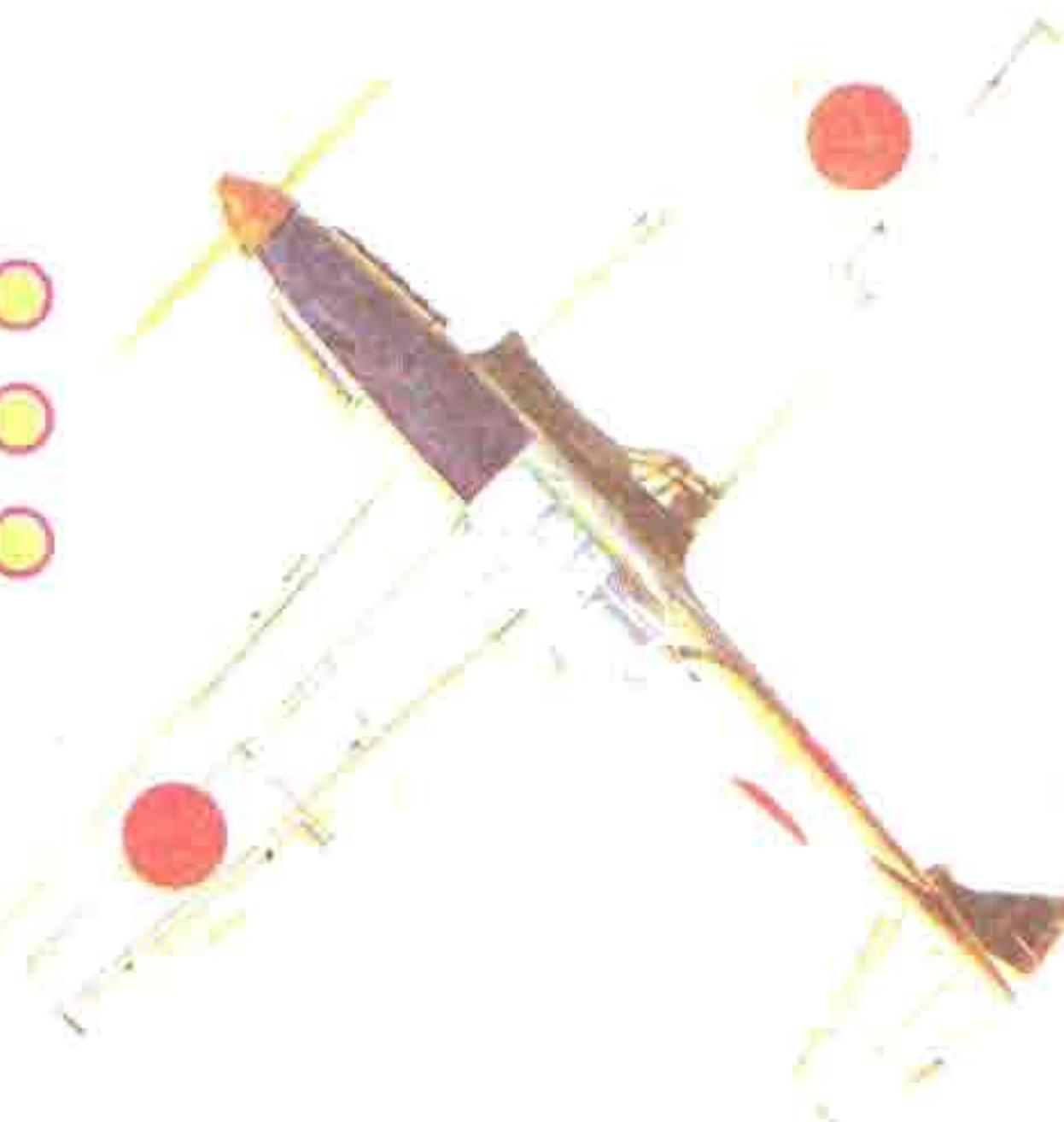
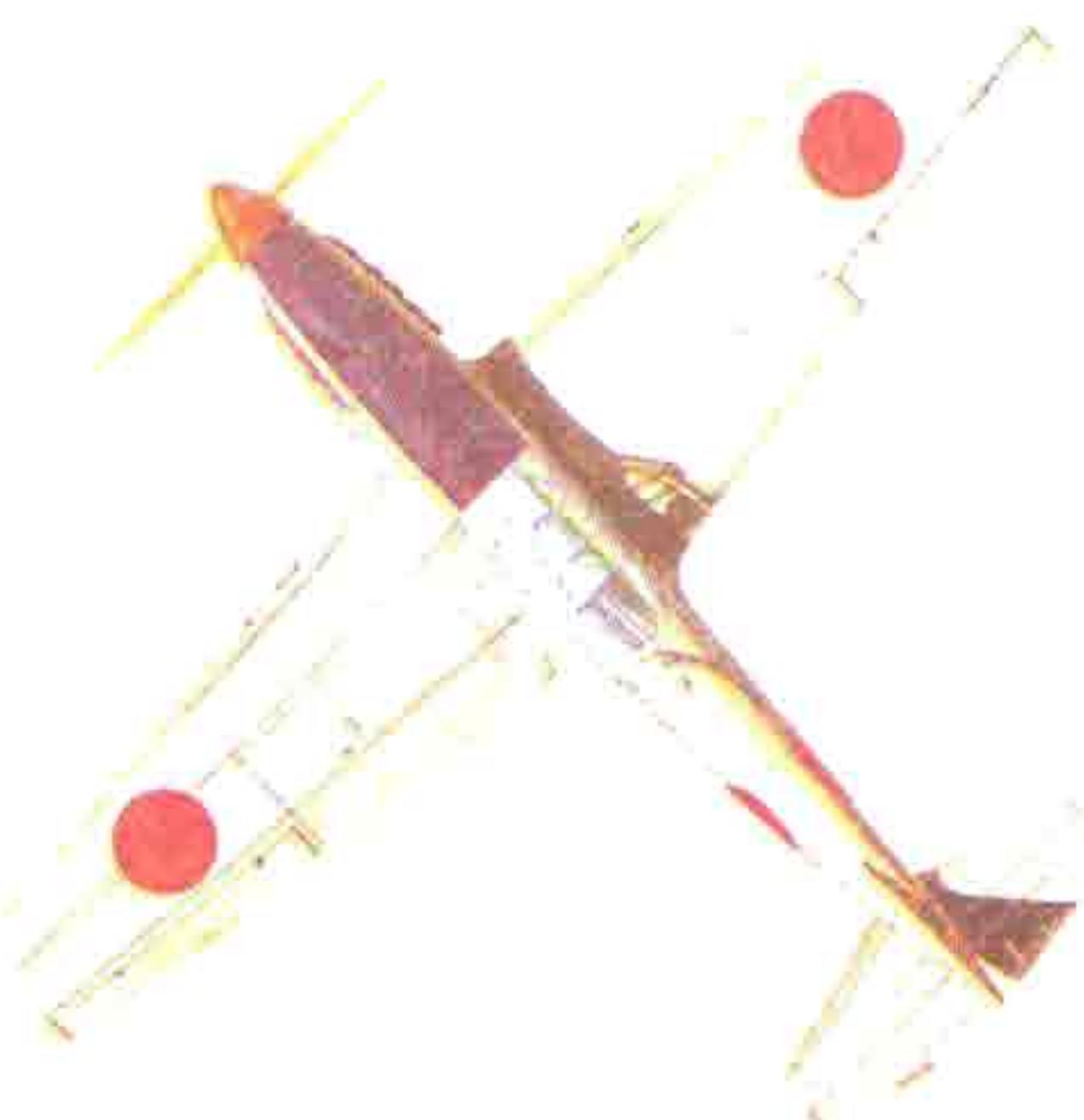
• طول بال: ۱۱ متر

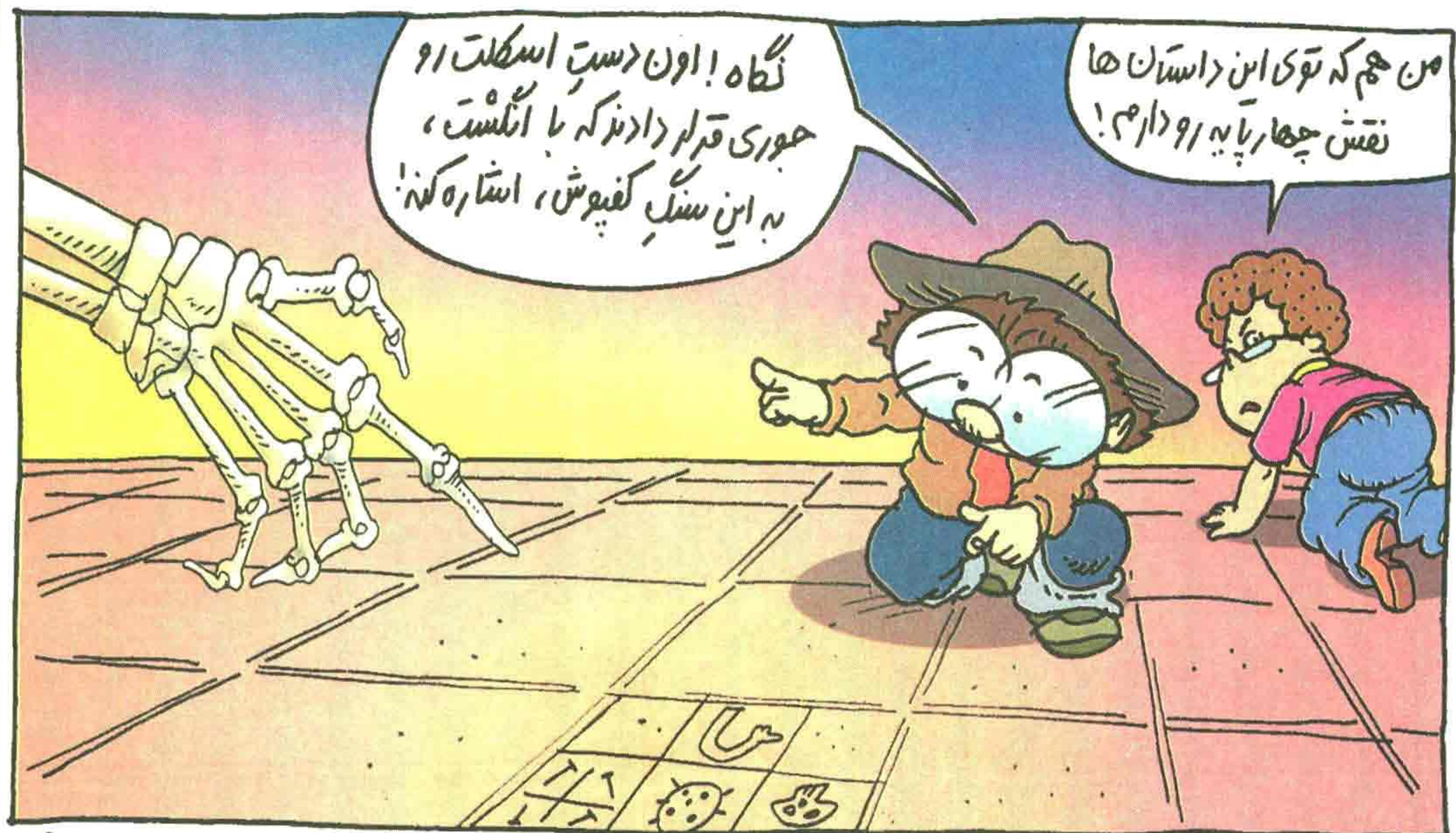
• اسلحه: مسلسل ۳۷ میلی متری کانن-دو مسلسل ۲۰ میلی متری کانن





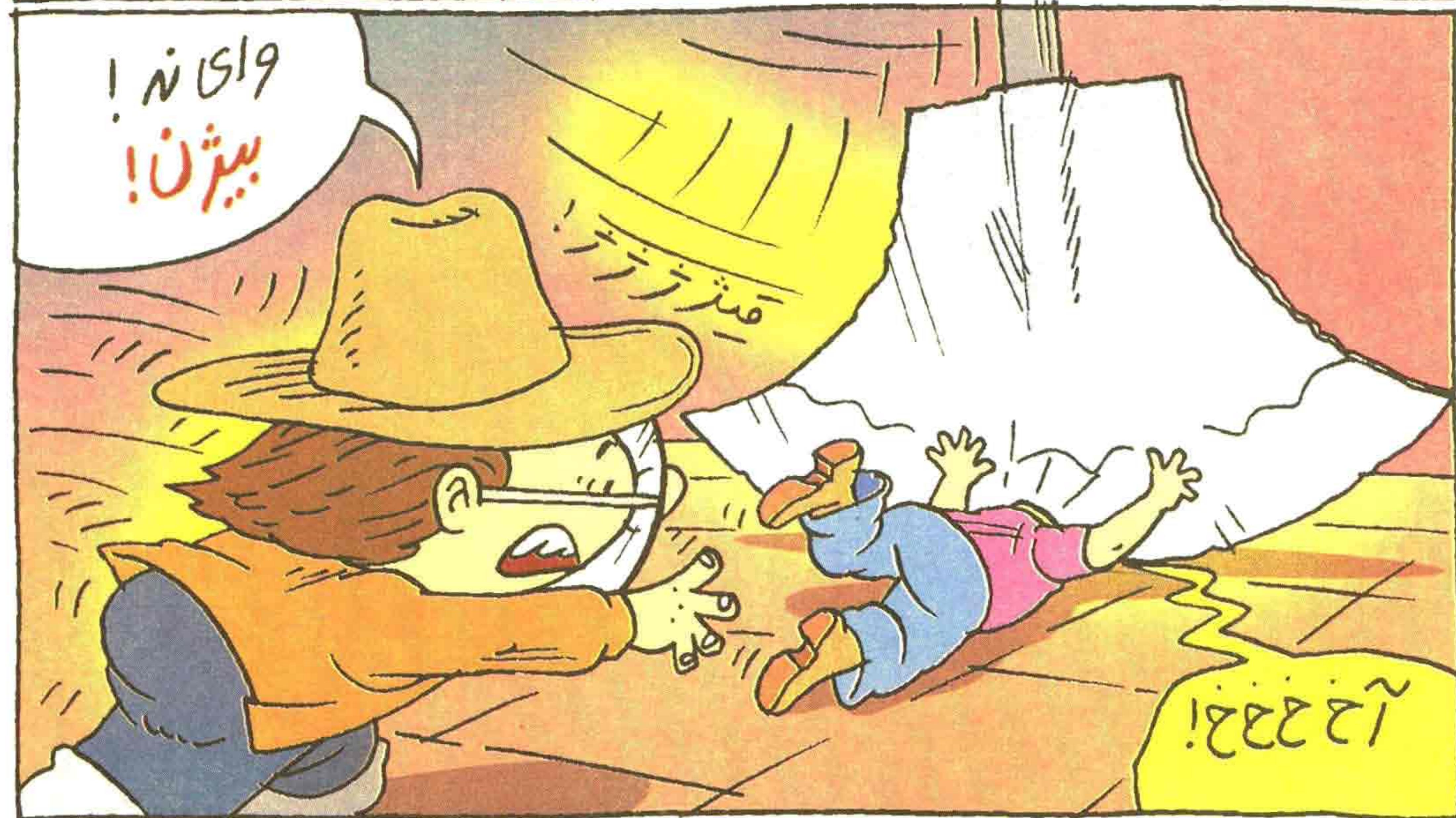
نام هوایپما: کاواساکی هاین
کشور سازنده: ژاپن
موتور: کاواساکی ۱۲ سیلندر





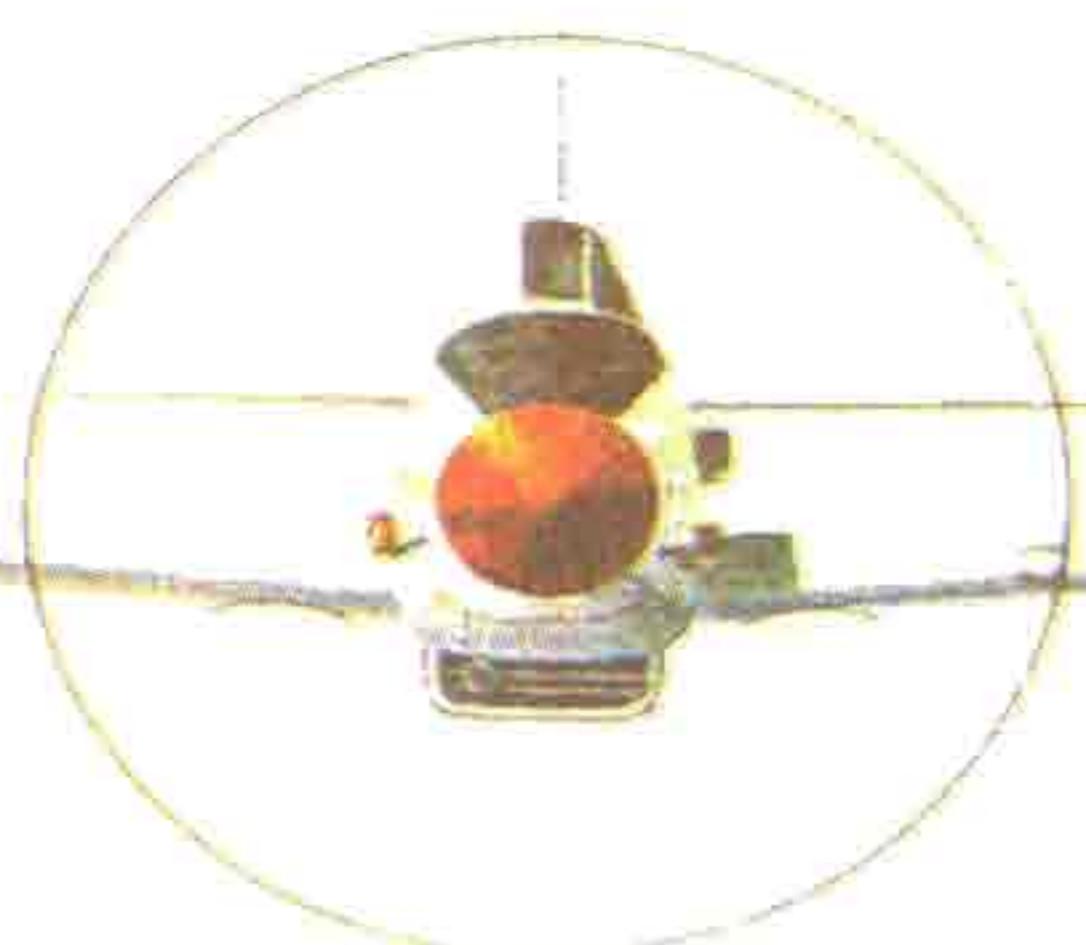
حداکثر سرعت: ۵۹۲ کیلومتر در ساعت
وزن: ۲۲۱ کیلوگرم





خواش رهان عزیزه مک علاج سرگم مومن فری منقوش شده از یابندگان
خواهش می کنیم با محبت کاس پیریند... یا تا خفه بعد صبر کنند!!

طول بال: ۸ متر و ۷۵ سانتی متر
اسلحة: ۴ مسلسل ۱۲/۷ میلی متری



مسابقهٔ ورزشی (شماره ۴۵)

تقویم اسلامی انقلاب

امام و همراهان از عراق به کویت هجرت کردند. دو روز بعد در ۱۳ مهر ماه به دلیل اجازه ندادن دولت کویت، حضرت امام خمینی به پاریس وارد شدند.



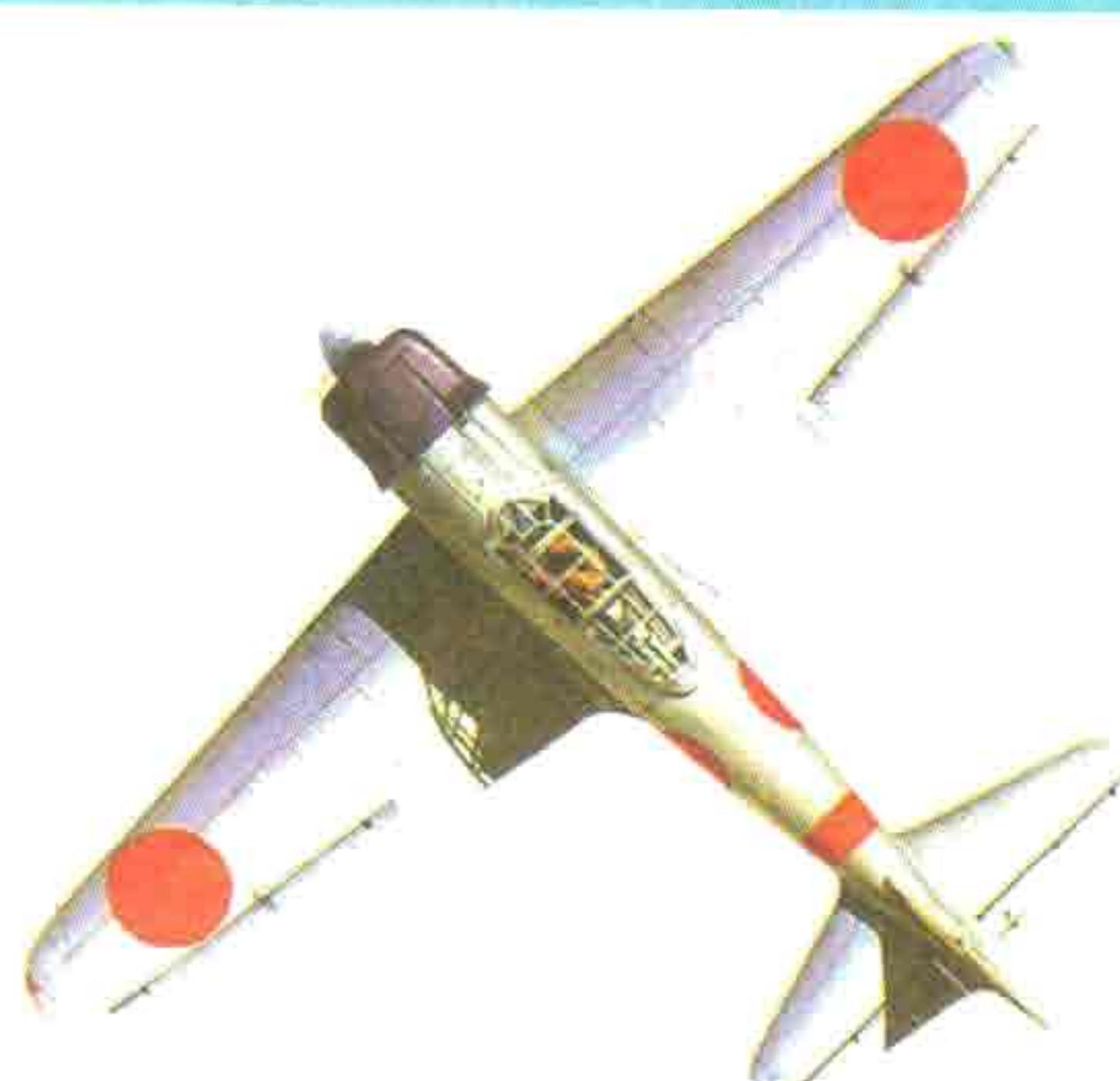
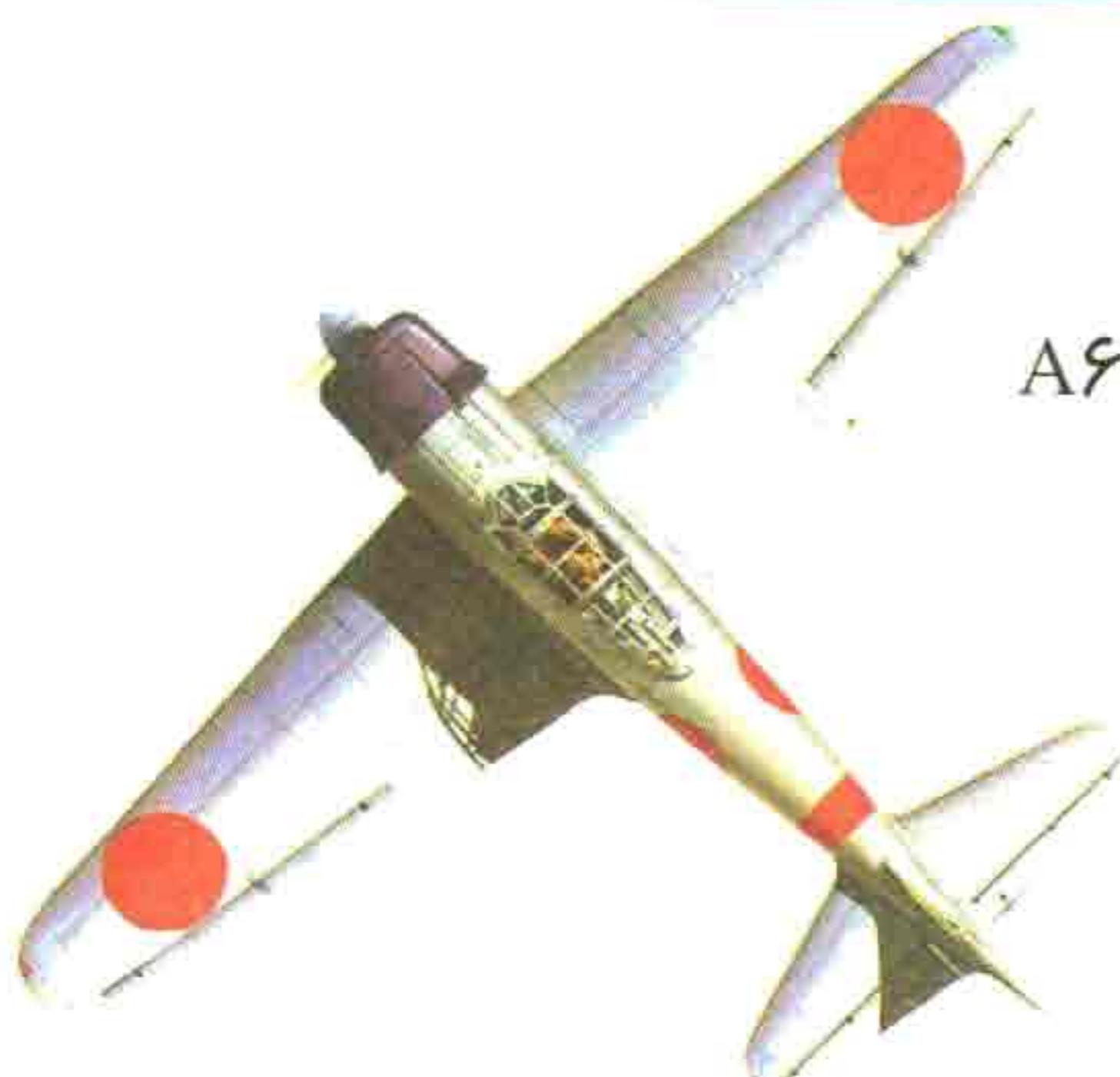
تصویر تعدادی ورزشکار را می‌بینید. نام ۴ نفر از آن‌ها در جدول به صورت نام و نام خانوادگی، جدا از هم، قرار گرفته است. اما نام نفر پنجم (رمز جدول) حروفش جدا از هم در جدول قرار دارد. برای یافتن رمز جدول، نخست حروف نام و نام خانوادگی ۴ نفر اول را در جدول خط بکشید. یادتان باشد، این حروف از راست به چپ، چپ به راست، بالا به پایین و پایین به بالا در جدول قرار گرفته‌اند و ممکن است حروفشان با هم مشترک هم باشد. وقتی حروف باقی مانده‌را، به ترتیب، کنار هم قرار دهید، نام ورزشکار تصویر پنجم را پیدا می‌کنید که همان رمز جدول است. این نام را به همراه تصویر مربوط به آن به نشانی مجله بفرستید. حتماً روی پاکت نامه بنویسید: «مسابقهٔ ورزشی شماره ۴۵»

ن	د	د	د	ن
د	ا	ن	ا	د
ز	ب	ن	ن	ز
ل	ر	د	د	ل
ا	ر	ن	ن	ا
ت	س	ا	ا	ت
ل	ل	ن	ن	ل
ا	ا	ک	ک	ا
س	س	ل	ل	س
ب	ب	ر	ر	ب
ر	ر	د	د	ر
ج	ج	د	د	ج
ه	ه	ن	ن	ه
و	و	ن	ن	و
د	د	ن	ن	د
ن	ن	د	د	ن

نام هواییما: میتسوبیشی A6M2

کشور سازنده: ژاپن

موتور: ناکاجیما ۱ سیلندر



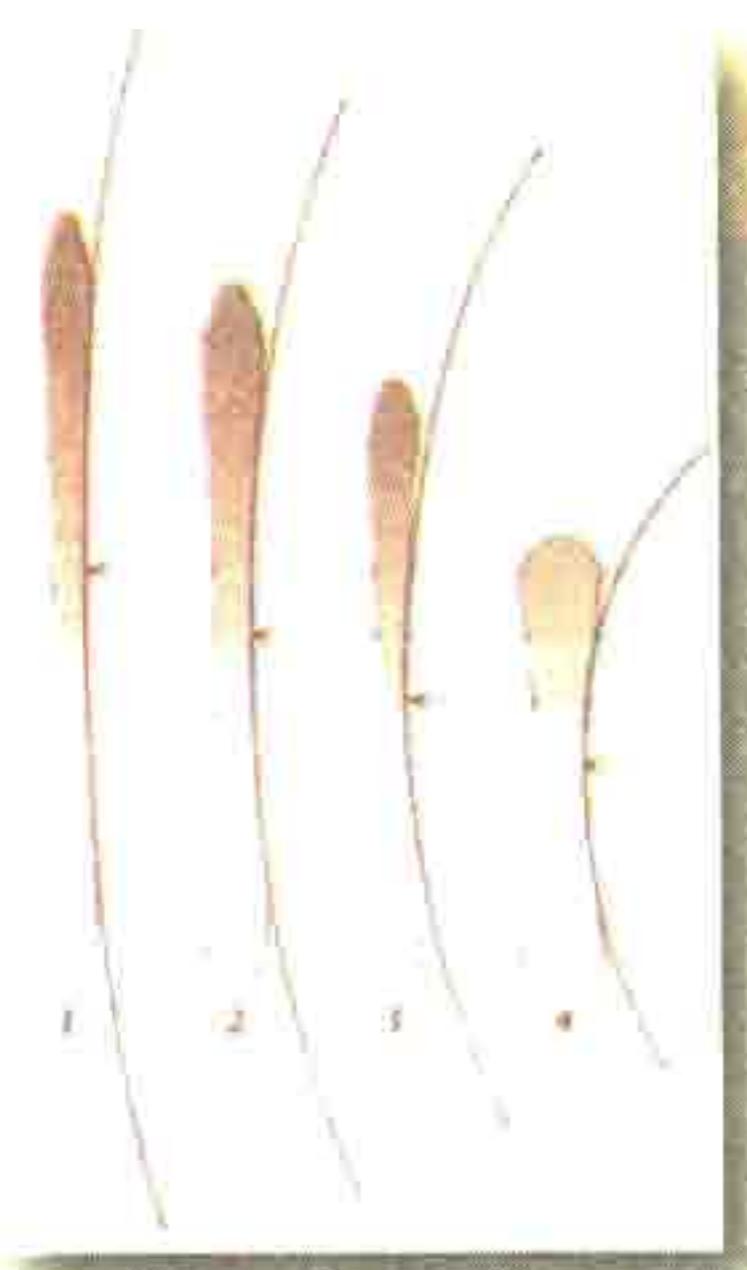


اسکی، وزش مدن



تاریخچه: از اوایل قرن ۱۹ میلادی نروژی‌ها، اسکی را به شکل امروزی و مدرن آن تبدیل کردند. تا پیش از این، اسکی برای شکار حیوانات مورد استفاده قرار می‌گرفت. «نانسن» اولین نروژی است که در سال ۱۸۸۸، اسکی را به شکل امروزی آن تبدیل کرد.

تمرین‌های اسکی: عضلات پا قبل از انجام اسکی، نیاز به تمرین کششی دارند. ماهیچه‌های جلو و پشت ران با این تمرین، فرمی و انعطاف لازم برای اسکی کردن را پیدا می‌کنند.

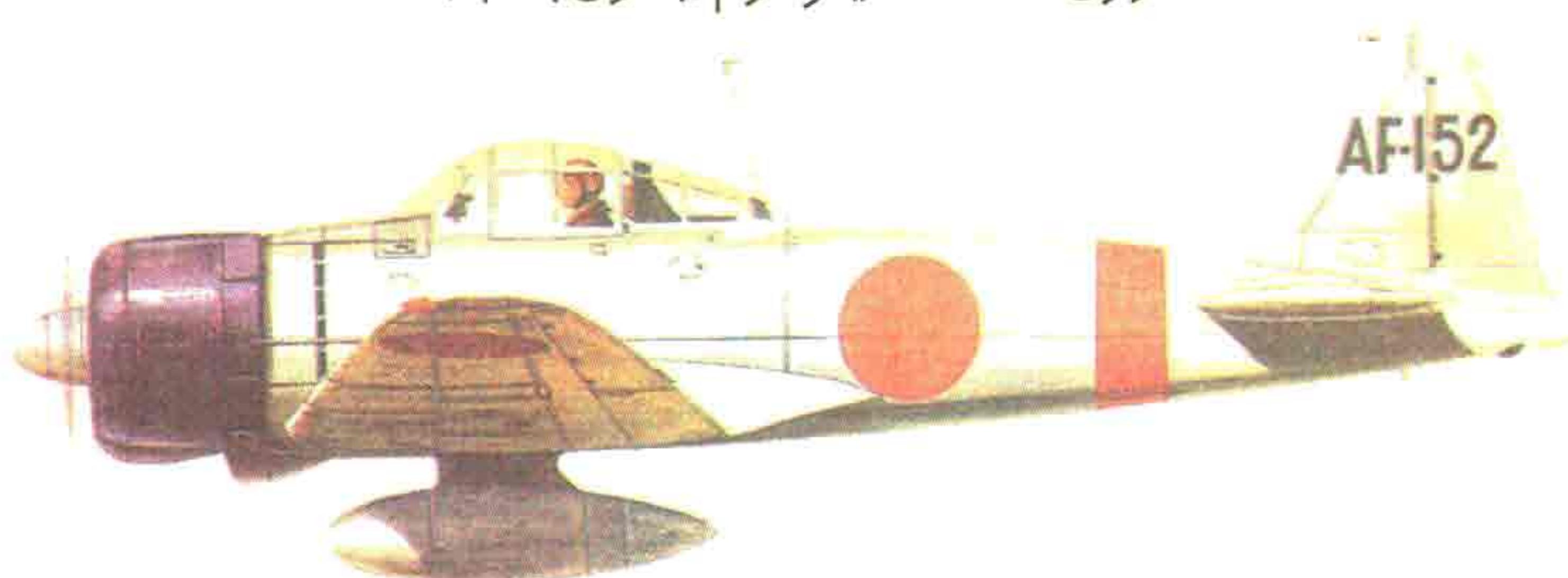


لوازم و ابزار اسکی: انواع تخته اسکی و چرخشی که می‌توان با آن انجام داد:

- ۱- اسکی مسابقه
- ۲- سوپر کارور
- ۳- کارور
- ۴- کارور کوچک



حداکثر سرعت: ۵۳ کیلومتر در ساعت
وزن: ۱۶۰ کیلوگرم (بدون بمب)



لیگ اسلامی تقویم

۱۳۵۷ مهر ۲۴
مسجد جامع کرمان به دست چماق داران رژیم پهلوی به آتش کشیده شد.
۱۴ روز بعد در هشتم آبان، کارگران صنعت نفت دست به اعتراض سراسری زدند.

ادواع کنترل توب با پا

هنگامی که شما به بازی فوتبالیست‌های معروف نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که آنها در دریافت و ارسال توب کوچکترین نگرانی نشان نمی‌دهند. علت این موضوع، تسلط آنها بر توب است. دلیل این تسلط، کنترلی است که آنها با پا بر توب انجام می‌دهند.



●● برای حرکت با توب یا ارسال توب به جلو، توب با جلو پا کنترل می‌شود.

●● برای بعضی از چرخش‌های ناگهانی، کنترل توب با خارج پا مناسب است.

●● راحت‌ترین راه برای کنترل توب، دریافت یا ارسال توب توسط داخل پا است.

●● طول بال: ۹ متر
●● اسلحه: دو مسلسل کانن ۲۰ میلی‌متری
●● - دو مسلسل ۷/۷ میلی‌متری حداکثر ظرفیت حمل بمب: ۱۲۰ کیلوگرم





جنگ‌های رایانه‌ای ناپلئون



اگر به تاریخ و رایانه علاقه دارید، بازی «کاساکس ۲» (Cossacks ۲) می‌تواند نظر شما را جلب کند، به شرط اینکه به بازی‌های رایانه‌ای استراتژی علاقه داشته باشید. (کاساکس به معنای «قزاق» است). شما در این بازی به اواخر قرن هجده و اوایل قرن نوزده میلادی می‌روید و از جبهه‌های جنگ ناپلئون سردرمی آورید. ناپلئون امپراتور فرانسه بود که تمام زندگی خود را به فعالیت‌های نظامی و جاهطلبی گذراند. او در ۲۶ سالگی یک ژنرال کامل ارتش شد و در ۳۰ سالگی به امپراتوری فرانسه رسید. ناپلئون ارتش بزرگی در فرانسه ایجاد کرد و برای جنگ با اروپا، مصر و روسیه آماده شد. در بازی رایانه‌ای کاساکس ۲، شش جنگ از پیش تعیین شده و هفت ماموریت برای لشکرکشی وجود دارد. (البته دو ماموریت اول بازی جنبه راهنمایی و تمرینی دارند).

در بازی امکان زیاد کردن تعداد سربازان در صحنه جنگ وجود دارد. می‌شود تمام سربازان را مسلح کرد، نیزه‌های سبک و سنگین به آنها داد. این امکان وجود دارد که بازیکن مقدار زیادی توپخانه بسازد. توپ‌های موشکی و توپ‌های دوربین دار هم از دیگر لوازم و ابزار نظامی در این بازی هستند. سربازان در این بازی سه مدل آرایش جنگی به خود می‌گیرند. گروهی از آنها حالت هجومی به خود می‌گیرند. گروهی دیگر فعالیت‌های موثری علیه دشمن انجام می‌دهند. دسته سوم سربازان تحرک زیادی از خود نشان نمی‌دهند، اما



نام هوایپما: میتسوبیشی Ki ۴۶

کشور سازنده: ژاپن

موتور: دو موتور میتسوبیشی ۱ سیلندر

تعویم انقلاب اسلامی

کشتار دانش آموزان و دانشجویان در مقابل دانشگاه تهران، فردای این فاجعه در ۱۴ آبان، شاه در قلوب زیون سخنرانی کرد و گفت: من پیام انقلاب شما ملت ایران را شنیدم. استغفای شریف امامی و نخست وزیر از هاری در ۱۴ آبان ۱۳۵۷:



استحکامات خوبی علیه دشمن می‌سازند. در این بازی، برای راه اندازی یک گروه نظامی، بازیکن باید حداقل تعداد واحدهای نظامی را که مایل است، درست کند. تعداد ۱۶ سرباز پیاده نظام و ۴۵ سرباز سواره نظام برای شروع کار مناسب است. موضوع مهم پس از سر و سامان

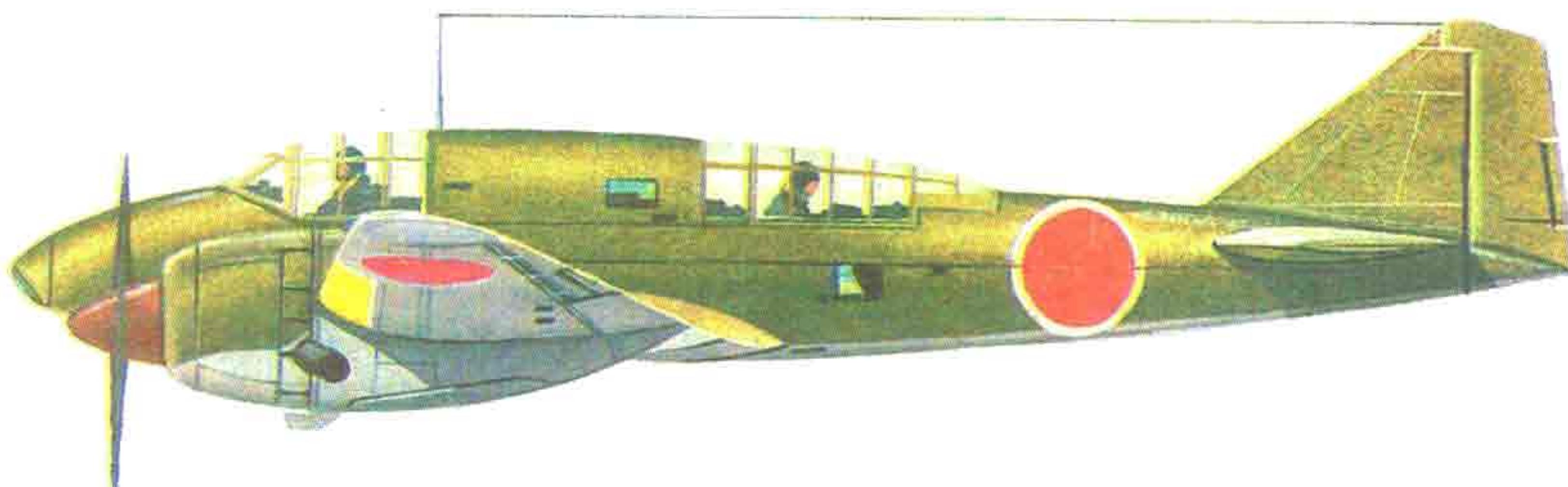
دادن سربازان، مدیریت بازیکن بر روی سربازان است. مثلًا منابع مهمی مثل آهن و زغال سنگ در اختیار بازیکن قرار داده می‌شود که تاثیر مهمی بر روی بازی دارد. اگر هر کدام از اینها وجود نداشته باشدند، سربازها نمی‌توانند خوب شلیک کنند یا توپ‌ها را پر کنند. کمبود آهن باعث می‌شود که بازیکن نتواند سربازخانه برای محافظت از سربازان بسازد، بنابراین مجبور است سربازهای بیشتری تولید کند.



خسته شدن سربازان هم در این بازی مهم است. مثلًا اگر سربازان خود را به یک رژه طولانی و در یک زمین باز و وسیع ببرید، آنها خسته می‌شوند و انگیزه کافی برای جنگیدن نخواهند داشت. سربازانی که خوب استراحت کرده باشند، می‌توانند با اولین شلیک تفنگ دشمن، به سرعت عکس العمل نشان بدند. بازی «کاساکس ۲» برای اجرا بر روی رایانه‌های خانگی درست شده است. این بازی برای خوب اجرا شدن به کارت گرافیکی ۶ مگا بایت و حافظه‌ی ۵۱۲ (Ram) احتیاج دارد. کارت‌های گرافیکی NVIDIA و ATI هم این بازی را به خوبی اجرا می‌کنند.

حداکثر سرعت: ۶۰ کیلومتر در ساعت

وزن: ۳۲۶۳ کیلوگرم





«جغد شاخدار»

یک روز خانم جغد و آقا جغد آمدند روی درخت کاج و شروع کردند به لانه ساختن. آن‌ها آن قدر تند کار می‌کردند که بزودی لانه‌شان آماده شد.

خانم جغد و آقا جغد همسایه‌های خوب و مهربانی بودند اما کارهایشان عجیب و غریب بود. آن‌ها نه کار می‌کردند و نه گردش می‌رفتند. تمام روز توی لانه‌شان می‌خوايیدند و بیرون نمی‌آمدند. اگر هم بیرون می‌آمدند، روی شاخه‌ای می‌نشستند و چرت می‌زدند.

یک روز، وقتی بچه‌ها روی شاخه‌ها این طرف و آن طرف می‌پریدند و با هم قایم باشک بازی می‌کردند. جغد شاخدار از لانه‌اش بیرون آمد و گفت: «چه خبر است بچه‌ها؟ کمی آرام‌تر. با این همه سر و صدا ما چه طور بخواییم؟» بعد رفت توی لانه‌اش. بچه‌ها با تعجب به هم نگاه کردند. جوجه سار گفت: «پس چرا این‌ها مثل مامان و بابای ما دنبال غذا نمی‌روند؟!»

جوجه شانه به سر گفت: «خیلی عجیبه، آن‌ها همیشه می‌خوابند!»

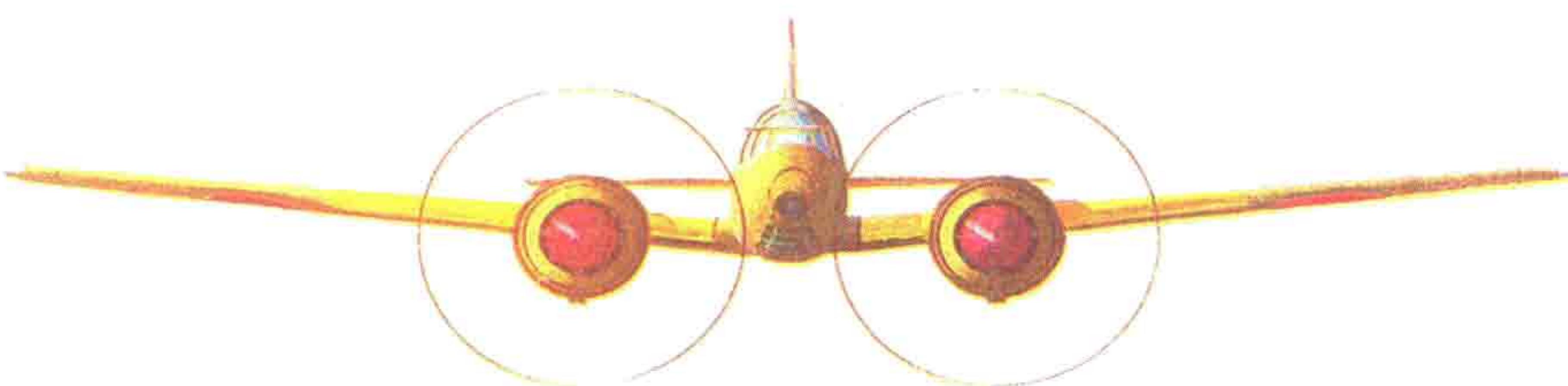
جوجه گنجشک با ناراحتی گفت: «تا زه به ما هم می‌گویند بازی نکنید! الا بد دلشان می‌خواهد ما هم مثل آن‌ها بخواییم!»

جوجه ببلیل گفت: «به ما چه که کار نمی‌کنند و خوابشان می‌آید.» بعد دوباره به بازی و سر و صدا ادامه دادند.

غروب، همه‌ی بچه‌ها که حسابی گرسنه بودند، منتظر برگشتن مامان‌ها و باباها بودند. پیر بابا روی شاخه‌ای نشسته بود و به قدیم‌ها فکر می‌کرد. یاد زمانی افتاد که خیلی جوان بود. آن وقت‌ها که به همه جا پر می‌کشید و خبر می‌آورد و خبر می‌برد. یک دفعه دلش هوای پرواز کرد. با صدای بلند گفت: «ننه کلاع. من زود برمی‌گردم.» و پر کشید و رفت. ننه کلاع با عجله از لانه بیرون آمد و گفت: «چی می‌گویی؟ مگر می‌توانی تنهایی راه لانه را پیدا کنی؟» اما دیگر دیر شده بود و پیر بابا رفته بود. ننه کلاع با عجله پر کشید تا او را برگرداند اما چشمان ضعیف او پیر بابا را ندید و دست خالی به لانه برگشت ولی امیدوار

طول بال: ۱۱ متر

اسلحة: یک مسلسل ۷/۷ میلی‌متری





۱۳۵۷ آبان ۳۰:

- ماموران شاه به حرم امام رضا (ع)
- هجوم برندن. ۱۰ آذر ۵۷: مردم
- تهران نظاهرات شبانه‌ای در میدان سرچشمه انجام دادند.

بود، وقتی که همسایه‌ها به لانه برمی‌گردند، پیر بابا را بینند و با خود بیاورند. همه یکی به لانه برگشتند اما هیچ کدام پیر بابا را ندیده بود.

آقا کلاع گفت: «تا شب نشده، باید پیدایش کنم.» بعد پر کشید. آقا سار و آقا شانه به سر و آقا گنجشک هم همراه او رفتند. هوا تقریباً تاریک شده بود که آن‌ها هم دست خالی برگشتند. روی درخت کاج همه نگران پیر بابا بودند و از دست هیچ کس، کاری ساخته نبود. ننه کلاع در حالی که گریه می‌کرد، گفت: «هوا سرد و پیر بابا پیره، نکنه سرما بخوره و بمیره.» خانم کلاع گفت: «خدایا کمکش کن. نکنه از گرسنگی ضعف کنه.»

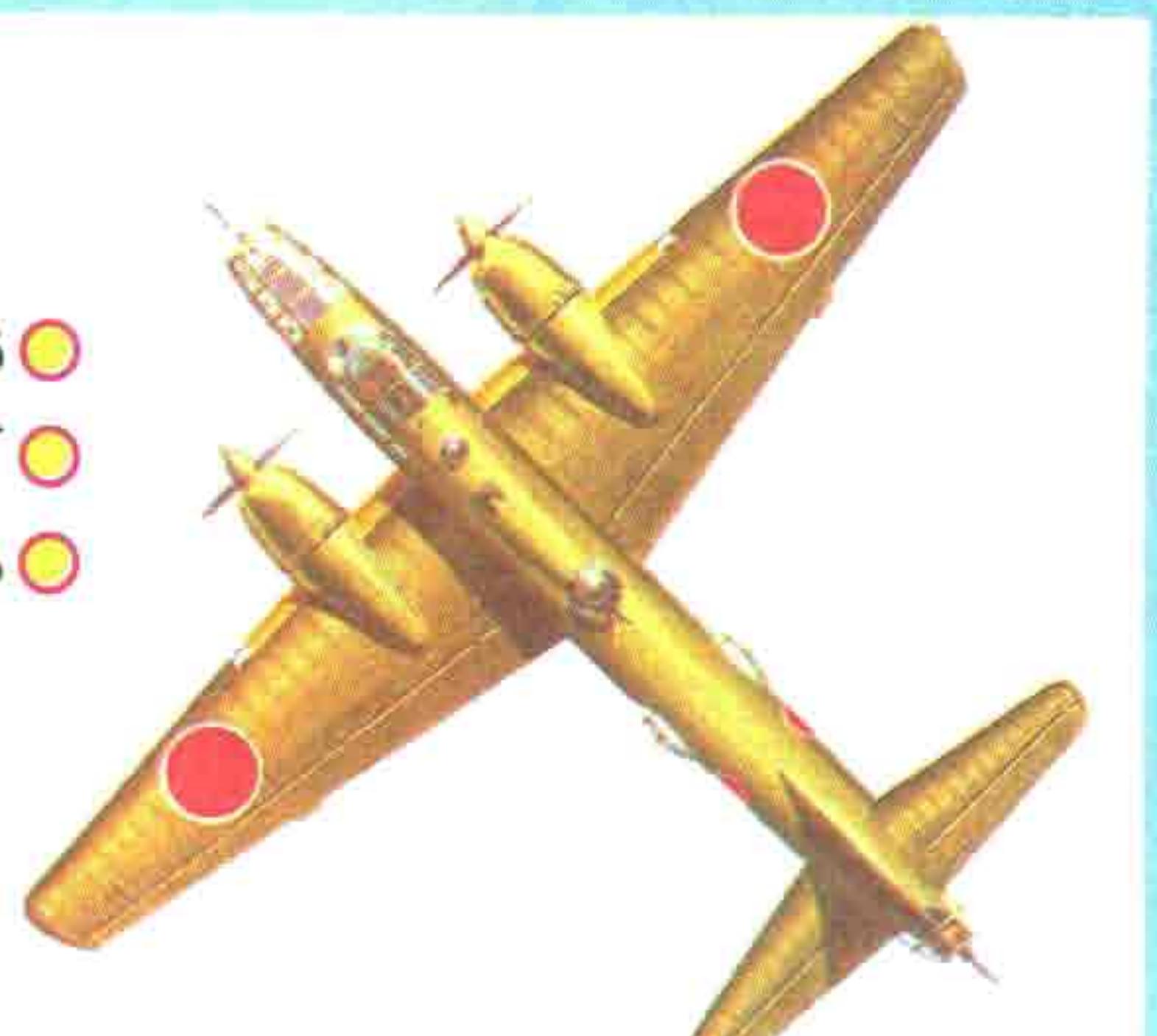
جوچه کلاع، گریه می‌کرد و پیر بابایش را صدا می‌زد. همسایه‌ها دور خانواده‌ی پیر بابا نشسته بودند و دلداریشان می‌دادند و آن‌ها را امیدوار می‌کردند که فردا حتماً پیدایش می‌کنند جوچه کلاع با گریه می‌گفت: «یعنی امشب پیر بابا، توی این سرما، بیرون از لانه بخوابد؟» و باز با گریه پیر بابا را صدا می‌زد. یک دفعه صدای پیر بابا که جواب جوچه کلاع را می‌داد به گوش همه رسید. همه به طرف صدا برگشتند. پیر بابا را دیدند که همراه خانم و آقای جفده برقشته بود. آن شب، شادی دوباره به دل همسایه‌های روی درخت کاج، مخصوصاً خانواده‌ی کلاع‌ها برگشت و همه بچه‌های روی درخت کاج، یک چیز را فهمیدند و تصمیم مهمی گرفتند. تصمیم گرفتند وقت بازی، هرگز مزاحم خواب خانواده‌ی جفده شاخدار نشوند تا آن‌ها خوب بخوابند و خود را برای کار شبانه آماده کنند.



نام هوایپما: میتسوبیشی هیریو

کشور سازنده: ژاپن

موتور: دو موتور میتسوبیشی ۱۸ سیلندر



آدک

مُعْجَل

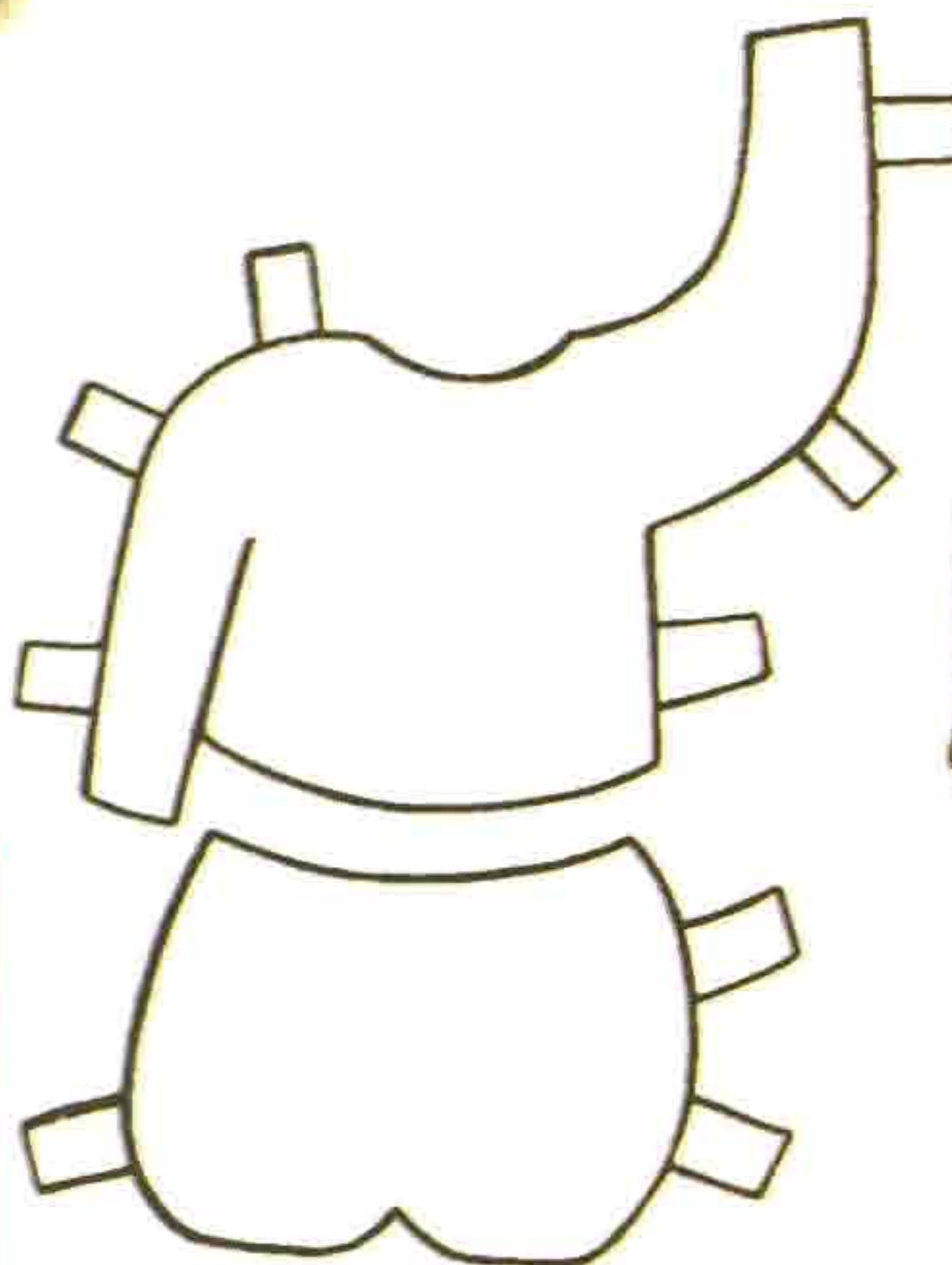
وسایل مورد نیاز:

- کاغذ الگو
- مداد
- مقوای سفید نازک
- کاغذ فیلی یا همان کاغذ نقاشی
- قیچی
- قلم مو
- رنگ نقاشی



روش کار:

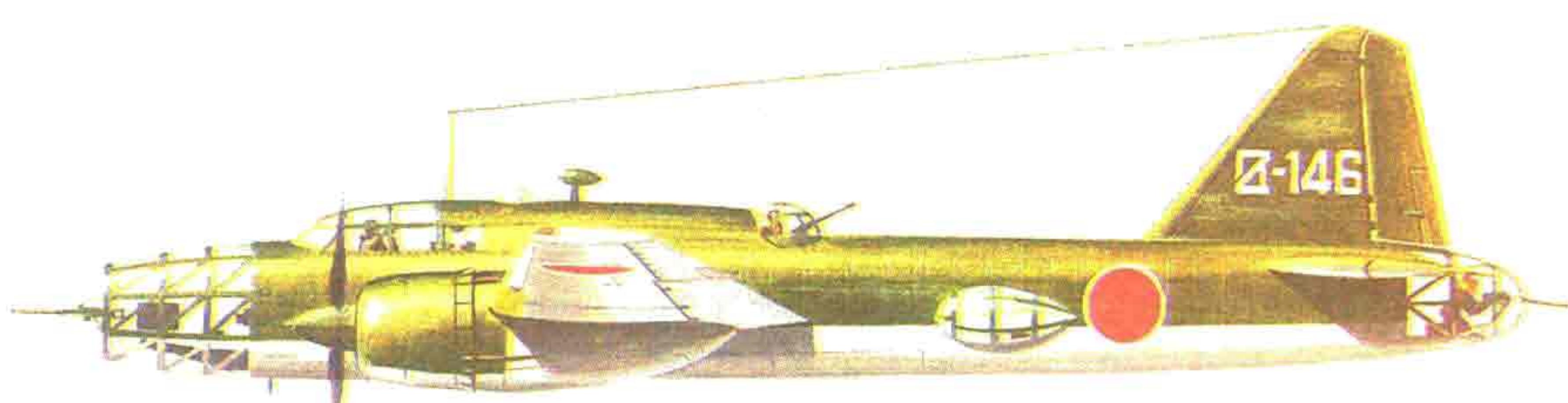
۱. از روی الگوی دزد دریایی و لباسش نمونه برداری کنید.



۲. الگوی دزد دریایی را بر روی مقوای نازک منتقل کنید و دورتادور آن را ببرید. الگوی لباس دزد دریایی را بر روی کاغذ فیلی یا همان مقوای نقاشی منتقل کنید و دورتادورش را ببرید.



۳. اجزای بدن دزد دریایی را با قلم مو رنگ کنید. می‌توانید لباس‌های او را رنگ‌روشن بزنید و با قلم مو روی آن طرح بکشید (مانند شکل).



حداکثر سرعت: ۵۳۷ کیلومتر در ساعت

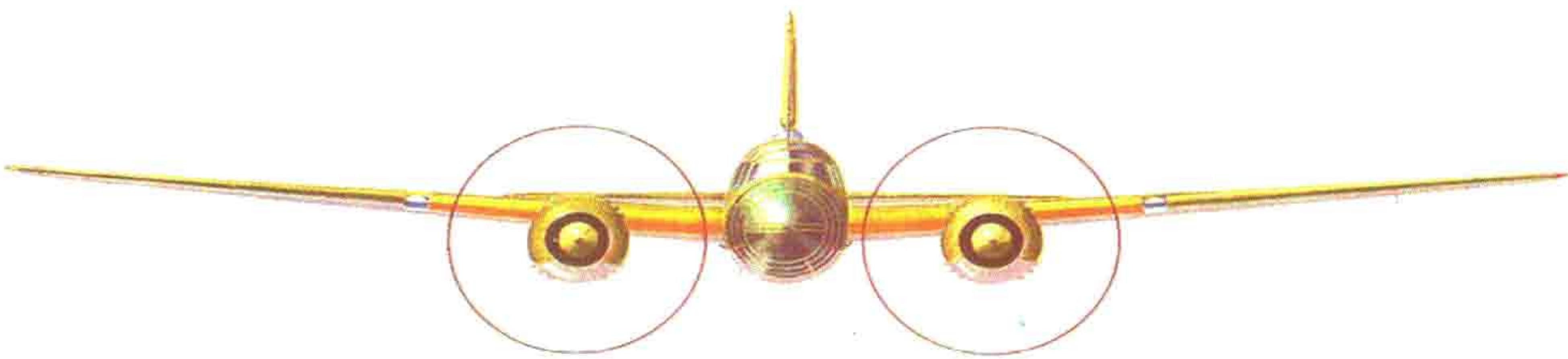
وزن: ۸۶۵۰ کیلوگرم (بدون بمب)



۴. با کمک بزرگترها، به آرامی محل نقطه چین را در بخش زیر پای دزد دریایی، خط بیندازید و طوری تا بکنید که آدمک بتواند بایستد.



- طول بال: ۱۸ متر و ۷ سانتی متر
- اسلحه: یک مسلسل ۲۰ میلی متری کانن - ۵ مسلسل ۱۲/۷ میلی متری -
- حداکثر ظرفیت حمل بمب: ۱۰۷۰ کیلوگرم





بچه‌های جهان آخرین چادرنشینان

اروپا



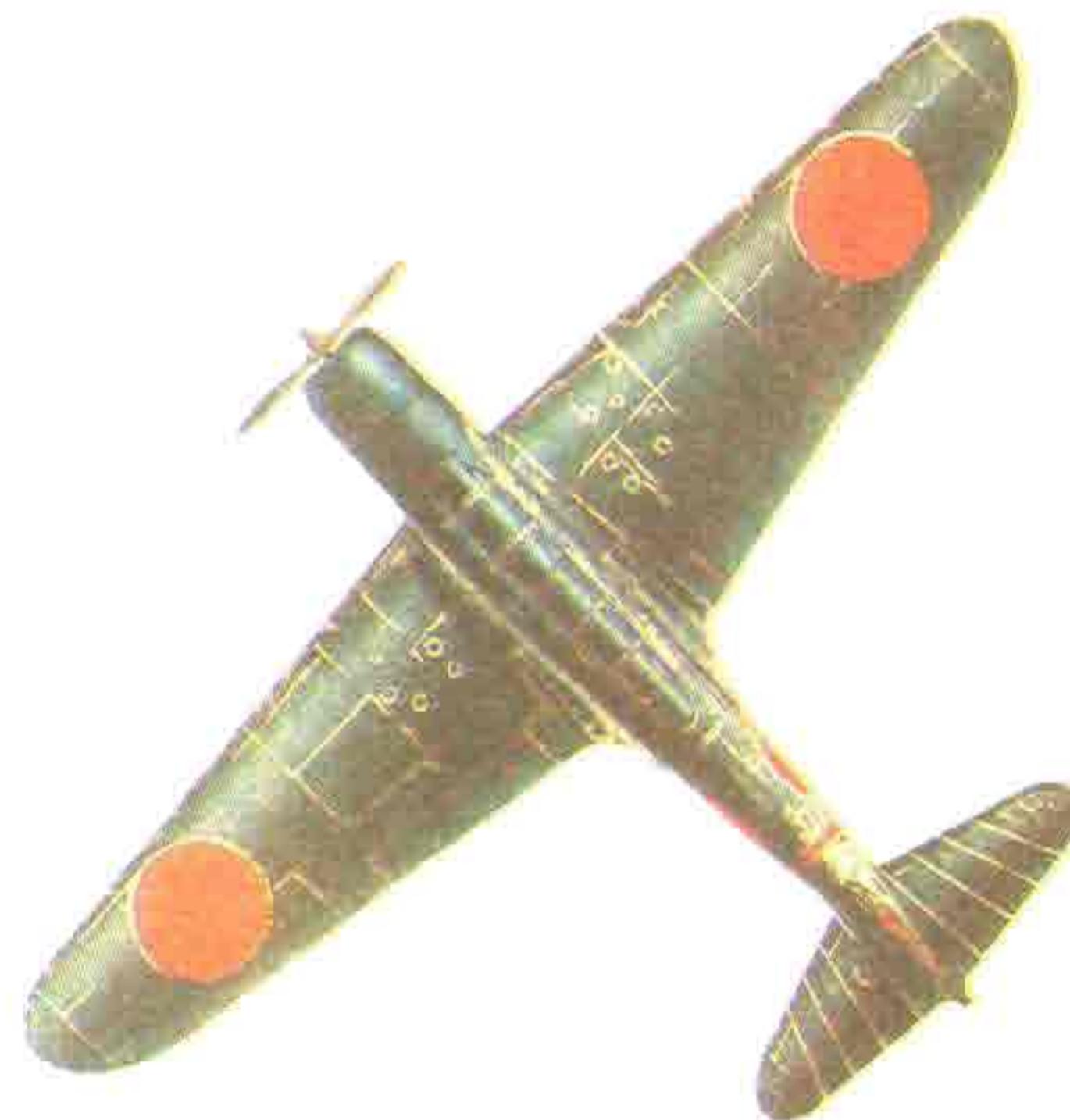
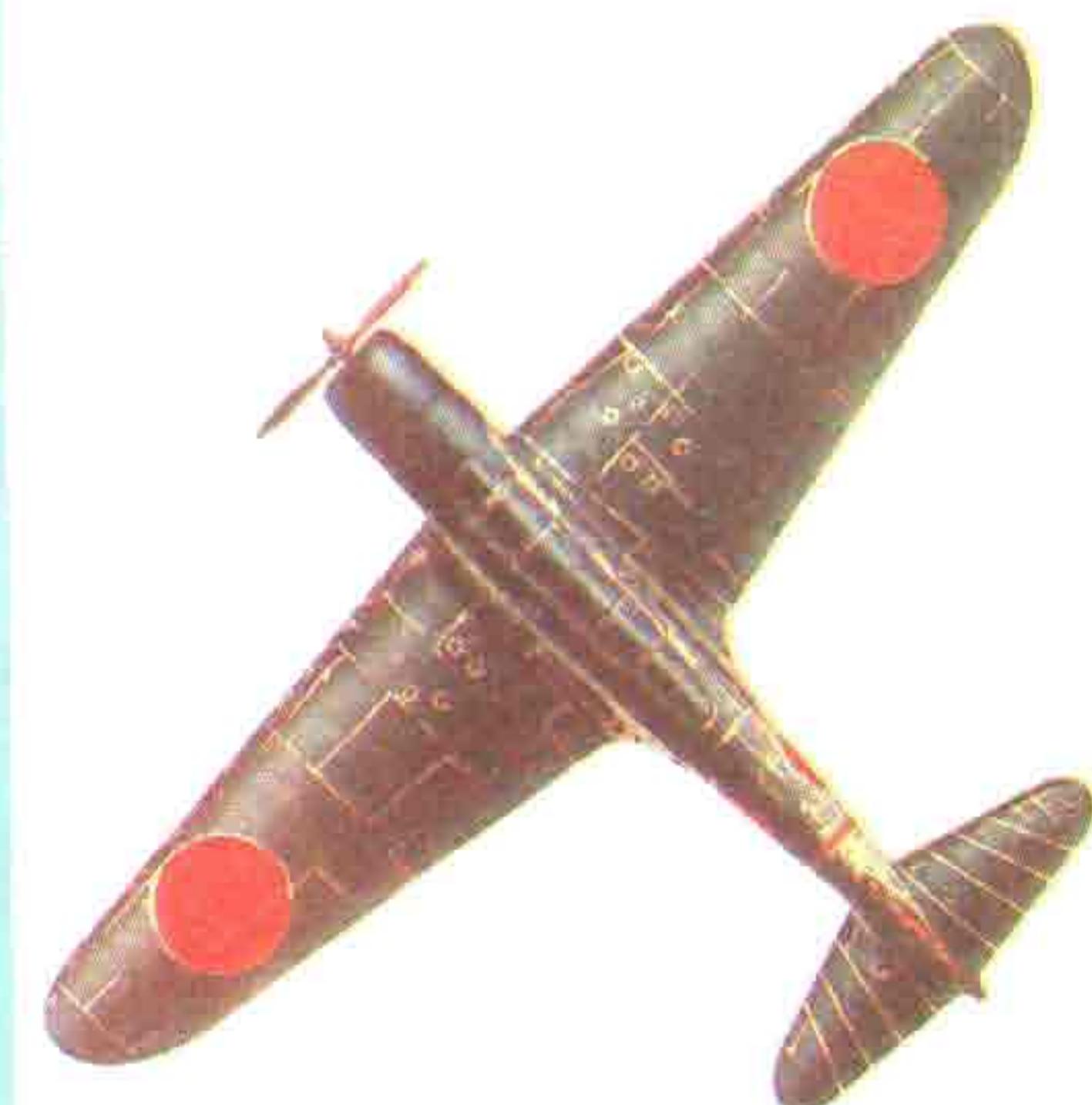
در شمال نروژ، مردمانی به نام «سامی» زندگی می‌کنند که هنوز زندگی در حرکت و چادرنشینی دارند. (با نژاد سامی که عرب‌ها از آن نژاد هستند، اشتباه نکنید!) مردمان سامی ابتدا شکارچیان گوزن بودند، اما از قرن ۱۷ میلادی به بعد آنها به دامداری و پرورش گوزن روی آوردند. آنها در فصل بهار به مناطق خنک‌تر نروژ کوچ می‌کنند و در آغاز فصل پاییز دوباره به سرزمین‌های اصلی خود بازمی‌گردند.

هر چند زندگی به شکل مدرن در بین سامی‌ها رواج دارد اما شغل اصلی این مردم، گله‌داری و پرورش گوزن است.

لباس‌های سنتی مردم سامی، از رنگ قرمز روشن و سرمه‌ای تشکیل شده است. کلاه بلند نیز سر آنها را از سرمای شمال اروپا حفظ می‌کند.

سامی‌های نروژ در هنگام کوچ خود، زندگی مدرن و امروزی را هم انجام می‌دهند. آنها در هنگام کوچ در شهرهای نروژ ساکن می‌شوند.

نام هوایپیما: ناکاجیما B5N2
کشور سازنده: ژاپن
موتور: ناکاجیما ۱۲ سیلندر





۱۲ بهمن ۱۳۵۷:

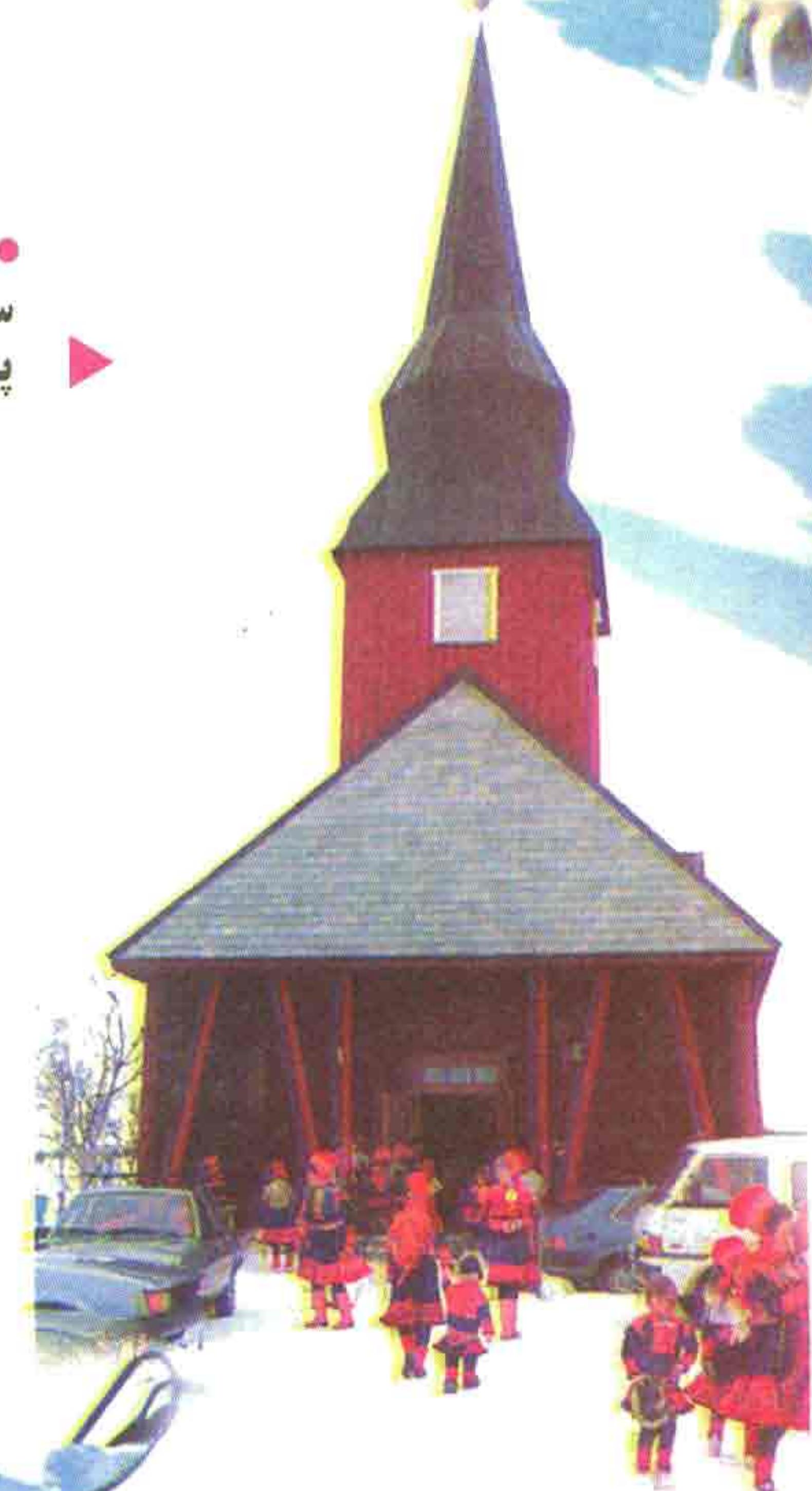
ورواد رهبر کبیر انقلاب به میهن
۱۶ بهمن ۱۳۵۷: تعیین مهدی بازرگان
به نخست وزیری دولت مؤقت انقلاب
از سوی امام.



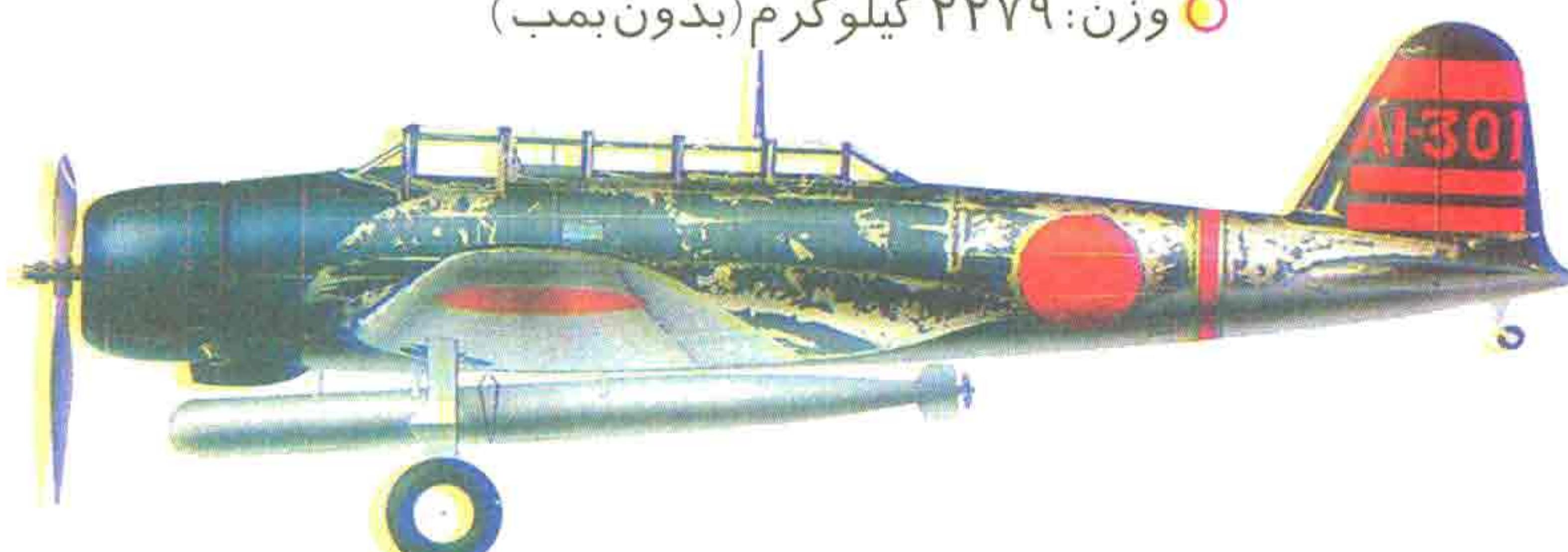
• سامی‌ها برای محافظت در برابر سرما،
نوعی علف خشک به نام «یسک» داخل کفس و
کلاه خود می‌ریزند که سر و پای آنها را در برابر
سرما حفظ می‌کند.

از قرن ۱۷ میلادی به بعد،
سامی‌ها به آیین مسیح (ع) گرویدند و
پیرو دین مسیحیت شدند.

«اسنوموبیل» به جای سورتمه.



○ حداقل سرعت: ۳۷۸ کیلومتر در ساعت
○ وزن: ۲۲۷۹ کیلوگرم (بدون بمب)



نجات

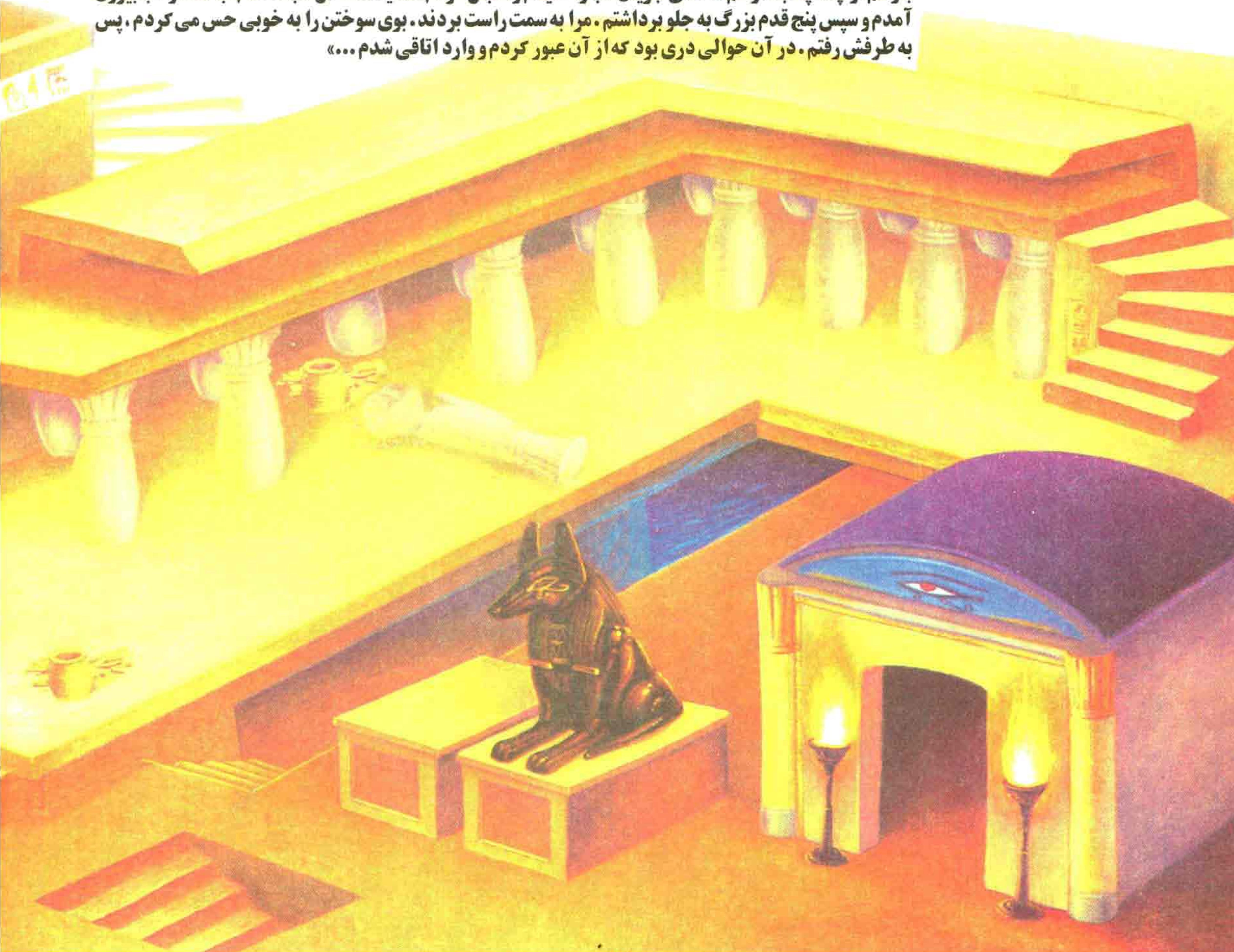


یک زندانی

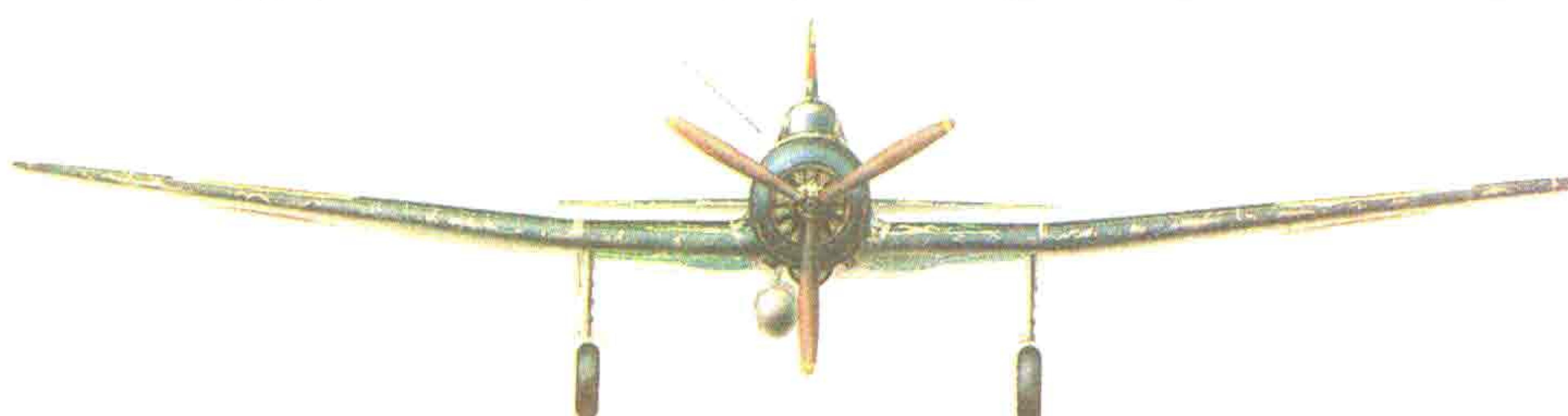
به دستور فرعون مصر، مردی را در اتاقی زندانی کرده‌اند. برای بردن این مرد به آن اتاق، چشم‌هایش را بسته‌اند. اما او با چشم بسته هم مسیر حرکتش را تشخیص داده است. او برای دوستانش که برای نجات او آمده‌اند، نامه‌ای نوشته است و در آن مسیر حرکتش را توضیح داده است. آیا شما می‌توانید براساس این نامه، مسیر حرکتش را در تصویر مشخص کنید؟!

واما نامه چنین است:

«مرا از یک پل معلق عبور دادند، سپس زیر پاهایم یک سطح سنی را احساس کردم. بعد مجبورم کردند از یک نرده بان طنابی پایین بروم، به جایی رسیدم که سقفش خیلی کوتاه بود. مجبور شدم روی زمین چهار دست و پا بروم. به چند پله رسیدم. از آن‌ها پایین رفتم. در پایین پله‌ها مرا به سمت راست و سپس چپ بردند. از روی جسمی سرد پریدم. در گوش‌های از چند پله بالا رفتم و به سمت چپ پیچیدم. چیزی زیر پایم با صدای خاصی (قرچ) صدا کرد. باز هم از چند پله بالا رفتم. صدای جریان آب را شنیدم و دنبال کردم، تا اینکه داخل آب افتادم! باشنا از آب بیرون آمدم و سپس پنج قدم بزرگ به جلو بروداشتم. مرا به سمت راست بردند. بوی سوختن را به خوبی حس می‌کردم، پس به طرفش رفتم. در آن حوالی دری بود که از آن عبور کردم و وارد اتاقی شدم...»



- طول بال: ۱۰۰ متر و ۳۰ سانتی‌متر
- اسلحه: یک مسلسل ۷/۷ میلی‌متری حداقل ظرفیت حمل بمب: ۸۰۰ کیلوگرم



انقلاب اسلامی

تقویم

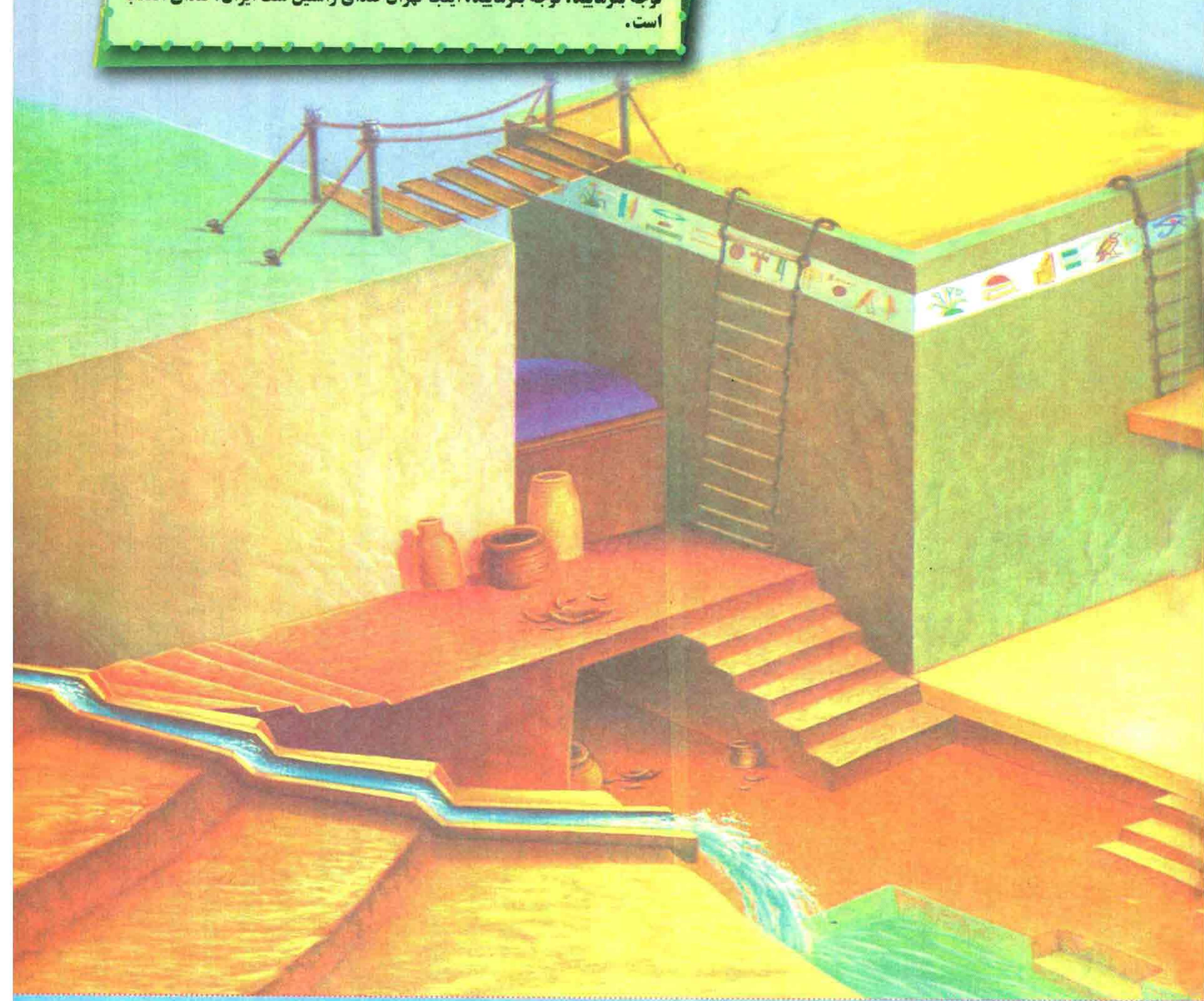
: ۱۳۵۷ بهمن ۲۱، ۲۲

- با پخش تصویر امام در تلویزیون در بیستم بهمن، موج شادمانی همافران باعث درگیری نیروهای گارد جاویدان (طرفداران شاه) با آنان شد. فردا در ۲۱ بهمن درگیری‌ها ادامه یافت. ساعت ۲ بعد از ظهر، فرمانداری نظامی تهران، ساعت منع عبور و مرور را از ساعت ۱۶/۳۰ تا ۵ صبح اعلام کرد. امام طی اعلامیه‌ای از مردم خواستند به این اطلاعیه فرماندار نظامی توجهی نکنند. درگیری‌ها گسترش پیشتری پیدا کرد. در ساعت یک بعد از ظهر ۲۲ بهمن، ارتض اعلام بی طرفی کرد و پادگان‌ها و کلانتری‌ها به تصرف مردم درآمد. رادیو در ساعت ۲ بعد از ظهر به تصرف درآمد و این صدا از آن به گوش رسید: توجه بفرمایید. توجه بفرمایید. اینجا تهران صدای راستین ملت ایران، صدای انقلاب است.

پاسخ سرگرمی شماره گذشته:



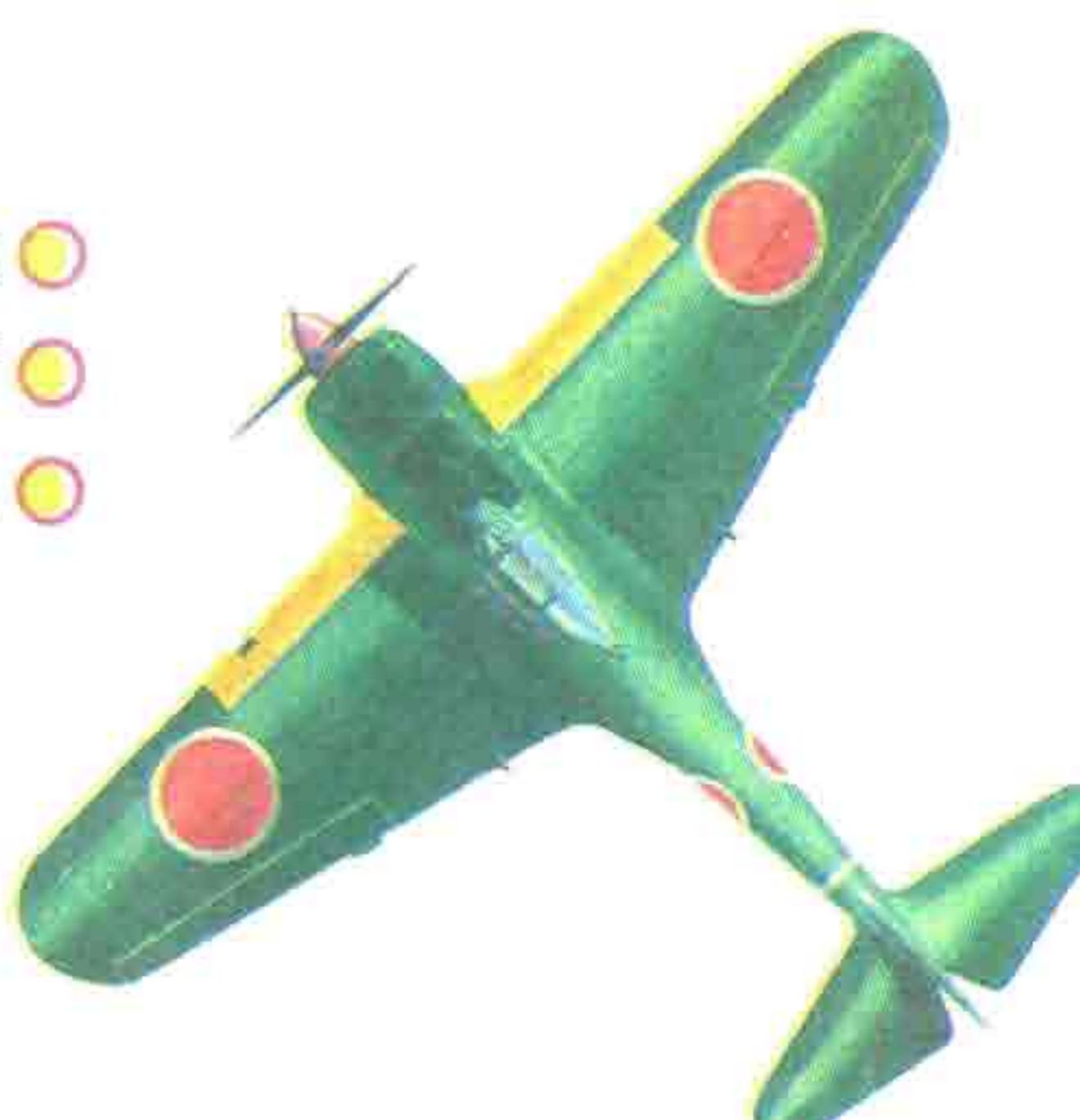
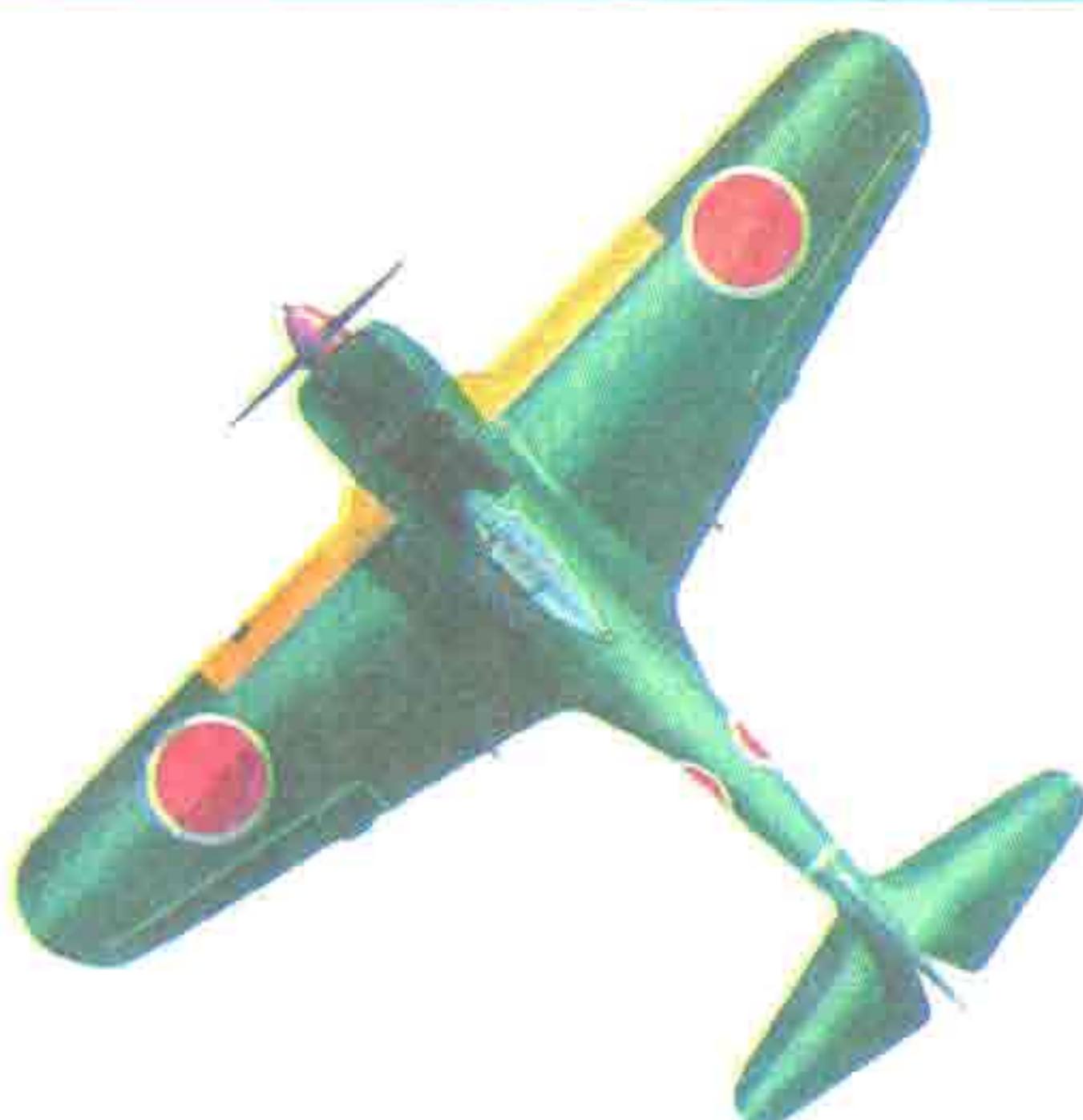
تحلیل



نام هوایپما: ناکاجیما Ki ۴۳

کشور سازنده: ژاپن

موتور: ناکاجیما ۱ سیلندر

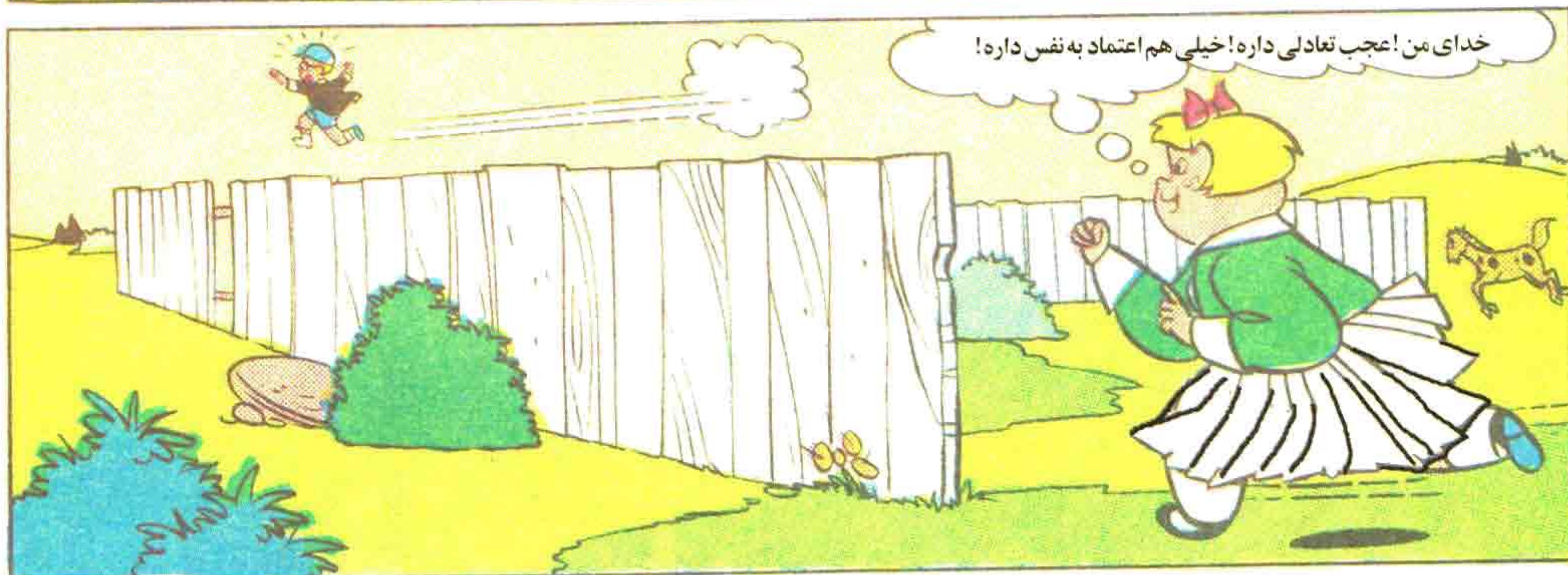


این داستان:

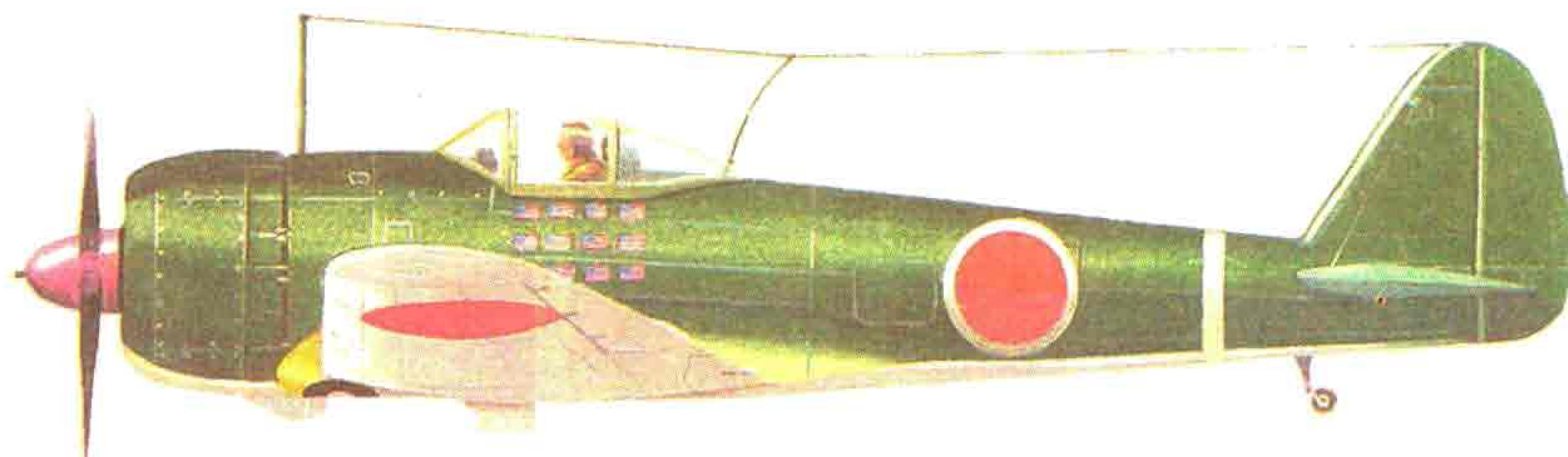
از مجموعه «استان واحد» لوتا کوچولو

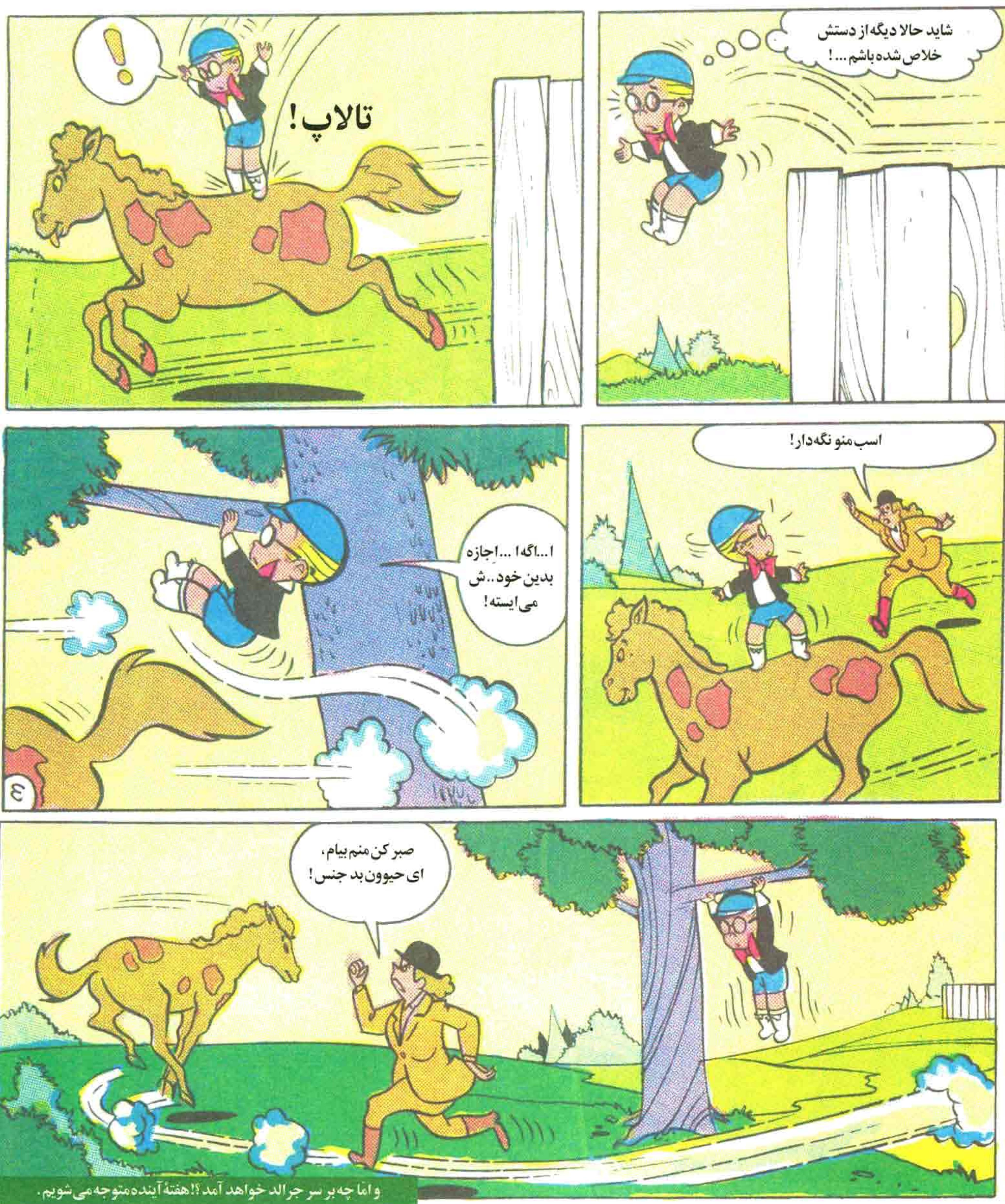
قسمت دوم

شفل آینده جوان

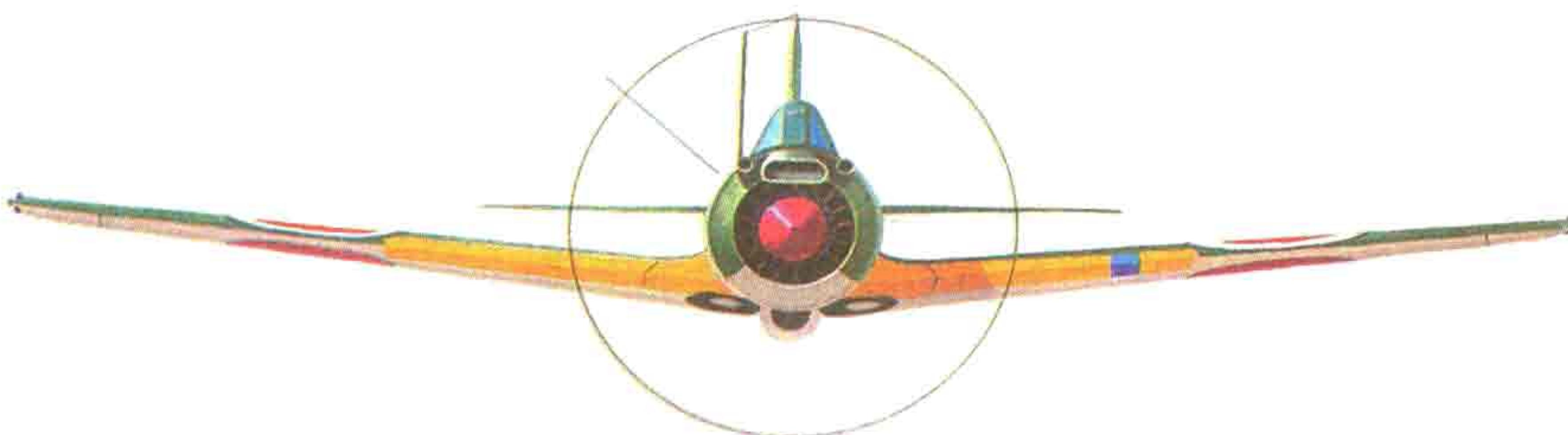


حداکثر سرعت: ۵۳۰ کیلومتر در ساعت
وزن: ۱۹۱۰ کیلوگرم (بدون بمب)





طول بال: ۸ متر و ۹۰ سانتی متر
اسلحة: یک مسلسل ۱۲/۷ میلی متری حداکثر ظرفیت حمل بمب: ۵۰۰ کیلو گرم





جدول

پایه دار

افقی

۱. حیله گر.
۲. مرضی واگیر و خطرناک، سرایت آن به وسیلهٔ میکروب مخصوصی است که در آب و خوردنی‌ها تولید می‌شود.
۳. واحد مقیاس سطح برابر با ۱۰۰ متر مربع- خاک کوزه گری.
۴. راوی چنین کند.

عمودی

۱. مرکز مازندران.
۲. رخ و چهره.
۳. کجاست؟
۴. هوای گرفته و بارانی.
۵. درستی و صداقت

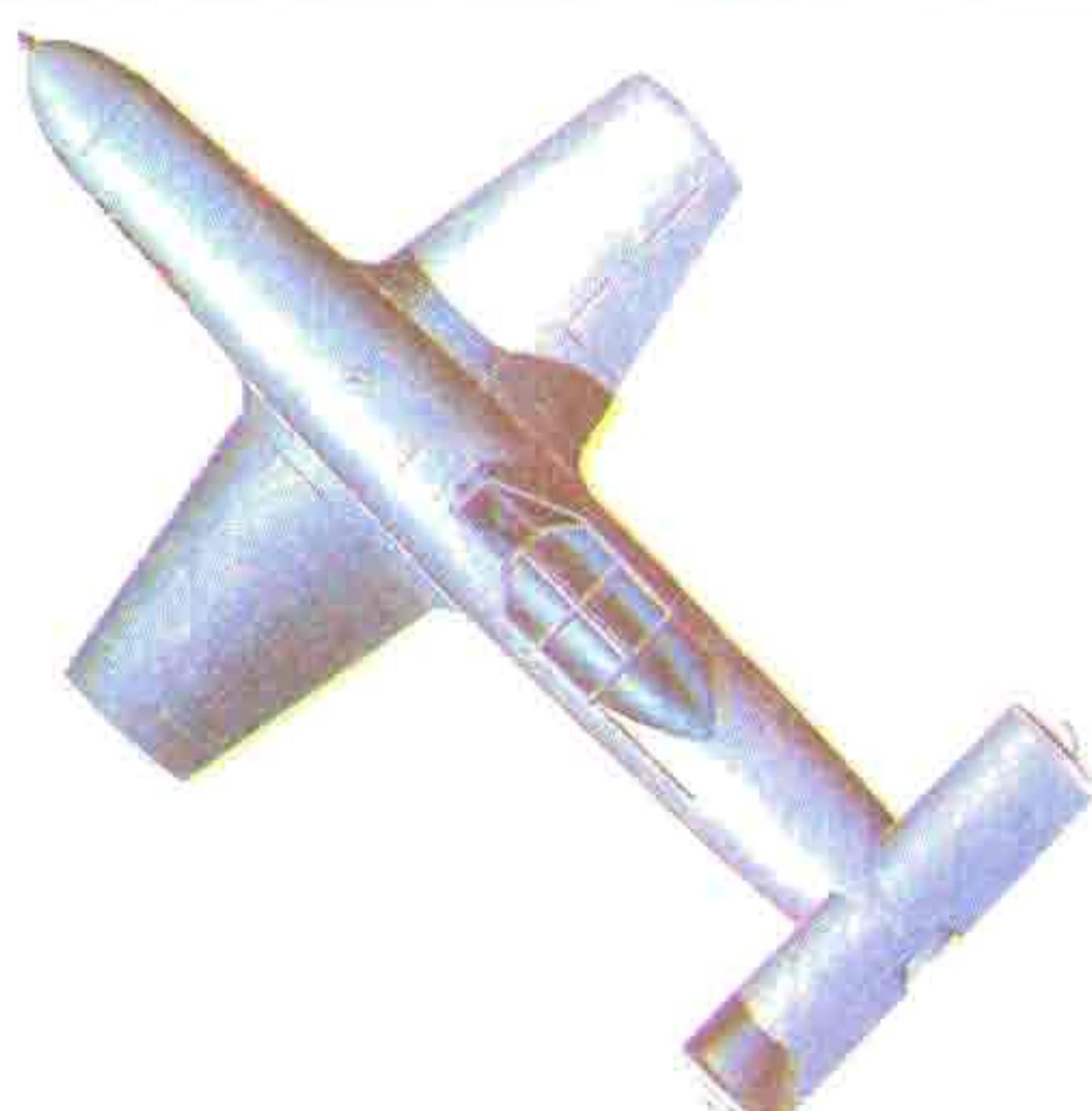
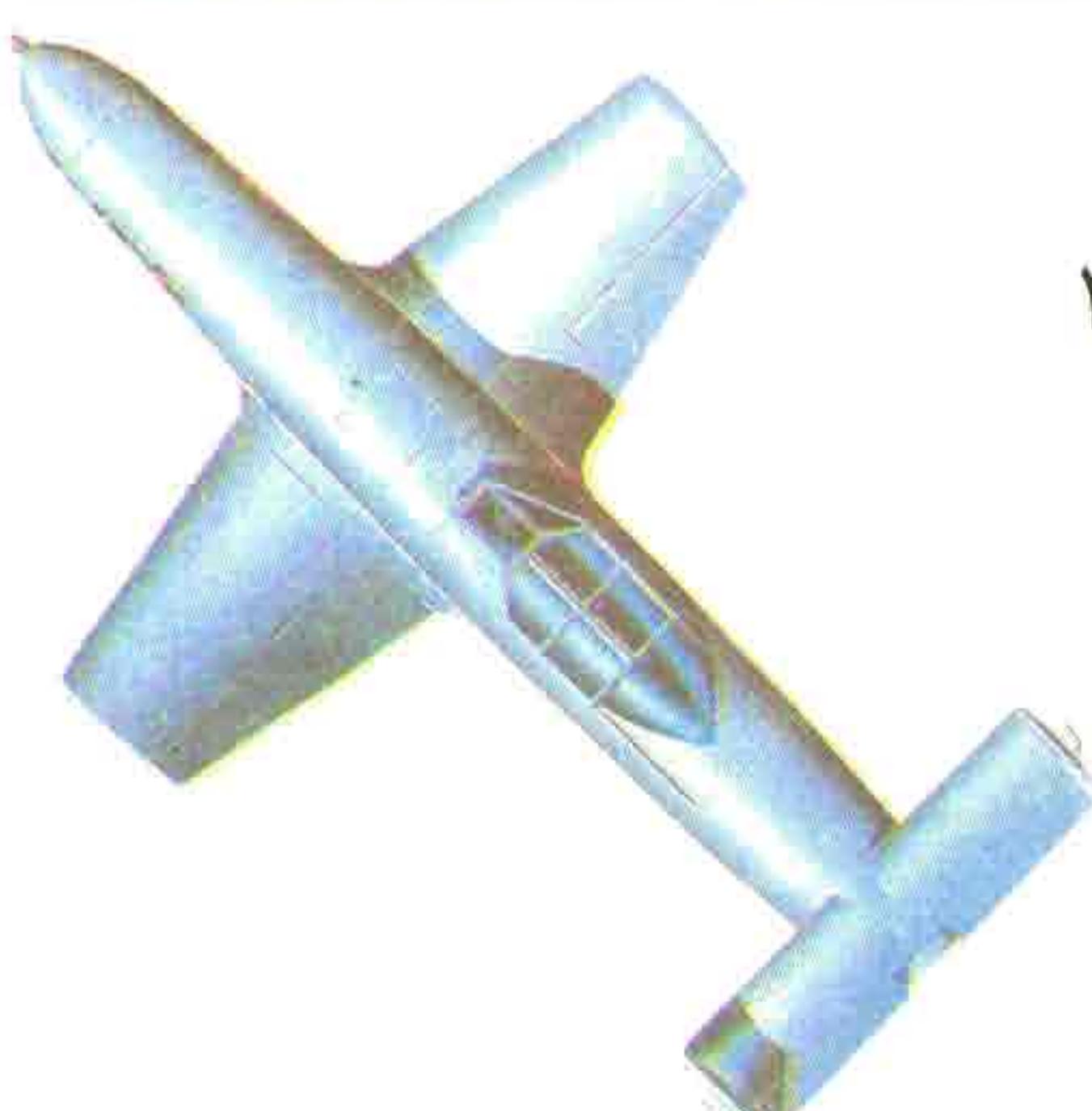


پاسخ جدول شماره گذشته

۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱
۲۲	۲۳	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸
۲۹	۳۰	۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰	۴۱	۴۲

جدول
۴۹
خانه ای

نام هواپیما: یوکوسوکا مدل ۱۱
کشور سازنده: ژاپن
موتور: سه موتور راکتی تیپ ۴



فرستنده:

نشریه



نشانی:

تهران- خیابان انقلاب- چهار راه حافظ- پلاک ۹۶۲

امور مشترکان مجله هفتگی «دوست»

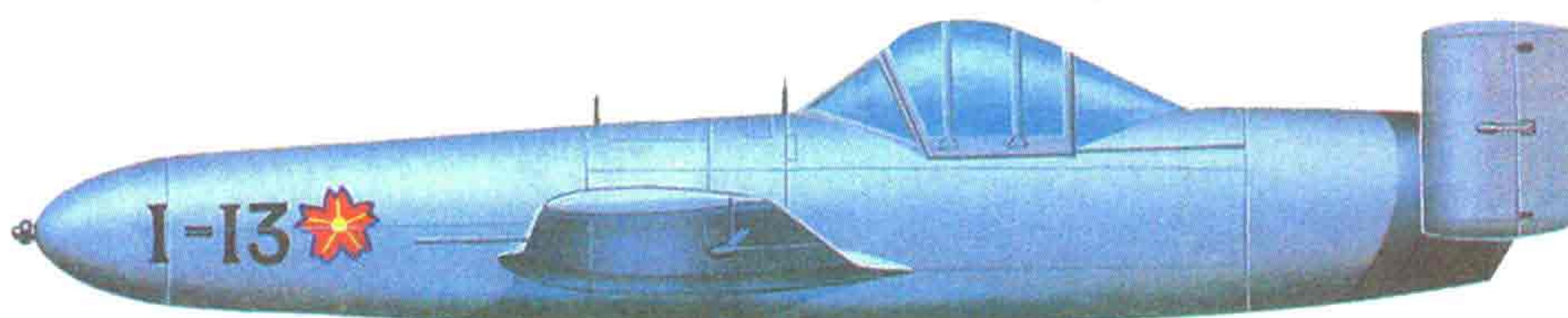
دوست



۱۴

حداکثر سرعت: ۹۲۷ کیلومتر در ساعت

وزن: ۴۴۰ کیلوگرم



لُو سَلَم

بهای اشتراک تا پایان سال ۱۳۸۴ هر ماه ۴ شماره، هر شماره ۱۷۵۰ ریال



دستن عزیز لطفاً قسمت‌های مشتمل شده را بپرید و خودتان یک پاکت نامه با آن بسازید و برای ما بفرستید.

مبلغ اشتراک را به حساب شماره ۵۲۵۶ بانک صادرات میدان انقلاب کد ۷۶ به نام موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) واریز کنید. (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک صادرات در سراسر کشور) فرم اشتراک را همراه با رسید بانکی به نشانی: تهران خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، پلاک ۹۶۲ امور مشترکان مجله دوست ارسال فرمائید.

قابل توجه مقاضیان خارج از کشور

بستگان هر یک از افراد ساکن در خارج از کشور که در ایران سکونت دارند، می‌توانند مبلغ فوق را به حساب اعلام شده واریز نمایند و سپس نشانی فرد خارج از کشور را به امور مشترکان مجله دوست ارسال نمایند.

بهای یک شماره از مجله هفتگی «دوست»:
خاور میانه (کشورهای همچو) ۷/۰۰۰ ریال
اروپا، آفریقا این ۸/۰۰۰ ریال
آمریکا، کانادا، استرالیا ۹/۵۰۰ ریال

مشترکین محترم استان اصفهان می‌توانند مبلغ اشتراک خود را به شماره حساب ۱۰۰۴ ۱۱۸۷۵۰ ۱۰۱۰ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملی سراسر کشور واریز فرمایند.
نشانی: اصفهان - خیابان شیخ بهایی مقابل بیمارستان مهرگان نمایندگی چاپ و نشر عروج تلفن: ۲۳۶۴۵۷۷

فرم اشتراک

نام:

نام خانوادگی:

تاریخ تولد: .. / ۱۳ / ..

نشانی:

کد پستی:

تلفن:

تا شماره:

شروع اشتراک از شماره:

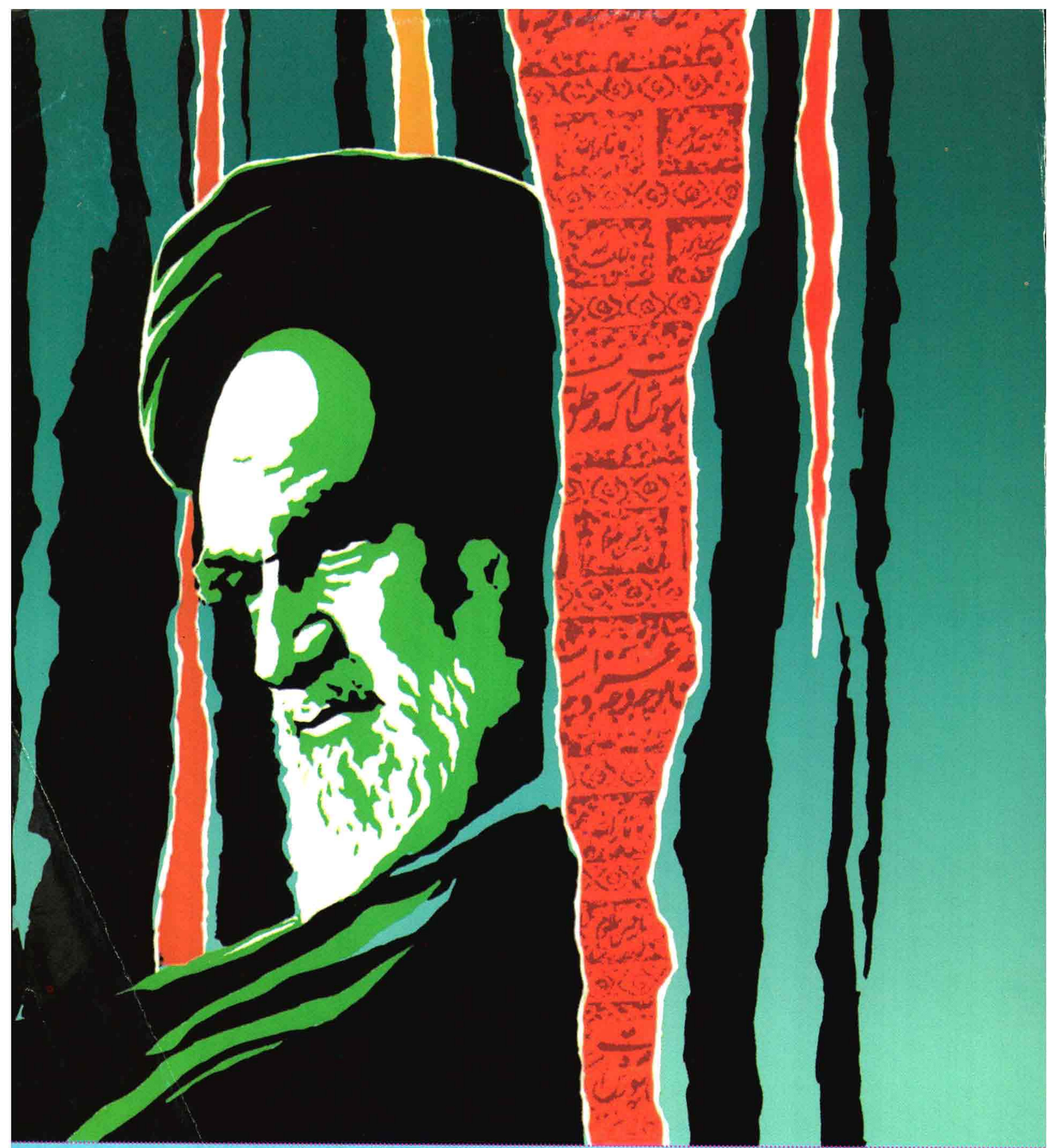
امضاء:

۱۴۲

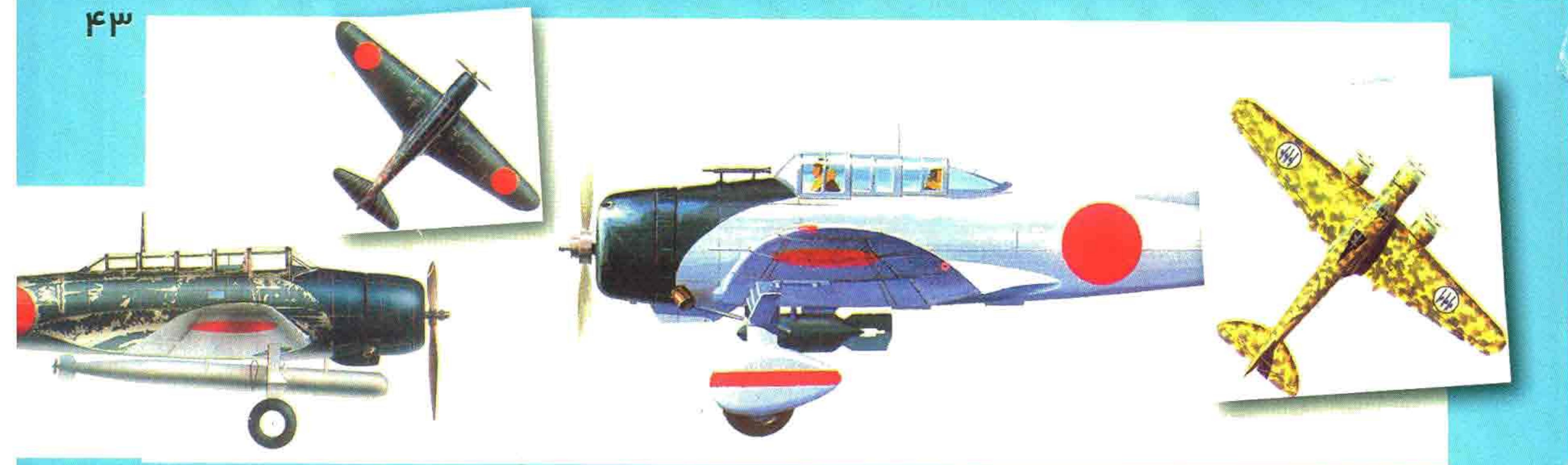
طول بال: ۶ متر

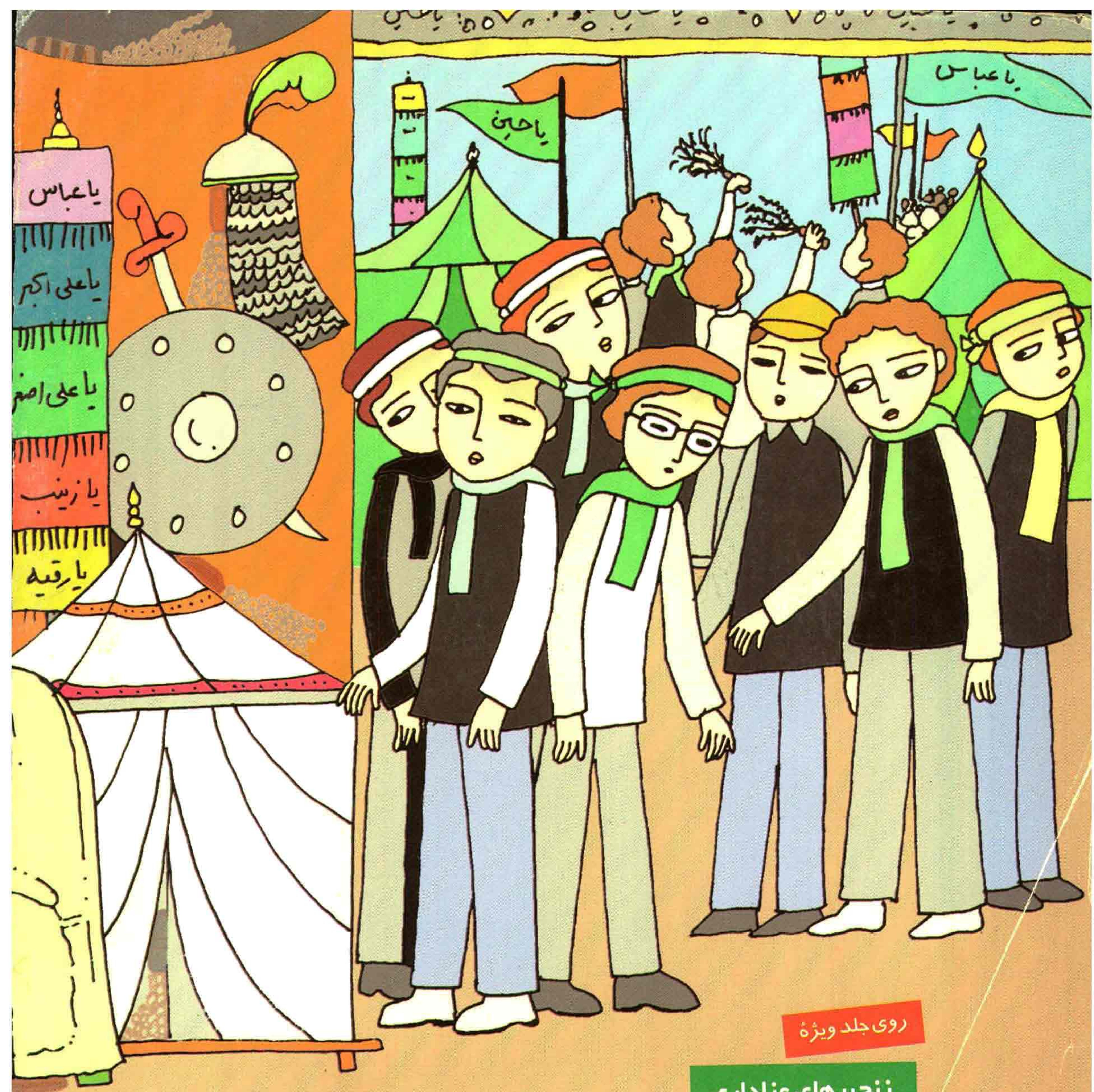
اسلحة: ۱۲۰۰ کیلو گرم کلاهک منفجر شونده





۱۴





زنگیرهای عزاداری

شرح در صفحه ۲

